

توضیح المسائل مقام معظم رهبری برگرفته از سایت Khamenei.ir ، شورای اسلامی خوابگاه شهید مفتاح دانشگاه شیراز ۱

مجموعه ی احکام تقلید ، ولایت فقیه ، تخلی و نجاسات ، آبها و مطهرات ، وضو، غسل ، احکام درگذشتگان تیمم ، مجموعه ی احکام نماز ، مجموعه احکام روزه دروس ۱- ۶۵ .

پرسش و پاسخ دانشجویان با رهبر انقلاب درباره وظایف دانشجوی

دانشجوی موفق چه دانشجویی است؟

به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای دانشجوی موفق، سه شاخص دارم. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران (77/2/22)



شورای اسلامی خوابگاه شهید مفتاح دانشگاه شیراز

[Khatfarhangi.mihanblog.com](http://Khatfarhangi.mihanblog.com)

لطفا انتقادات و اشکالات خود را به ایمیل زیر پیام دهید .

[khatfarhangi@mihanmail.ir](mailto:khatfarhangi@mihanmail.ir)

آنچه در زیر می آید، دروس "اول تا شصت و پنجم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

صفحه			
۲	۳-۱	درس	احکام تقلید
۸	۴	درس	ولایت فقیه و رهبری
۱۰	۶ و ۷ و ۸ و ۹	درس	احکام تخلی و نجاسات
۱۷	۵ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲	درس	احکام آبها و مطهرات
۲۴	۱۳-۱۷	درس	احکام وضو
۳۵	۱۸-۲۱	درس	احکام غسل
۴۱	۲۲-۲۴	درس	احکام درگذشتگان
۴۶	۲۵-۲۶	درس	تیمم ،
۵۱	۲۷-۵۷	درس	مجموعه ی احکام نماز ،
۹۹	۵۸-۶۵	درس	مجموعه احکام روزه



1393/06/05

## احکام تقلید

آنچه در زیر می‌آید، دروس "اول، دوم و سوم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### مقدمه

مكلف باید مسایلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسایل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.

### توجه:

مكلف به کسی گفته می‌شود که واجد شرایط تکلیف باشد:

۱. بلوغ

۲. عقل

۳. قدرت

نشانه‌های بلوغ یکی از سه چیز است:

۱. روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت (شرمگاه)

۲. احتلام (بیرون آمدن منی)

۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و تمام شدن ۹ سال قمری در دختر

تا زمانی که یکی از نشانه‌های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده شرعاً حکم به بلوغ او نمی‌شود و مكلف به

احکام شرعی نیست.

✦ صرف احتمال این که انبات (رویش موی درشت زیر شکم) یا احتلام زودتر از سن تکلیف ظاهر شده‌اند برای حکم به بلوغ کفایت نمی‌کند.

✦ خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می‌بیند علامت شرعی بلوغ نیست.

✦ همانطور که گفتیم معیار در سن بلوغ، سال قمری است و در صورتی که تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد می‌توان آن را بر اساس سال قمری از طریق محاسبه اختلاف بین سال قمری و سلا شمسی به دست آورد. (هر سال قمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۱۷ ثانیه کمتر از سال شمسی است.)

## 🔸 راه‌های شناخت احکام

مکلف برای شناخت احکام دین و عمل به آنها سه راه دارد:

### ۱. اجتهاد

اجتهاد یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابع قطعی که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

### ۲. احتیاط

احتیاط یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه‌ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد.

### ۳. تقلید

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

### توجه:

✦ تقلید، علاوه بر این که ادله‌ی لفظی دارد، عقل نیز حکم می‌کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کند.

✦ مکلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

✦ از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع‌الشرائط تقلید کند.

✦ تقلید بر کسی واجب است که واجد سه شرط باشد:

۱. مکلف باشد.

۲. مجتهد نباشد.

۳. محتاط نباشد.

## 🔸 اقسام تقلید

تقلید از یک نظر بر دو قسم است:

۱. **ابتدایی**: یعنی تقلید کردن از مجتهد مرده بدون آن که قبلاً در زمان حیات وی از او تقلید کرده باشد)

که بنا به احتیاط (واجب) جایز نیست.

**۲. بقایی):** یعنی باقی بودن بر تقلید از مجتهد مرده‌یی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده است) که در همه‌ی مسایل حتی در مسایلی که تا کنون مکلف به آنها عمل نکرده جایز و مجزی است.

**توجه:**

✦ در تقلید بقایی، فرقی نیست بین آن که مجتهد میت، اعلم باشد یا نباشد، در هر صورت جایز است، ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میت اعلم ترک نشود.

✦ تقلید ابتدایی از مجتهد میت یا بقا بر تقلید او و حدود آن، باید به تقلید از مجتهد زنده و بنابر احتیاط واجب اعلم باشد. بلی در صورتی که جواز بقا بر تقلید میت، مورد اتفاق فقهای عصر حاضر باشد اجازه از اعلم واجب نیست.

✦ افرادی که در زمان حیات مجتهد جامع‌الشرائط غیر بالغ بوده‌اند ولی به نحو صحیح از او تقلید کرده‌اند، می‌توانند بعد از فوت آن مجتهد همچنان بر تقلید وی باقی بمانند.

✦ شخصی که از مجتهدی تقلید می‌کرده و بعد از فوت او در بعضی از مسایل از مجتهد دیگری تقلید کرده است و این مجتهد نیز وفات نموده، می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از مجتهد اول در مسایلی که از او عدول نکرده باقی بماند، همچنان که مخیر است در مسایلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

### ✦ اعمال بدون تقلید

اعمال افرادی که تقلید نمی‌کنند یا تقلید صحیح ندارند در صورتی محکوم به صحت است که:

۱. موافق احتیاط باشد.
۲. یا مطابق واقع باشد.
۳. یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند.

### ✦ شرایط مرجع تقلید

**توجه:**

✦ از کسی باید تقلید کرد که شرایط آن را داشته باشد:

۱. مرد باشد.
۲. بالغ باشد.
۳. عاقل باشد.
۴. شیعه‌ی ۱۲ امامی باشد.
۵. حلال زاده باشد.
۶. بنابر احتیاط (واجب) زنده باشد.
۷. عادل باشد.
۸. با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنابر احتیاط واجب، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.
۹. مجتهد باشد.
۱۰. بنابر احتیاط واجب اعلم باشد.

## ۷. عادل باشد

۱. عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می‌شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی بشود.
۲. عادل کسی است که عدالت داشته باشد، و به عبارت دیگر کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه (ترک واجب یا انجام حرام) نشود.
۳. برای اثبات و احراز عدالت، حسن ظاهر کافی است.

## ۹. مجتهد باشد

**الف (اجتهاد از یک نظر بر دو قسم است:**

۱. اجتهاد مطلق: اجتهادی را گویند که صاحب آن در تمام ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد مطلق را «مجتهد مطلق» نامند.
  ۲. اجتهاد متجزی: به اجتهادی گفته می‌شود که صاحب آن در برخی از ابواب فقهی، مثل نماز و روزه دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد تجزی را «مجتهد متجزی» می‌گویند.
- ب (فتوای مجتهد مطلق برای خودش حجت است و دیگران هم می‌توانند از او تقلید کنند، و همچنین فتوای مجتهد متجزی، گرچه احتیاط مستحب در ترک تقلید از مجتهد متجزی است .**

## ۱۰. بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد

۱. اعلم یعنی کسی که بر استنباط احکام دین توانا تر باشد، و به عبارت دیگر کسی است که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله، استنباط کند، و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاهتر باشد.
۲. دلیل وجوب تقلید از اعلم، بنای عقلا و حکم عقل است.
۳. وجوب تقلید از اعلم بنا به احتیاط واجب در مسایلی است که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد.
۴. به صرف احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست بنا به احتیاط واجب در مسایل مورد اختلاف از غیر اعلم تقلید کرد.

## چند نکته در ارتباط با شرایط مرجع تقلید

✦ در صحت تقلید از مجتهد جامع الشرائط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله‌ی عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلف ثابت شود مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله‌ی عملیه هم ندارد جامع الشرائط است می‌تواند از او تقلید کند.

✦ در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

✦ پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان تازه به سن تکلیف رسیده‌ی خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کنند و به خاطر دشوار بودن درک مسأله‌ی تقلید نمی‌توانند به تنهایی وظیفه‌ی شرعی خود را در این باره

تشخیص دهند، ارشاد و راهنمایی نمایند.

### تبعیض در تقلید

۱. تبعیض در تقلید یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.

۲. مقلد می‌تواند هر قسمت از احکام شرعی را از مجتهدی که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد تقلید کند، مثلاً عبادات را از مجتهدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید نماید یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را از دیگری تقلید کند، بلکه اگر اعلی‌میت هر یک از مجتهدین در مسایلی که مکلف بنا دارد در آن مسایل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسایل مورد نیاز مقلد واجب است.

### راه‌های شناخت مجتهد جامع‌الشرائط

از دو راه می‌توان مجتهد حایز شرایط را شناخت:

۱. اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر.

۲. شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.

**توجه:**

اگر بین‌هی شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع‌الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بین‌هی شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بین‌هی حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بین‌هی معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

### راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد

راه‌های دستیابی به فتوای مجتهد

۱. شنیدن از خود مجتهد.

۲. شنیدن از دو یا یک نفر عادل.

۳. شنیدن از یک نفر مورد اطمینان.

۴. دیدن در رساله‌ی مجتهد در صورتی که رساله‌ی وی مصون از اشتباه باشد.

**توجه:**

در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان حکم شرعی، اجازه داشتن از مجتهد شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود جایز نیست متصدی این کار شود، و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

### احکام عدول

الف (مواردی که عدول به غیر اعلم جایز است

۱. در مسایلی که مجتهد اعلم، فتوا ندارد و غیر اعلم در آن مسأله احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد. (البته با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم بنابر احتیاط واجب).
  ۲. در مسایلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد.
  ۳. در مسایلی که فتوای اعلم مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط.
- ب (مواردی که عدول جایز نیست

۱. عدول از مجتهد زنده به مجتهد دیگر بنا به احتیاط واجب جایز نیست مگر این که وی فاقد یکی از شرایط مرجعیت باشد، مثلاً مرجع دوم، اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله‌ی مخالف فتوای مجتهد اول باشد.

۲. رجوع به مجتهد میت بعد از عدول از او به مجتهد زنده در مسایلی که عدول شده جایز نیست.

#### توجه:

✦ صرف گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

#### ✦ مسایل متفرقه‌ی تقلید

۱. هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسأله‌ی پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد عمل کند و نماز را به آخر برساند، ولی پس از نماز باید مسأله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند.

۲. جاهل از یک نظر بر دو قسم است:

۱. **جاهل قاصر:** کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

۲. **جاهل مقصر:** به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

۳. احتیاط واجب یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط. در احتیاط واجب مقلد می‌تواند به مجتهد دیگر که احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم رجوع کند.

۴. همهی عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لا یخلو من اشکال» که در کتب فقهی به کار می‌روند، دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.

۵. در مقام عمل فرقی بین «جایز نیست» و «حرام است» وجود ندارد.

---

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



## ولایت فقیه و رهبری

آنچه در زیر می‌آید، درس "چهارم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### ۱. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

#### توجه:

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد.

عدم اعتقاد به ولایت فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت (عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود، و اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

### ۲. ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

#### توجه:

ولایت فقیه، حکم شرعی تبعدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

### ۳. قلمرو ولایت فقیه

#### ۱. اوامر ولایی ولی فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان.



## توجه:

✳ برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد.

## ۲. احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

## ۳. اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

## ۴. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است.

## ۵. اداره‌ی رسانه‌های گروهی

اداره‌ی رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه‌ی اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده می‌شود.

## سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

✳ اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه: نماینده‌ی ولی فقیه در صورتی که دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است صادر کرده باشد مخالفت با آنها جایز نیست.

✳ ولایت اداری: در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری (به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض) وجود ندارد، ولی مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست.

✳ ولایت تکوینی: ولی فقیه، ولایت تکوینی ندارد. این امر اختصاص به معصومین (ع) دارد.

## ۴. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسایل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسایل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.  
شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.  
پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



1393/06/11

## احکام آبها و مطهرات

آنچه در زیر می‌آید، دروس "پنجم، دهم، یازدهم و دوازدهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است .

### ❖ اقسام آبها

#### ❖ ۱. آبها

مضاف .

مطلق :

آب باران

آب جاری

آب راکد: کر، قلیل.

#### ❖ ۲. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره‌یی )

##### الف) معنای آب مضاف

آب مضاف آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون قید و اضافه صحیح نباشد، خواه از چیزی گرفته شود، مانند آب هندوانه، گلاب و مانند آن، یا با چیزی مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند، مانند شربت، آب نمک و مانند آن.

##### ب) احکام آب مضاف

۱. آب مضاف، چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نیست).

۲. با برخورد به نجاست، نجس می‌شود (هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه‌ی آب عوض نشود و هر چند آب مضاف به اندازه کر باشد).  
۳. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.

#### توجه:

گاهی به آب، موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر در می‌آورد، این آب، حکم آب مضاف را ندارد، (بنابراین می‌توان با آن چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد).

### ۳. آب مطلق (آب خالص)

#### الف) معنای آب مطلق

آب مطلق آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قید و شرطی صحیح باشد، مانند آب باران و آب چشمه و مانند آن .

#### ب) اقسام آب مطلق

از آسمان می‌بارد (باران).

از زمین می‌جوشد (جاری).

نه می‌بارد و نه می‌جوشد (راکد) : ۱. تقریباً ۳۸۴ لیتر است (کر). ۲. کمتر از این مقدار است (قلیل).

#### توجه:

آب یا از آسمان می‌بارد یا از زمین (مخزن زیر زمینی) می‌جوشد و یا نه می‌بارد و نه می‌جوشد. به آبی که از آسمان می‌بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می‌جوشد «آب جاری» است. آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد «آب راکد» است که اگر حجم آن ۴۲ ۸/۷ و جب (تقریباً ۳۸۴ لیتر) باشد «آب کر» و اگر کمتر از آن باشد «آب قلیل» خواهد بود.

#### ج) احکام آب مطلق

۱. آب مطلق چیز نجس را پاک می‌کند (از مطهرات است).

۲. آب مطلق به جز آب قلیل، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ یا بو یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد پاک است.

۳. وضو و غسل با آب مطلق صحیح است.

#### توجه:

برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است، بنابراین از آن جا که صرف غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی‌شود، از این رو می‌توان با آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه‌ی ارومیه چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد.

### ۴. احکام اقسام آبهای مطلق

#### الف) آب باران

آب باران اگر به چیزی که نجس شده است ببارد آن را پاک می‌کند.

## ب) آب کر و جاری

۱. اگر چیزی را که نجس شده در آب کر و جاری فرو ببرند آن را پاک می‌کند و خود نجس نمی‌شود.
۲. آب کر و جاری اگر با ریخته شدن چیزهای نجس در آن، رنگ یا بو یا مزه‌ی آن تغییر کند، نجس می‌شود و در این صورت چیزهایی را که نجس شده‌اند، پاک نمی‌کند.

### توجه:

آب کر و جاری در تطهیر هیچ تفاوتی با هم ندارند.

## ج) آب قلیل

۱. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود نجس می‌شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی‌کند.
۲. اگر آب قلیل را بر روی چیزهایی که نجس شده است بریزند آنها را پاک می‌کند، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن بر روی نجس، از آن سرازیر می‌شود، نجس است.
۳. آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد و قسمت پایین آن با نجاست برخورد می‌کند، در صورتی که سرازیری آب به گونه‌ی باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند قسمت بالای آن پاک است.
۴. آب قلیل اگر به کر یا جاری متصل باشد در حکم کر و جاری است.

## ۵. احکام شک در آب

۱. آبی که نمی‌دانیم پاک است یا نجس شرعاً پاک است، ولی آبی که نجس بوده و نمی‌دانیم بعداً پاک شده یا نه، در حکم نجس است.
۲. آبی که به اندازه‌ی کر بوده اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه، در حکم آب کر است.

### توجه:

- برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب نیست، بلکه اگر حالت سابقه‌ی کر بودن آب احراز شود بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است (مثلاً اگر بدانیم آب موجود در دستشویی های قطار و غیره قبلاً به اندازه‌ی کر یا بیشتر بوده است و شک کنیم از کر افتاده می‌توانیم بنا را بر کر بودن آن بگذاریم).
۳. آبی که کمتر از کر بوده تا انسان یقین نکند که به مقدار کر شده، حکم آب قلیل را دارد.

## ۱. مطهرات

- الف) آب.
- ب) زمین.
- ج) آفتاب.
- د) استحاله.
- هـ) انتقال.
- و) اسلام.
- ز) تبعیت.
- ح) بر طرف شدن عین نجاست.

ط) استبرای حیوان نجاستخوار.

ی) غایب شدن مسلمان.

### توجه:

☞ به چیزهایی که نجس را پاک می کند «مطهرات» می گویند.

### الف) آب

#### ۱. طریقه‌ی تطهیر ظروف:

۱. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در کر و جاری یکبار کافی است.
۲. ظرفی را که سگ در آن، آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست، و اگر با آب قلیل شسته می شود باید پس از خاکمال دو مرتبه شسته شود.
۳. ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد باید هفت مرتبه شسته شود، ولی خاکمال آن لازم نیست.

#### ۲. طریقه‌ی تطهیر غیر ظروف:

۱. چیزی که نجس شده است، اگر در صورت بر طرف کردن عین نجاست، یکبار آن را در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند به طوری که آب به همه‌ی جاهایی که نجس شده برسد پاک می شود، و در فرش و لباس و امثال آن بنا بر احتیاط (واجب) باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. بلی فشار یا تکان لازم نیست خارج آب باشد بلکه داخل آب کافی است.
۲. چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است، هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می شود، و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از بر طرف شدن عین نجاست اگر یک مرتبه شسته شود پاک می شود.
۳. چیزی را که با آب قلیل آب می کشند، باید آبی که روی آن می ریزند از آن جدا شود و اگر قابل فشردن است، مانند لباس و فرش باید آن را فشار دهند تا آب از آن جدا شود.

### توجه:

- ☞ در تطهیر فرش نجس و مانند آن با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به صرف رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله‌ی دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می شود.
- ☞ ظاهر تنوری که با گل آغشته به آب نجس ساخته شده است، با شستن پاک می شود، و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می چسبد برای پختن نان کافی است.
- ☞ لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می کنند چنانچه رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها پاک می شوند.
- ☞ لباسهای نجسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می شود و آب لوله کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می گیرد، لباس و ظرف و آب و پرزهایی که از لباس جدا شده و بر روی آب دیده می شود و همراه آب به بیرون می ریزد همگی پاک هستند. (البته همانطور که قبلا گفته شد در لباس و امثال آن بنا بر

احتیاط باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. )

### ب) زمین

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود مشروط به این که عین نجاست، زایل شود.

**توجه:**

زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده‌ی پا یا ته کفش نیستند.

### ج) آفتاب

۱. آفتاب، زمین و همه‌ی اشیای غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته، مانند در و پنجره و دیوار ستون و امثال آن و درخت و گیاه را پاک می‌کند.

۲. شرایط پاک‌کنندگی آفتاب:

۱. چیز نجس‌تر باشد.

۲. عین نجاست در آن نباشد (اگر عین نجاست هست قبل از تابش آفتاب بر طرف شود).

۳. آفتاب به آن بتابد (چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد).

۴. به‌وسیله‌ی آفتاب خشک شود (اگر مرطوب بماند پاک نشده است).

### د) استحاله

چیز نجس اگر به طوری تغییر یابد که جنس دیگری شود، مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود یا شرابی که به سرکه تبدیل شود یا سگی که در نم‌کزار بیفتد و تبدیل به نمک شود، پاک می‌شود، ولی اگر جنس آن تغییر نیابد، بلکه فقط صورت آن عوض شود، مانند گندم که آرد می‌شود یا شکر که در آب حل می‌شود، پاک نمی‌شود.

**توجه:**

برای تطهیر مواد نجس، مثل روغن نجس، صرف انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد کافی نیست (با این کار، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند).

به صرف جداسازی مواد معدنی آلوده و میکروبها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند، مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره‌ی بخار به آب انجام شود.

### ه) انتقال

خونی که پشه و دیگر حشرات از بدن انسان مکیده‌اند، تا وقتی خون انسان به حساب می‌آید نجس است، (مانند خونی که زالو از بدن انسان مکیده است)، ولی پس از آن که بر اثر گذشت مدتی، خون آن حشره محسوب شد پاک می‌شود.

### ح) بر طرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به چیز نجسی آلوده شد، همین که آن چیز برطرف شد، بدن آن حیوان پاک می‌شود و

احتیاج به آب کشیدن نیست. همینطور است داخل بدن انسان، مانند داخل دهان یا بینی، مشروط بر این که نجاست از بیرون به آن نرسیده باشد، پس خونی که از دندان می‌آید اگر عین آن در آب دهان از بین برود دهان پاک است.

### ❖ (ی) غایب شدن مسلمان

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است، و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاک را می‌کند، آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط بر آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست با خبر باشد.

### ❖ ۲. راه‌های ثابت شدن طهارت

پاک شدن چیزی از سه راه ثابت می‌شود:

۱. خود انسان یقین کند چیزی که نجس بوده پاک شده است.
۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی را در اختیار دارد (مانند صاحبخانه و فروشنده و خدمتکار) بگوید: پاک شده است.
۳. دو شخص عادل خبر دهند.

### توجه:

❖ هرگاه کودکی که در آستانه بلوغ است از طهارت چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و عبارت دیگر گفته وی در این باره معتبر است.

### ❖ ۳. اصل طهارت

#### ۱. معنای اصل طهارت

به طور کلی در مورد طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد از نظر شرعی محکوم به طهارت است و سؤال و تحقیق لازم نیست .

#### ۲. نمونه‌هایی از موارد اصل طهارت

۱. کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده‌ی غذایی تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده، محکوم به طهارت است.
۲. پرزها یا غباری که معلوم نیست از لباس نجس جدا شده یا لباس پاک، پاک است. همچنین اگر بدانیم از لباس نجس است ولی ندانیم از قسمت پاک لباس است یا قسمت مربوط به نجس آن .
۳. لباسهایی که به خشکشویی‌ها داده می‌شود، اگر از قبل نجس نباشند محکوم به طهارت هستند، هر چند بدانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیایی استفاده می‌کنند.
۴. ترشح آبی که بر مکانی می‌ریزد که نمی‌دانیم آن مکان پاک است یا نجس، پاک است.
۵. آبی که از ماشین‌های حمل زباله‌ی شهری به خیابان می‌ریزد و نمی‌دانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. همچنین آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابان جمع می‌شود و معلوم نیست پاک است یا نجس.

۶. لوازم آرایشی، مثل رژ لب که معلوم نیست از مردار ساخته شده یا نه، تا زمانی که نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود پاک است و استفاده از آنها اشکالی ندارد.
۷. هنگام استفاده از کفش، در صورتی حکم به نجاست پا می‌شود و بایستی آن را برای نماز شست که یقین داشته باشیم که کفش از پوست حیوانی است که تذکیه نشده و معلوم شود که پا در کفش مذکور عرق کرده، اما در صورت شک در عرق کردن پا یا شک در تذکیه حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است محکوم به طهارت است.
۸. قلم مویی که در نقاشی و نقشه کشی و مانند آن استفاده می‌شود و معلوم نیست از موی خوک ساخته شده است یا نه، پاک است و استفاده از آن حتی در اموری هم که مشروط به طهارت است، اشکال ندارد.
۹. فردی که نمی‌دانیم مسلمان است یا کافر محکوم به طهارت است و سؤال از دینش واجب نیست.
۱۰. در و دیوار منازل و هتل‌های کفار غیر کتابی (مثل بودایی‌ها) و اثاثیه و لوازم موجود در آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. (البته در صورت یقین به نجاست هم، آب کشیدن همه‌ی آنها واجب نیست. آنچه واجب است تطهیر اشیای نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن، مورد استفاده قرار می‌گیرند).
۱۱. اشیای مورد استفاده‌ی مشترک کفار و مسلمانان از قبیل صندلی‌های ماشین و قطار و مانند آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، پاک است.
۱۲. الکل‌هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشد، محکوم به طهارت است.

#### ۴. احکام ظرف‌ها

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است، ولی نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

#### توجه:

ظرف‌هایی که آب طلا یا نقره به آن داده شده، و یا از فلزی ساخته شده که قدری طلا یا نقره مخلوط دارد به طوری که به آن ظرف طلا یا نقره نمی‌گویند، حکم ظروف طلا و نقره را ندارند.

---

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.





1393/06/11

## احکام تخلی و نجاسات

آنچه در زیر می‌آید، دروس "ششم، هفتم، هشتم و نهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### ❖ احکام تخلی (بول و غایط کردن)

#### ۱. رعایت قبله

انسان در هنگام تخلی باید رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

#### ۲. پوشش

واجب است انسان در هنگام تخلی - و مواقع دیگر - عورت (شرمگاه) خود را از دیگران غیر از همسر خود بیپوشاند، چه مرد باشد و چه زن، و چه محرم و چه نامحرم، حتی از بچه‌ی نابالغ که دارای قدرت تشخیص می‌باشد.

#### توجه:

❖ زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بیپوشاند.

#### ۳. برخی از مکروهات تخلی

۱. ایستاده ادرار کردن.
۲. ادرار کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران.
۳. ادرار کردن در آب، مخصوصاً آب ایستاده.
۴. خودداری از دفع بول و غایط.
۵. تخلی در جاده‌ها و معابر و زیر درخت میوه دار.

### ❖ استبرا

۱. مردان پس از ادرار، اگر کاری که به آن «استبرا» می‌گویند انجام دهند در صورتی که پس از آن رطوبتی از مجرای ادرار خارج شود که نداند بول است یا چیز دیگر، آن رطوبت محکوم به طهارت خواهد بود و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.

۲. استبرا واجب نیست و اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود، مثل وقتی که در مجرا زخمی وجود دارد که هنگام استبرا بر اثر فشار از آن خون جاری می‌شود و بهبودی زخم را به تأخیر می‌اندازد. البته اگر استبرا نکند و بعد از بول کردن، رطوبت مشتبه خارج شود حکم بول را دارد.

۳. بهترین شیوه‌ی استبرا این است که بعد از قطع شدن ادرار، اگر مخرج مدفوع نجس شده، ابتدا آن را تطهیر کنند، بعد سه بار انگشت میانه‌ی دست چپ را از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشند، و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه بار تا سر آلت بکشند و پس از آن سه بار سر آلت را

فشار دهند.

۴. تفاوتی بین استبرا قبل از تطهیر مخرج غایط و بعد از تطهیر آن، از نظر کیفیت وجود ندارد.
۵. هرگاه فردی بعد از خروج بول، استبرا کند و وضو بگیرد، و سپس رطوبتی که مردد بین بول و منی است از او خارج شود واجب است برای تحصیل یقین به طهارت از حدث، هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

**توجه:**

❖ اقسام رطوبت‌هایی که گاهی از انسان خارج می‌شود:

۱. رطوبتی که گاهی بعد از خروج منی از انسان خارج می‌شود و «وَدْی» نام دارد.
  ۲. رطوبتی که بعضی از اوقات بعد از بول خارج می‌شود و «وَدْی» نام دارد.
  ۳. رطوبتی که بعد از ملاعبه‌ی زن و مرد با یکدیگر خارج می‌شود و «مَدْی» نام دارد.
- ❖ همه‌ی رطوبت‌های فوق پاک است و باعث نقض (از بین رفتن) طهارت نمی‌شود.

❖ استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)

۱. چگونگی تطهیر مخرج بول:

۱. مخرج بول (محل دفع ادرار) جز با آب پاک نمی‌شود.
۲. مخرج بول بنا بر احتیاط واجب با دو بار شستن پاک می‌شود.

۲. چگونگی تطهیر مخرج غایط:

- الف) مخرج غایط را به دو گونه می‌توان تطهیر کرد:
۱. آن که با آب بشوید تا نجاست از بین برود، و پس از آن آب کشیدن لازم نیست.
  ۲. آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه‌ی پاک و امثال آن، نجاست را پاک کنند و اگر با سه قطعه، نجاست زایل نشد با قطعات دیگر، آن را کاملاً پاک نمایند، و به جای سه قطعه می‌توانند از سه جای یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کنند.
- ب) مخرج غایط در سه صورت فقط با آب پاک می‌شود و با سنگ و امثال آن نمی‌شود آن را تطهیر کرد:
۱. آن که با غایط نجاست دیگری، مثل خون بیرون آمده باشد.
  ۲. آن که نجاستی از خارج به مخرج غایط رسیده باشد.
  ۳. آن که اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد

❖ نجاسات

نجاسات عبارتند از:

۱. بول.
۲. غایط.
۳. منی انسان.
۴. مردار.
۵. خون.

۶. سگ.

۷. خوک.

۸. مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب).

۹. کفاری که به دینی آسمانی متدین نیستند.

**توجه:**

تمام اشیا، محکوم به طهارت هستند مگر آنهایی که شارع، حکم به نجاستشان کرده است.

## ۲۱. بول و غایط

### الف) نجس

۱. انسان.

۲. هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، مانند موش و گربه به جز پرندگان.

### ب) پاک

۱. حیوانات حلال گوشت، خواه پرنده باشد مانند گنجشک و کبوتر یا غیر پرنده مانند گاو و گوسفند.

۲. حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی بی پولک.

۳. پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و طوطی.

بول و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، مگر پرندگان حرام گوشت که فضله‌ی آنان پاک باشد.

بول و مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره پاک است.

## ۳۰. منی

۱. منی انسان نجس است.

۲. کسی که پس از بول استبرا کند و همراه آن مایعی خارج شود که نداند منی است یا نه، چنانچه به منی بودن آن یقین پیدا نکند و خروج آن همراه با علامتهای شرعی خروج منی نباشد، حکم منی ندارد و پاک است.

**توجه:**

### علایم منی

#### الف) در مردها

۱. شهوت (حالت خوشایند جنسی که در هنگام ارضای کامل غریزه به وجود می‌آید).

۲. دفق (فشار، جستن).

۳. فتور (سست شدن بدن).

ب) در زنها: تنها شهوت.

## ۴۰. مردار (جسد مرده)

### الف) انسان

مسلمان نجس است به جز:

اجزای بی روح او، مانند ناخن و مو و دندان.

شهید معرکه باشد.

او را غسل داده باشند.

کافر:

کتابی (اهل کتاب): نجس است به جز اجزای بی روح او

غیر کتابی: تمام اجزای وی نجس است.

**ب) حیوان**

**سگ و خوک:** تمام اجزای آن نجس است.

**غیر سگ و خوک:**

خون جهنده دارد

اجزای روح دار، مانند گوشت و پوست: نجس است، مگر حیوانی که به دستور شرع کشته شده باشد.

اجزای بی روح، مانند مو و شاخ: پاک است.

خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.

۱. مردار انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است، چه حرام گوشت و چه حلال گوشت.

۲. حیوانی که به دستور معین در شرع مقدس، کشته شده باشد و نیز جسد مرده‌ی انسان پس از غسل میت

از حکم مردار، مستثنی هستند و نجس نیستند.

**توجه:**

منظور از غسل میت، سه غسل آن است، بنابراین بدن میت تا زمانی که غسل سوم آن کامل نشده باشد محکوم به نجاست است.

۳. چیزهایی از مردار که روح ندارد، مثل پشم و مو و دندان و شاخ و غیره پاک است مگر در مورد سگ و خوک و کافر و غیر کتابی.

**دو نکته در ارتباط با مردار**

پوست نازکی که خود به خود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت‌های بدن جدا می‌شود محکوم به طهارت است.

گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیط‌های اسلامی فروخته می‌شود پاک است، همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاک بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر

مسلمان تهیه شود، اگر یقین به عدم تزکیه‌ی شرعی آن نباشد پاک است. به عبارت دیگر در صورتی نجس است که یقین داشته باشیم حیوان، ذبح اسلامی نشده است، اما اگر بدانیم یا احتمال دهیم که ذبح اسلامی شده، پاک است.

**۵. خون**

۱. خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، چه حرام گوشت باشد و چه حلال

گوشت.

۲. خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می ماند پاک است.

۳. لکه‌ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است.

### ۷۶. سگ و خوک

سگ و خوک نجس است و در این حکم، فرقی میان اجزای روح دار و بی روح آنها نیست.

### یک نکته در ارتباط با سگ و خون

استفاده از موی (سگ و) خوک در اموری که مشروط به طهارت است، مثل ظرف آب وضو و غسل جایز نیست، ولی استفاده از آن در امری که مشروط به طهارت نیست اشکال ندارد.

### ۸. مشروبات مست کننده

مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب) نجس است.

توجه:

اگر ماده‌ی مست کننده از مایعات نباشد، مانند بنگ و حشیش و با مخلوط شدن در آب یا مایع دیگر، به صورت مایع درآید نجس نیست.

آب انگوری که با آتش، جوشیده شده و دو سوم آن کم نشده است ولی مست کننده نیست نجس نمی باشد، ولی خوردن آن حرام است.

هرگاه همراه مقداری غوره، دانه هایی از انگور باشد و آب همه‌ی آن را بگیرند، چنانچه حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آبغوره مستهلک شود به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، با جوشیدن، حرام نمی شود، ولی اگر حبه‌های انگور به تنهایی به وسیله‌ی آتش جوشانده شود خوردن آن حرام است.

### ۹. کافر

۱. کسی که توحید یا نبوت یا یکی از ضروریات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند یا معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم(ص) باشد کافر و نجس است مگر اهل کتاب باشد.

توجه:

انکار هر یک از ضروریات دین در صورتی باعث کفر می شود که به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم(ص) یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود.

۲. کافر اهل کتاب محکوم به طهارت است.

توجه:

مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی(ع) بداند و دارای یکی از کتاب‌های الهی که بر انبیا(ع) نازل شده است باشد، مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها و همچنین صابئین (که ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی(ع) را دارند و می گویند کتاب او نزد ما موجود است).

۳. صرف اعتقاد به رسالت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله برای اجرای حکم اسلام کافی نیست، بنابراین آن دسته از اهل کتاب که از جهت اعتقادی، ایمان به رسالت خاتم النبیین (ص) دارند، ولی بر اساس روش و عادت نیاکان خود عمل می کنند مسلمان به حساب نمی آیند. بلی اگر از اهل کتاب محسوب شوند محکوم به طهارت هستند.

۴. مسلمان مرتد، کافر و نجس است، نجس هم خواهد بود، ولی صرف ترک نماز و روزه و سایر واجبات شرعی باعث ارتداد مسلمان و کافر شدن و نجاست وی نمی گردد، و تا زمانی که ارتداد وی احراز نشده است حکم سایر مسلمانان را دارد.

۵. فرقه‌ی «علی اللہی‌ها» اگر اعتقاد داشته باشند که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) خدا است «تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا» یا او را شریک خداوند بدانند کافر و نجس اند.

۶. کسی که به یکی از امامان معصوم دشنام دهد و اهانت کند کافر و نجس است.

۷. تمام پیروان فرقه‌ی گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند.

#### چند نکته در ارتباط با نجاسات

- ✳ عرق جنب از حرام پاک است، ولی احتیاط واجب این است که با این عرق نماز خوانده نشود.
- ✳ عرق بدن و آب دهان شخصی که گوشت حرام و نجس (مثل گوشت خوک) خورده، پاک است.
- ✳ اثر کم رنگ خون که بعد از شستن لباس باقی می ماند، اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد پاک است.
- ✳ استفراغ پاک است، خواه از طفل شیرخوار باشد یا از طفلی که هم شیر می خورد و هم غذا و یا از انسان بالغ.

#### ۲۰. راههای ثابت شدن نجاست

- نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می شود:
- ۱. خود انسان، یقین کند چیزی نجس است.
- ۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحبخانه، فروشنده و خدمتکار) خبر دهد که آن چیز نجس است.
- ۳. دو شخص عادل گواهی دهند.

#### توجه:

✳ هرگاه کودکی که در آستانه‌ی بلوغ است از نجاست چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و به عبارت دیگر گفته‌ی وی در این باره معتبر است.

#### ۳۰. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک

- برای این که چیز پاک نجس شود چهار شرط لازم است:
- ۱. چیز پاک با چیز نجس ملاقات کند.
- ۲. هر دو یا یکی از آن دو رطوبت داشته باشد.

۳. رطوبت به قدری باشد که سرایت کند.

۴. ملاقات در داخل بدن نباشد.

### توجه:

✳ ملاک رطوبت مسریه (سرایت کننده) این است که به مقداری باشد که رطوبت، هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سرایت کند.

✳ پارچه و امثال آن اگر مرطوب باشد و یک نقطه‌ی آن با نجس ملاقات کند، فقط همان نقطه نجس می‌شود و بقیه‌ی جاهای آن پاک است.

✳ آبی که وارد دهان شده و به اجزای خون منجمد شده در لثه رسیده و سپس از دهان خارج شده محکوم به طهارت است، هر چند احتیاط (مستحب) اجتناب از آن است. همچنین غذایی که با آن اجزا تماس پیدا کرده نجس نیست و فرو بردن آن غذا اشکال ندارد و فضای دهان نیز پاک است.

✳ متنجس اول (چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است)، اگر باز با چیزی که پاک است تماس پیدا کند و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند، و باز متنجس دوم (این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است)، اگر با چیز پاکی برخورد نماید بنابر احتیاط واجب آن را نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمی‌کند.

### ۴. احکام نجاسات

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. همچنین خوراندن آن بر کسی که از نجاست آن خبر ندارد، نیز جایز نیست، ولی اگر انسان ببیند کسی غذای نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست نجس بودن آن را به او بگوید.

۲. آگاه کردن کسی که لباس را می‌شوید از نجاست لباس، لازم نیست، ولی صاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکند نمی‌تواند آثار طهارت بر آن مترتب سازد.

۳. هرگاه مهمان یکی از اثاثیه‌های میزبان را نجس کند اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست.

### ۵. وسواس و درمان آن

افراد وسواسی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند لازم است برای رهایی خود از بیماری وسواس به توصیه‌های زیر عمل کنند:

۱. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برایشان حاصل شد واجب است حکم به عدم نجاست کنند.

۲. اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

۳. هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود برای تطهیر آن یک‌بار شستن با آب لوله کشی بعد از زوال عین

نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست، و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج گردد.

۴. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است، لذا آن را بر خود مشکل نکنند و با این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحشان نگردند. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را بر ایشان تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب ایشان و کسانی که با آنها ارتباط دارند نیست. شکر گزار نعمت دین آسان باشند و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.

۵. این حالت، یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. رهایی از آن، احتیاج به رؤیا و معجزه ندارد، بلکه باید ذوق و سلیقه‌ی شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشند. افراد بسیاری بعد از ابتلا به آن با روش مذکور از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را با همت و اراده آرامش بخشید.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



## کیفیت وضو

آنچه در زیر می‌آید، درس "سیزدهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است. (۱)

## معنای وضو

وضو یعنی شستن صورت و دستها و مسح کردن جلو سر و روی پاها با شرایط و کیفیت خاص. این عمل که در شرع مقدس، وسیله‌ی طهارت معنوی شمرده شده، مقدمه‌ی برخی اعمال واجب و مستحب است، از قبیل نماز، طواف، تلاوت قرآن، ورود به مسجد و غیر اینها.

## کیفیت وضو

۱. شستن

الف) صورت از بالای پیشانی تا سر چانه



ب) دستها از آرنج تا سر انگشتان .

۲. مسح کردن

الف) جلوی سر

ب) روی پاها از سر انگشتان تا مفصل

**توجه:**

ترتیب وضو از این قرار است: شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر رویده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر انگشتان پا تا مفصل ساق پا.

### شستن صورت و دستها

۱. در شستشوی صورت باید به اندازه‌یی که ما بین انگشت وسط و شست قرار گیرد شسته شود.
۲. در صورت‌های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می‌کند و لازم نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می‌شود.
۳. صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است، هر چند به وسیله‌ی دست کشیدن باشد و مسح اعضا با دست مرطوب به تنهایی کافی نیست.
۴. صورت و دستها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود، اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.
۵. شستن صورت و دستها  
بار اول: واجب . بار دوم: جایز.  
بار سوم و بیشتر: غیر مشروع (حرام).

**توجه:**

ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول شستن چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد .

### مسح سر و پاها

۱. مسح بر پوست سر واجب نیست، بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است، ولی اگر موی جاهای دیگر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه‌ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست، و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.

**توجه:**

کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است؛ اگر موی مصنوعی به نحو کلاه‌گیس باشد واجب است برای مسح، آن را بردارد ولی اگر بر پوست سر کاشته شده و برداشتن آن ممکن نباشد یا مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد مسح بر روی همین موها کافی است.

۲. محل مسح پا، عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین

انگشتان پا (یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند) ثابت نشده است.

#### توجه:

اگر مسح پا، شامل سر انگشتان پا نباشد، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان مسح شود، وضو باطل است. بلی اگر شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می کرده است یا نه؟ در صورتیکه مسئله را می دانسته و احتمال می دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضویش محکوم به صحت است. ۳. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده نمی تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح نماید، و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

#### توجه:

اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه‌یی نمی زند، ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می باشد. از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود. ۴. در مسح باید دست را بر سر یا پا بکشد، پس اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را بر آن بکشد، مسح باطل است.

۵. محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند.

#### توجه:

اگر چند قطره آب بر روی پا باشد واجب است محل مسح را از آن قطرات خشک کرد تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس.

۶. اگر روی پا نجس باشد و برای مسح نتواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

۷. فردی که به علت فلج شدن هر دو پای خود به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می رود و بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای او خیلی سخت و دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است. دو نکته در ارتباط با کیفیت وضو

کسی که پی در پی از او باد خارج می شود، اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثنای نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می تواند با هر وضویی یک نماز بخواند یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود. بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



1393/03/15

### شرایط وضو

آنچه در زیر می‌آید، دروس "چهاردهم و پانزدهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

#### ❖ شرایطی که به وضو گیرنده برمی‌گردد:

- الف) با قصد قربت وضو بگیرد (نیت).
- ب) استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

#### ❖ شرایطی که به آب وضو برمی‌گردد:

- الف) آب وضو مطلق باشد.
- ب) آب وضو پاک باشد.
- ج) آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).

#### ❖ شرایطی که به ظرف وضو برمی‌گردد:

- الف) مباح باشد

#### ❖ شرایطی که به اعضای وضو برمی‌گردد:

- الف) پاک باشد.
- ب) مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

#### ❖ شرایطی که به کیفیت وضو برمی‌گردد:

- الف) ترتیب را در شستن و مسح کردن‌ها رعایت کند (ترتیب).

(ب) کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات).  
(ج) کارهای وضو را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).

### ❖ شرایطی که به زمان وضو برمی گردد:

به مقدار وضو و نماز وقت باقی باشد.

#### ۱. نیت

وضو را باید با قصد قربت به جا آورد یعنی به این نیت که این عمل مخصوص را برای انجام فرمان خداوند انجام می دهد، پس اگر از روی تظاهر یا برای خنک شدن، همه‌ی کارهای وضو را انجام دهد، وضو باطل است.

#### ۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

کسی که می ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.

#### ۳. آب وضو مطلق باشد

آب وضو باید مطلق باشد، بنابراین وضو با آب مضاف باطل است.

#### ۴. آب وضو پاک باشد

آب وضو باید پاک باشد، بنابراین وضو با آب نجس، باطل است.

#### توجه:

کسی که پس از جستجوی آب، آب آلوده و کثیفی را پیدا کند اگر آن آب، پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد واجب است وضو بگیرد و نوبت به تیمم نمی رسد.

#### ۵. آب وضو مباح باشد

آب وضو باید مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی جایز نیست.

#### توجه:

❖ مکانی که آب آن برای وضو گرفتن همه‌ی نماز گزاران به طور مطلق قرار داده شده است، استفاده از آن اشکال ندارد.

❖ وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می کند جایز است و مانع شرعی ندارد.

❖ هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع کند، نصب پمپ و استفاده از آن جایز نیست و وضو با آبی که به وسیله‌ی پمپ به دست می آید محل اشکال است، حتی برای ساکنان طبقات بالای ساختمانها که به دلیل ضعیف بودن فشار آب مجبورند از پمپ استفاده کنند.

❖ هر یک از مشترکین ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی، از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک

استفاده می‌کند، نسبت به هزینه‌ی خدمات (از قبیل هزینه‌ی آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب امتناع کند وضوی او محل اشکال بلکه باطل است.

## ۶. اعضای وضو پاک باشد

اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن باید پاک باشند، ولی اگر جایی را که شسته یا مسح کرده پیش از اتمام وضو نجس شود وضو صحیح است. البته تطهیر آن برای پاک شدن از نجاست به خاطر نماز واجب است.

### توجه:

اگر بعد از وضو شک کند آیا موضعی را که از قبل نجس بوده تطهیر کرده و سپس وضو گرفته یا نه، چنانچه در هنگام وضو توجه به پاکی و نجسی آنجا نداشته است وضو باطل است، ولی اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که به پاکی و نجسی آن توجه داشته وضو درست است، ولی در هر صورت باید آن موضع را آب بکشد.

## ۷. در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

در اعضای وضو باید مانعی از رسیدن آب نباشد و در غیر این صورت وضو باطل است.

### توجه:

- ✦ چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آید مانع محسوب نمی‌شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.
- ✦ رنگ روی ناخن در صورتی که دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می‌شود و وضو باطل است.
- ✦ رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی خود استفاده می‌کنند، اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود وضو صحیح است.
- ✦ جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می‌شود و تشخیص این موضوع بر عهده‌ی مکلف می‌باشد.
- ✦ خالکوبی بدن اگر صرفاً رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود وجود نداشته باشد وضو صحیح است.
- ✦ صرف وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می‌شود ضرری به وضو نمی‌رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره (ظاهر پوست) شود.
- ✦ اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را بر طرف کند.
- ✦ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی اعضای وضو مانع از رسیدن آب وجود دارد، و بعد از وضو شک کند که آب را به آنجا رسانده یا نه، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت به مانع بوده، وضو صحیح است.
- ✦ اگر شک کند به اعضای وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است، چسبیده یا نه، چنانچه احتمال آن در نظر مردم به جا باشد - مثل آن که بعد از گل کاری احتمال بدهد که گل به دست او چسبیده - باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

## ۸. ترتیب

وضو باید به همان ترتیبی که قبلاً در بحث «ترتیب وضو» گفته شد انجام گیرد و اگر به ترتیب دیگری عمل کند وضو باطل است.

## ۹. موالات

لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها به قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است.

## ۱۰. مباشرت

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد باید همه‌ی کارهای وضو را خودش انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند، وضو باطل است.

### توجه:

❗ کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند خودش وضو بگیرد باید از کسی بخواهد که به او در کارهای وضو کمک کند. البته خود وضو گیرنده باید نیت وضو کند و در صورتی که بتواند، با دست خود عمل مسح را انجام دهد، و اگر نتواند، نایب دست او را گرفته و با آن مسح می‌نماید، اگر از این کار هم عاجز باشد نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می‌کند، و اگر این شخص کف دست نداشته باشد برای مسح، رطوبت از ساعد او می‌گیرد و اگر ساعد هم نداشته باشد رطوبت از صورت او گرفته و سر و پا را با آن مسح می‌کند.

## ۱۱. وقت برای وضو و نماز کافی باشد

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی‌تواند همه‌ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، در این صورت نباید وضو بگیرد، بلکه باید تیمم کند و نماز بخواند. البته اگر تیمم هم به همان اندازه‌ی وضو وقت می‌گیرد در این صورت باید وضو بگیرد.

---

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.

---



1393/03/21

## سایر احکام وضو

آنچه در زیر می‌آید، دروس "شانزدهم و هفدهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### وضوی ارتماسی

#### معنای وضوی ارتماسی

در وضو جایز است که انسان به جای ریختن آب بر روی صورت و دستها، آنها را به قصد وضو در آب فرو ببرد و بیرون بیاورد و این را «وضوی ارتماسی» می‌گویند.

#### حکام وضوی ارتماسی

۱. در وضوی ارتماسی نیز واجب است که اعضای وضو از بالا به پایین شسته شوند.

۲. در وضوی ارتماسی فقط دو بار می‌توان صورت و دستها را داخل آب کرد: بار اول واجب، بار دوم جایز است و بیش از آن مشروع نیست، و در مورد دستها، باید قصد شستن وضویی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

### وضوی جبیره‌یی

#### معنای وضوی جبیره‌یی

اگر روی زخم بسته است، باید جاهایی را که می‌شود شست بشوید و روی زخم بند (جبیره) به جای شستن، دست تر بکشد. به این وضو، «وضوی جبیره‌یی» می‌گویند.

#### حکام وضوی جبیره‌یی

اگر در اعضای وضو (صورت و دستها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط (واجب) آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد.

اگر محل مسح، زخم است و نمی‌تواند روی آن، دست تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌یی روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط (واجب) آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که دائماً از آن خون می‌آید، واجب است جبیره‌یی را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی‌آید، مثل نایلون.

### مبطلات وضو

-خارج شدن ادرار

-خارج شدن مدفوع

-خارج شدن باد شکم

-به خواب رفتن

-چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی

-استحاضه‌ی زنان

-هر چیزی که موجب غسل می‌شود، مانند جنابت و خون حیض. (و مس میت)

**توجه:**

چیزهایی که وضو را باطل می‌کند «مبطلات وضو» می‌گویند.

با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم (همانند افراد بالغ) محدث می‌شود (یعنی وضویش باطل می‌شود).

### ■ احکام وضو

۱. کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می‌شود، واجب است برای اعمال مشروط به طهارت، وضو را اعاده کند و اگر با وضوی باطل نماز خوانده باشد اعاده‌ی آن نیز واجب می‌باشد.
۲. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

### 🔸 شک در اصل وضو (شک دارد وضو گرفته یا نه)

■ قبل از نماز: باید وضو بگیرد.

■ در بین نماز: نماز او باطل است و باید دوباره وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.

■ پس از نماز (شک دارد نماز خوانده شده با وضو بوده یا نه): نمازی که خوانده صحیح است، ولی باید برای نمازهای دیگر وضو بگیرد.

■ شک در بطلان وضو (شک دارد وضویی که گرفته باطل شده یا نه): بنا می‌گذارد که وضوی او باطل نشده است.

■ شک در صحت وضو (پس از انجام وضو شک دارد وضویی که گرفته صحیح بوده یا نه): در صورتی که احتمال می‌دهد وضو را صحیح انجام داده و در وقت وضو متوجه انجام آنچه در صحت وضو معتبر است بوده، به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد)

### 🔸 غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)

۱. شرط صحت عمل یعنی اگر عمل بدون وضو، انجام شود صحیح نیست:

-همه‌ی نمازهای واجب و مستحب (به جز نماز میت)

-اجزای فراموش شده‌ی نماز (سجده و تشهد)

-طواف واجب

۲. شرط جواز عمل (حرام نبودن) یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است:

-مس خط قرآن



-مس اسما و صفات مخصوص خداوند

-مس اسمای انبیا و ائمه‌ی معصومین (ع) به احتیاط (واجب)

۳. شرط کمال عمل، مانند وضو برای قرائت قرآن

۴. شرط تحقق عمل، مانند وضو برای با طهارت بودن

۵. رفع کراهت عمل، مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن برداشته می‌شود

**توجه:**

وضو، شرط صحت همه‌ی نمازهای واجب و مستحب و اجزای فراموش شده‌ی آن است، بنابراین هیچ نمازی بدون وضو صحیح نیست مگر نماز میت که وضو برای آن لازم نیست.

وضو، شرط صحت طواف واجب خانه‌ی خدا است و بدون آن طواف واجب باطل است. منظور از طواف واجب، طوافی است که جزئی از حج یا عمره است، گر چه آن حج یا عمره مستحب باشد، ولی در طواف مستحب که در غیر حج و عمره کسی انجام دهد وضو لازم نیست.

وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر عرفاً نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد اشکال ندارد.

وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهد مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می‌خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

بعد از آن که وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت با آن جایز است، بنابر این لازم نیست برای هر نمازی وضوی جداگانه بگیرد، بلکه می‌تواند با یک وضو تا زمانی که باطل نشده هر مقدار نماز که بخواند بخواند.

## ■ مس قرآن

دست زدن به خط قرآن بدون وضو حرام است و این امر، اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه شامل همه‌ی کلمات و آیات قرآنی می‌شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو و غیر آنها باشد.

**توجه:**

همه جای بدن، مانند لب و صورت و غیره هم حکم دست را دارد.

## ■ مس اسامی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

مس اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است، و به احتیاط (واجب) نامهای انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین (ع) نیز حکم نامهای خداوند متعال را دارد.

مس لفظ جلاله‌ی «الله» بدون وضو جایز نیست، اگر چه جزئی از یک اسم مرکب از قبیل عبدالله و حبیب الله باشد.

آرم جمهوری اسلامی ایران اگر در نظر عرف، اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترک مس آن بدون طهارت است.

مس ضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می‌گردند، مثل ضمیر جمله‌ی «بسمه تعالی» حکم لفظ جلاله

«الله» را ندارد.

نوشتن همزه و سه نقطه به صورت «...» به جای لفظ جلاله‌ی «الله» از نظر شرعی مانعی ندارد، و همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد و مس آن بدون وضو جایز است. خودداری کردن از نوشتن لفظ جلاله‌ی «الله» به صرف احتمال مس آن توسط افراد بی وضو، مانعی ندارد.

### چند نکته در ارتباط با مس آیات قرآن و اسمای متبرکه‌ی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

به گردن آویختن گردنبندی که آیات قرآن یا اسمای مبارکه بر آن نقش شده است اشکال ندارد، ولی باید نوشته‌ها با بدن تماس نداشته باشد.

هرگاه بخواهند هنگام خوردن غذا از ظرفی که آیات قرآنی از جمله آیه‌ی الکرسی یا اسمای مبارکه روی آن نوشته شده استفاده کنند اشکال ندارد، به شرطی که با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بردارند. کسانی که به وسیله‌ی دستگاه تحریر، آیات قرآنی یا اسمای جلاله و یا نامهای معصومین (ع) را می‌نویسند لازم نیست در حال تحریر و نوشتن با وضو باشند (این کار مشروط به طهارت نیست)، ولی از مس آنها بدون وضو باید اجتناب نمایند.

کلماتی که روی انگشترها نقش می‌کنند، اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن، طهارت است، مثل کلمات قرآنی و مانند آن، مس آن بدون طهارت جایز نیست.

طبع و نشر آیات قرآنی و اسمای جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می‌رسد واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مس بدون وضوی آنها خودداری کنند.

استفاده از روزنامه‌هایی که آیات قرآنی یا اسمای مبارکه در آن نوشته شده است در کارهایی، مثل پیچاندن غذا با آن یا نشستن بر آن و یا استفاده از آن به جای سفره و ... اگر از نظر عرف بی احترامی شمرده شود جایز نیست، و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

انداختن چیزی که مشتمل بر آیات قرآنی یا اسمای متبرکه است در نهرها و جویبارها، اگر از نظر عرف اهانت محسوب نشود اشکال ندارد.

هرگاه وجود آیات قرآنی و نامهای خداوند و اسمای معصومین (ع) در ورقه‌یی احراز نشود، سوزاندن و دور انداختن آن اشکال ندارد و فحص و بررسی لازم نیست. گفتنی است سوزاندن و دور انداختن اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، به علت وجود شبهه‌ی اسراف خالی از اشکال نیست.

دفن آیات قرآنی و اسمای مبارکه در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله‌ی آب اشکال ندارد، ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست، مگر در صورتی که اضطرار اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارک امکان نداشته باشد.

قطعه قطعه کردن آیات قرآنی و اسمای مبارکه به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده و غیر قابل خواندن شود، اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست و در غیر این صورت نیز، اگر موجب محو نوشته‌ی لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطی کلمات با

اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن آیات قرآنی یا لفظ جلاله به کار رفته‌اند نمی‌شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هر چند احتیاط (مستحب)، اجتناب از مس آن بدون وضو است.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



1393/03/30

## غسل - قسمت اول

آنچه در زیر می‌آید، دروس "هجدهم و نوزدهم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### معنای غسل

غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص.

### اقسام غسل

۱. واجب

■ مشترک میان مردان و زنان:

غسل پس از جنابت

غسل پس از مس میت

غسل میت

غسل در هنگامی که نذر و عهد کرده یا قسم خورده باشد که غسل کند

■ مخصوص بانوان:

غسل پس از پایان عادت ماهیانه (حیض)

غسل پس از قطع شدن خون زایمان (نفاس)

غسل در اثنای خونریزی‌های زنان (استحاضه)

۲. مستحب، مانند غسل جمعه.

### ❖ کیفیت غسل

غسل را به دو گونه می‌شود انجام داد:

❑ ترتیبی: اول این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، به این که ابتدا سر و گردن، بعد بعد تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه چپ بدن را بشوید.

❑ ارتماسی: دوم این که تمام بدن را یک‌باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

### توجه:

❖ در غسل، بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی - بنابر احتیاط واجب - علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.

❖ رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.

❖ شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد.

❖ اگر غسل ترتیبی را بر خلاف ترتیبی که قبلاً گفته شد به جا آورد - چه عمداً باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله - باطل است.

### ❖ کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدنش آب نرسیده است

❑ غسل ارتماسی بوده: باید دو باره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند.

❑ غسل ترتیبی بوده

جای آن را نمی‌داند:

باید دوباره غسل کند.

جای آن را می‌داند:

در طرف چپ است: شستن همان مقداری که شسته نشده کافی است.

در طرف راست است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف چپ را بشوید.

در سر و گردن است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف راست و چپ بدن را بشوید.

### ❖ غسل جبیره‌یی

غسل جبیره‌یی هم مانند وضوی جبیره‌یی است.

### ❖ شرایط غسل

شرایطی که برای وضو گفته شد، مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل، شستشو از بالا به پایین و نیز پی در پی شستن اعضای بدن لازم نیست، بلکه می‌تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر پردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.

### توجه:

❖ در غسل، هر قسمتی را که می‌خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک

بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد غسل

صحیح است، ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.  
چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

### احکام غسل

۱. هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی‌رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی‌کند.
۲. کسی که غسلهای متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه‌ی او باشد، اگر به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه‌ی غسلها هم کفایت می‌کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه‌ی آنها را نیت نماید.
۳. غیر از غسل جنابت، سایر غسلها کفایت از وضو نمی‌کند.
۴. کسی که بعد از غسل، یقین به باطل بودن آن پیدا کند بایستی قضای همه‌ی نمازهایی که با آن غسل خوانده است را به جا آورد.

### شک در غسل

- شک در انجام غسل (شک دارد که غسل کرده یا نه): برای اعمالی که مشروط به غسل است باید غسل کند، ولی نمازهایی که تا کنون خوانده صحیح است.
- شک در صحت غسل (پس از انجام غسل شک دارد غسلش صحیح بوده یا نه): در صورتی که احتمال می‌دهد غسل را صحیح انجام داده و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد).

---

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.

---



1393/04/05

## غسل - قسمت دوم

آنچه در زیر می‌آید، دروس "بیستم و بیست‌ویکم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### ❖ اسباب جنابت

انسان به یکی از دو چیز جنب می‌شود:

۱. آمیزش جنسی (به هر نحو که باشد، با حلال یا با حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید، بالغ باشد یا نباشد)
۲. بیرون آمدن منی (چه در خواب و چه در بیداری، چه عمدتاً و چه بی‌اختیار)

### توجه:

- ❖ رطوبت خارج شده از مرد، اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد، و اگر علائم سه‌گانه یا یکی از آنها وجود نداشته باشد و یا شک در آن باشد حکم منی را ندارد، مگر این که از راه دیگری یقین کند که منی است.
- ❖ مایعی که زن در هنگام اوج لذت جنسی می‌بیند، حکم منی را دارد و باید غسل نماید، و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد غسل واجب نیست.
- ❖ رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول، سبب جنابت زن نمی‌شود.
- ❖ با تحقق دخول ولو به مقدار حشفه (به معنی ختنه‌گاه)، غسل بر مرد و زن واجب است، هر چند منی خارج نشود و زن نیز به مرحله‌ی اوج لذت نرسد.
- ❖ هرگاه زنی پس از نزدیکی، در حالی که منی در رحم او باقی مانده است بلافاصله غسل کند و بعد از غسل، منی از رحم خارج شود غسلش صحیح است و منی خارج شده بعد از غسل نجس است، هر چند اگر منی مرد باشد باعث جنابت مجدد نمی‌شود.
- ❖ بر زنان، پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

### ❖ کارهایی که بر جنب حرام است

۱. مس خط قرآن و اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی و همچنین به احتیاط واجب نامهای انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین (ع)
۲. ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.
۳. توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود مانع ندارد.
۴. گذاشتن چیزی در مسجد.
۵. خواندن خصوص آیات سجده از سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارند، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

### توجه:

✦ حرم امامان معصوم (ع) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد.

✦ ورود جنب به داخل حرم امام زادگان (ع) اشکالی ندارد.

✦ تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

✦ منظور از آیات سجده: آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی ۳۲ (سجده) و آیه‌ی ۳۷ از سوره‌ی ۴۱ (فصلت) و آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی ۵۳ (نجم) و آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۹۶ (علق) می‌باشد که خواننده یا شنونده‌ی آنها واجب است سجده کند.

### ✦ احکام غسل جنابت

۱. در انجام تکلیف شرعی، حیا معنی ندارد. حیا، عذر شرعی برای ترک واجب (مثل غسل جنابت) نیست. به هر حال اگر غسل جنابت برای کسی امکان ندارد وظیفه اش برای نماز و روزه، تیمم بدل از غسل است.
۲. کسی که معذور از انجام غسل است، مثل فردی که می‌داند اگر از طریق نزدیکی با همسرش خود را جنب کند آبی برای غسل کردن نمی‌یابد و یا وقت برای غسل و نماز ندارد جایز است با همسر خود نزدیکی کند به شرطی که قدرت بر تیمم داشته باشد، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل، برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل جنابت می‌کند و با آن تیمم، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشتن قرآن کریم و بقیه‌ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد. (البته اگر عذرش تنگی وقت بوده فقط کاری را که برای آن تیمم کرده می‌تواند انجام دهد).
۳. کسی که بعد از خارج شدن منی غسل کرده، اگر پس از غسل، رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا چیز دیگر، در صورتی که پیش از غسل و بعد از خروج منی، ادرار نکرده باشد، آن آب در حکم منی است و باید دوباره غسل کند.
۴. اگر در لباس خود لکه‌یی ببیند که نمی‌داند منی است یا چیز دیگر، تا یقین نکرده که منی است و از خود اوست غسل بر او واجب نیست.
۵. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و نماز و دیگر اعمالی را که باید با وضو انجام دهد می‌تواند با همین غسل انجام دهد.
۶. هرگاه بعد از غسل جنابت شک کند غسلش باطل شده است یا نه، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بخواهد از باب احتیاط وضو بگیرد اشکالی ندارد.
۷. کسی که در تنگی وقت نماز غسل می‌کند، اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود - نه به نیت خصوص این نماز- غسل او صحیح است، اگر چه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.

### ✦ غسل‌های مخصوص بانوان

#### ✦ خون حیض

۱. خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می‌بیند حیض نیست، هر چند صفات حیض را داشته باشد.
۲. لکه‌هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می‌بیند، اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد، و اگر خون باشد، هر چند به صورت لکه‌های زرد رنگ، و از ده روز تجاوز نکند، همه‌ی آن لکه‌ها محکوم به حیض است و تشخیص این موضوع به عهده‌ی زن است.

۳. زنهایی که از داروهای ضد حاملگی استفاده می‌کنند و لکه‌های خونی را در ایام عادت و غیر آن می‌بینند، اگر این لکه‌ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است.
۴. زنی که دارای عادت ماهیانه معینی مثلاً هفت روز است و به علت گذاشتن دستگاه جلوگیری از حاملگی، هر بار بیش از ده روز مثلاً دوازده روز خون می‌بیند، خونی که در ایام عادت می‌بیند حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.
۵. خونی که زن در ایام بارداری می‌بیند، اگر صفات و شرایط حیض را داشته باشد و یا در زمان عادت بوده و سه روز اگر چه در باطن استمرار داشته باشد خون حیض است، و الا استحاضه خواهد بود.

### حکام حیض

۱. تمام کارهایی که بر جنب حرام است، بر زن حیض نیز حرام است.

#### توجه:

- ✦ نشستن زنها در ایام عادت روی دیوار کوتاهی که بین مسجد الحرام و مسعی (محل سعی میان صفا و مروه) وجود دارد اشکال ندارد، مگر این که یقین حاصل شود که آن دیوار جزو مسجد است. (ارتفاع این دیوار نیم متر و عرض آن یک متر است).
۲. اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، بعد از پاک شدن از حیض، واجب است علاوه بر غسل حیض، غسل جنابت هم به جا آورد، ولی جایز است که در مقام عمل به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احتیاط (مستحب) این است که نیت هر دو غسل را بنماید.
۳. اگر زنی در حال حیض غسل جنابت کند صحت غسلش محل اشکال است.
۴. زنی که به خاطر نذر روزه‌ی معینی روزه گرفته است، اگر در حال روزه، حیض شود روزه‌اش با عادت شدن - هر چند در یک جزء از روز باشد - باطل می‌شود و قضای آن روز بعد از پاک شدن بر او واجب است.

### استحاضه

خونی [۱] که زن در سن یائسگی [۲] می‌بیند استحاضه است، بنابراین زنی که پدرش هاشمی نیست، هر چند مادرش از سادات باشد اگر بعد از پنجاه سالگی خونی را مشاهده کند محکوم به استحاضه است.

### نفاس [۳] (خون زایمان)

زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده، بعد از سقط جنین - هر چند به صورت علقه باشد - اگر خونی را مشاهده کند، محکوم به نفاس است.

#### توجه:

✦ تمام کارهایی که بر حیض حرام است بر نفاس نیز حرام است.

---

۱) (خون استحاضه: خونی است که در غیر ایام حیض و نفاس از رحم زن خارج می‌شود و مربوط به بکارت و زخم نیست.

۲) (با توجه به اینکه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تعیین سن یائسگی احتیاط دارند



مقلدین معظم‌له می‌توانند در این مساله با رعایت شرایط عدول، به مجتهد دیگری رجوع نمایند.  
(۳) خون نفاس: خونی است که بر اثر زایمان نوزاد، به مدت معینی از رحم زن بیرون می‌آید.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.  
شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.  
پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



1393/07/02

## احکام درگذشتگان

آنچه در زیر می‌آید، دروس "بیست و دوم تا بیست و چهارم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### ✿ غسل مس میت

اگر کسی بدن انسان مرده‌یی را که سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یا جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند باید برای نماز و امثال آن غسل کند. این را «غسل مس میت» می‌نامند.

### توجه:

✿ دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن، در حکم دست زدن به بدن مرده است.

✿ دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

✿ مواردی که مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی‌باشد

۱. کسی که در میدان جنگ به شهادت رسیده است.

۲. مرده‌یی که بدنش هنوز سرد نشده است.

۳. مرده‌یی که سه غسلش را داده‌اند.

✿ هرگاه شک کنیم میتی را غسل داده‌اند یا نه، با مس جسد یا اجزای آن (البته پس از سرد شدن) واجب است غسل مس میت کرد، و نماز بدون غسل مس میت صحیح نیست، ولی اگر اصل غسل میت احراز شود،

با مس جسد یا بعضی از اجزای آن، غسل مس میت واجب نیست، حتی اگر در صحت غسل آن میت شک داشته باشیم .

❖ کسی که غسل میت کرده است، اگر بخواهد نماز بخواند باید وضو بگیرد و این غسل بر خلاف غسل جنابت، کفایت از وضو نمی‌کند.

### ❖ احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است)

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر در صورتی که قادر باشد و بر دیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود .

### ❖ واجبات پس از مرگ

غسل.

حنوط.

کفن.

نماز.

دفن.

### توجه:

❖ در بینش اسلامی، مرده‌ی مسلمان نیز مانند زنده‌ی او دارای احترام است. تکریم مرده‌ی مسلمان در قالب اعمالی (از قبیل غسل و کفن و دفن و مانند آن) است که در شرع مقدس اسلام واجب شده است و همه‌ی مکلفین نسبت به آن مکلف و مخاطب‌اند.

❖ غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان از واجبات کفایی است یعنی بر هر مکلفی واجب است، ولی اگر بعضی آن را انجام دادند از دیگران ساقط می‌شود، و اگر هیچ کس به این وظیفه عمل نکند همه معصیت کرده‌اند. ❖ اگر کسی بداند که غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند باید دوباره آن را به جا آورد، ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا باطل، لازم نیست اقدام نماید.

❖ برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند. ولی میت عبارت است از پدر و مادر و فرزندان و به همین ترتیب، بقیه‌ی طبقات وارثان. در میت زن، شوهر او از دیگران مقدم است.

### ❖ غسل میت

۱. واجب است میت را سه غسل بدهند

(الف) با آبی که قدری سدر در آن ریخته و مخلوط شده است (آب سدر).

(ب) با آبی که قدری کافور در آن ریخته و مخلوط شده است (آب کافور).

(ج) با آب خالص.

۲. شرایط کسی که میت را غسل می‌دهد

الف) مسلمان دوازده امامی باشد.

ب) بالغ باشد.

ج) عاقل باشد.

د) مسایل غسل را بداند.

ه) اگر میت مرد است، مرد او را غسل دهد و اگر زن است، زن او را غسل دهد.

### توجه:

✿ غسل میت زن به وسیله‌ی شوهرش و غسل میت مرد به وسیله‌ی زنش جایز است.

۳. در غسل میت هم مانند دیگر عبادات، نیت لازم است یعنی غسل‌دهنده باید غسل را به قصد امتثال دستور خداوند به جا آورد.

۴. میتی که واجب است غسل داد

الف) زن یا مرد مسلمان.

ب) بچه‌ی مسلمان.

ج) کودک سقط شده‌ی مسلمان، اگر چهار ماه تمام داشته باشد و در کمتر از آن واجب نیست.

۵. اگر جایی از بدن میت به نجاست آلوده شود، باید پیش از آن که آن جا را غسل بدهند آب بکشند، بنابراین بدن میتی که خونریزی دارد بایستی قبل از غسل در صورت امکان تطهیر شود، و اگر انتظار برای توقف خونریزی (به خودی خود) یا منع آن (با وسایل پزشکی) ممکن باشد واجب است.

۶. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و کسی که او را غسل می‌دهد اگر نگاه کند معصیت کرده است، ولی غسل باطل نمی‌شود.

۷. اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانع داشته باشد باید میت را در عوض هر غسل، یک تیمم بدهند.

### حنوط ✿

۱. واجب است میت را پس از غسل، حنوط کنند یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو‌ها و سر دو

انگشت بزرگ پاهای او، کافور بمالند به طوری که مقداری کافور بر اثر آن در محل‌های مزبور بماند.

۲. کافور باید ساییده و تازه باشد به طوری که میت را معطر کند و اگر به واسطه‌ی کهنه بودن، عطر آن رفته باشد کافی نیست.

۳. شخص محرم - چنانکه در کتاب حج گفته می‌شود- از این حکم مستثنی است (یعنی اگر بمیرد حنوط کردن او جایز نیست).

### کفن ✿

۱. میت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند:

- الف) لنگ که به کمر و پای او پیچیده می‌شود.
- ب) پیراهن که از سر شانه تا ساق پا را از جلو و پشت می‌پوشاند.
- ج) پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد، و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود.
۲. هرگاه کفن میت با نجاستی که از بدن او خارج شده یا با نجاستی دیگر، نجس شود باید آن را تطهیر کنند یا اگر کفن ضایع نمی‌شود قسمتی را که نجس شده است ببرند، بنابراین اگر کفن میت پس از غسل به خونی که از او جریان دارد آغشته شود چنانچه شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد واجب است، و چنانچه امکان ندارد، دفن میت به همان صورت جایز است.
۳. هرگاه انسان، پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را در کفنی که برای خودش خریده است کفن کند اشکال ندارد.

### نماز میت

۱. پس از غسل و حنوط و تکفین، واجب است بر میت مسلمان - به ترتیبی که گفته خواهد شد - نماز بخوانند .

#### توجه:

بچه‌یی که شش سال تمام داشته باشد و حداقل یکی از والدینش مسلمان باشند، در حکم شخص بالغ است و بر میت او باید نماز خوانده شود.

۲. نماز میت عبارت است از نیت و پنج تکبیر که در خلال آنها دعا و صلوات وارد شده است، و اگر به این ترتیب بگوید کافی است:

الف) بعد از تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.»

ب) بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

ج) بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.»

د) بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» (برای مرد) یا «لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» (برای میت زن).

ه) بعد از تکبیر پنجم را بگوید که پایان نماز است.

#### توجه:

کیفیت‌های مفصل‌تر نماز میت در رساله‌های مفصل و بعضی کتاب‌های دعا مذکور است.

۳. کسی که نماز میت می‌خواند باید ایستاده و رو به قبله باشد و واجب است میت را در برابر او به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نماز گزار و پای او به طرف چپ نماز گزار باشد.

۴. میان میت و نماز گزار باید حایلی، مانند دیوار و پرده نباشد، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

۵. برای نماز میت، وضو و پاک بودن بدن و لباس و غصبی نبودن لباس، لازم نیست.

۶. اگر میت را عمدتاً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز میت دفن کنند یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است تا وقتی جسد او متلاشی نشده باید بر قبر او نماز خوانده

شود.

۷. شرایطی که در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها معتبر است در نماز میت شرط نیست، هر چند احوط (استحبابی) این است که آن شرایط در نماز میت هم رعایت شود.

### ❖ دفن

۱. پس از پایان وظایف گذشته (غسل و حنوط و کفن و نماز) باید میت را در زمین دفن کنند و باید قبر او به قدری باشد که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدن او را خارج سازند.

۲. میت را باید در قبر به پهلو راست و طوری بخوابانند که صورت و سینه و شکم او رو به قبله قرار گیرد.

### ❑ چند نکته در ارتباط با دفن

❖ استخوان میت مسلمانی که غسل داده شده است نجس نیست، ولی دفن مجدد آن زیر خاک واجب است.

❖ اسکلت استخوانی متعلق به بدن میت مسلمان را واجب است فوراً دفن کرد (و جایز نیست آنرا در معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان گردد).

❖ قبور مسلمانان را جایز است در چندین طبقه ساخت به شرطی که این کار سبب نبش قبر و هتک حرمت مسلمان نشود.

❖ هرگاه فردی در چاه سقوط کند و بمیرد و نتوان بدن او را از چاه خارج کرد بایستی جسد وی را در همان

چاه به حال خود رها کرد و چاه را قبر او قرار داد و اگر چاه، ملک شخصی کسی نباشد و یا مالک آن به مسدود کردن آن راضی باشد تعطیل کردن چاه و بستن آن واجب است.

❖ پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجا اشکال ندارد.

### ❖ احکام نبش قبر

۱. نبش قبر میتی که بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده جایز نیست و همچنین تخریب قبور مؤمنین و نبش آنها، حتی اگر برای تعریض و توسعه‌ی کوچه‌ها باشد، و در صورت وقوع نبش قبر و آشکار شدن بدن میت مسلمان یا استخوان‌های آن که هنوز پوسیده نشده‌اند واجب است دوباره دفن شوند .

۲. اگر استخوان‌های میت تبدیل به خاک شود نبش قبر وی برای دفن میت دیگری در آن جایز است.

۳. در مواردی که نبش قبر جایز نیست اجازه‌ی مرجع تقلید اثری ندارد.

### ❖ احکام شهید

تکلیف غسل و کفن در حق شهید ساقط است.

توجه:

❖ منظور از شهید در این جا کسی است که در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، بنابراین اگر محورهای

شهرهای مرزی، میدان جنگ بین دو گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به

شهادت می‌رسند حکم شهید را دارند، ولی افرادی که در غیر میدان جنگ کشته می‌شوند، هر چند اجر و

ثواب شهید را دارند ولی حکم شهید در مورد آنها جاری نمی‌شود، مثل کسی که در نقطه‌یی از جهان در راه

اجرای احکام اسلامی یا در تظاهرات کشته شود.

## احکام اعدامی

مسلمانی که حکم اعدام درباره‌ی او اجرا گردیده است حکم سایر مسلمانان را دارد، و همه‌ی احکام و آداب اسلامی میت در مورد او جاری است، مثل خواندن نماز میت، مانند آن.

### چند نکته در ارتباط با احکام درگذشتگان

- همجنس بودن با میت فقط در غسل دادن او شرط است، و در صورتی که غسل دادن میت به وسیله‌ی همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله‌ی غیر همجنس صحیح نیست و غسل میت باطل است، (مگر در مورد زن و شوهر که قبلاً گذشت غسل میت زن به وسیله‌ی شوهرش و غسل میت مرد به وسیله‌ی زنش جایز است) ولی در تکفین و تدفین، همجنس بودن شرط نیست.
- تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میت از قبیل غسل و کفن و دفن، به مقدار متعارف، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست، و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی‌شود، بنابراین غسل دادن و کفن کردن میت در منزل مسکونیش اشکال ندارد، هر چند میت، وصی نداشته و دارای چند فرزند صغیر باشد.
- شرکت در تشییع جنازه و حمل آن برای زنان اشکال ندارد.

---

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله‌ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می‌کند.



1393/04/12

تیمم

آنچه در زیر می‌آید، دروس "بیست و پنجم و بیست و ششم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی‌ای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

### موارد تیمم

مواردی که باید به جای وضو و غسل تیمم کرد

۱. هنگامی که تهیه‌ی آب ممکن نباشد یا به این خاطر که آب وجود ندارد و یا این که آب هست، ولی مکلف به آن دسترسی ندارد، مثل این که آب در چاه است و او وسیله‌ی کشیدن آن از چاه را ندارد.
۲. هنگامی که آب برای سلامتی او مضر باشد.
۳. هنگامی که می‌ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جاننش بر او لازم است در تشنگی بمانند.
۴. هنگامی که بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.
۵. هنگامی که استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.
۶. هنگامی که وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه‌ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.

### توجه:

✳️ فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا تکلیف خیلی دشواری است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید صحیح نیست.

✳️ فردی که به اعتقاد این که وضو یا غسل برایش ضرر دارد (مثلاً مریض می‌شود) تیمم کند اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است، ولی اگر پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز بخواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

صرف مشقت یا عیب شمرده شدن غسل جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه مادامی که غسل، حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است و در صورت حرج (مشقت شدید و فوق العاده) یا ضرر باید تیمم کند.

✳️ هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست.

✳️ اگر کسی در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند.

✳️ هرگاه رطوبتی از انسان در حال خواب خارج شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نیاورد، ولی لباس خود را مرطوب ببیند، اگر می‌داند که محتلم شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، اما اگر نداند (شک در احتلام و جنابت داشته باشد) در این صورت، حکم جنابت بر آن جاری نمی‌شود.

✳️ صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست، مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام در صورت عدم امکان غسل به قصد رجا و مطلوبیت اشکال ندارد.

### 🌟 چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود، مانند خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده)، سنگ

(سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها.

### توجه:

تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شود، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می‌شود، مانند مرمر و غیره صحیح است.  
تیمم بر سیمان و موزاییک اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترک تیمم بر سیمان و موزاییک است.

### کیفیت تیمم

۱. نیت کردن.
۲. زدن کف دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی.
۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.
۵. و بنابر احتیاط واجب زدن بار دیگر دستها به زمین و سپس کشیدن کف دست چپ بر پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر پشت دست چپ.

### توجه:

ترتیب فوق در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.  
اگر قسمتی از پیشانی یا پشت دست را حتی اندکی از آن را مسح نکند تیمم باطل است، چه عمداً یا از روی جهل به مسأله یا فراموشی باشد، البته دقت زیاد هم لازم نیست و همین اندازه که بگویند همه‌ی پیشانی و پشت دستها مسح شده کافی است.  
برای این که یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده باید اندکی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

### تیمم جبیره‌یی

کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه‌ی زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می‌کند یعنی محل زخم‌بندی شده را به جای پوست بدن قرار می‌دهد.

### شرایط تیمم

الف (شرایط چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک باشد.

مباح باشد (غصبی نباشد).

ب (شرایط اعضای تیمم: مانعی در آنها نباشد .

ج (شرایط کیفیت تیمم



پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند.

ترتیب را رعایت کند (ترتیب).

کارهای تیمم را پشت سر هم به جا آورد (موالات).

کارهای تیمم را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).

#### ۱۴. چیزی که بر آن تیمم می کند پاک باشد

چیزی که بر آن تیمم می کند باید پاک باشد.

#### ۲۵. چیزی که بر آن تیمم می کند مباح باشد

چیزی که بر آن تیمم می کند باید مباح (غیر غضبی) باشد، ولی در صورتی که نداند یا فراموش کرده باشد که غضبی است تیمم او صحیح است.

#### ۳۵. مانعی در اعضای تیمم نباشد

در اعضای تیمم بایستی مانعی نباشد، بنابراین برای تیمم باید انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد، و اگر به پیشانی یا دیگر اعضای تیمم چیزی چسبیده یا چیزی آن را پوشانیده است قبلاً باید آن را بر طرف کند.

#### توجه:

❗ مویی که بر روی دست یا پیشانی روییده است مانع تیمم نیست، ولی اگر موی سر روی پیشانی ریخته باشد باید آن را عقب بزند.

❗ اگر به خاطر زخم و امثال آن، اعضای تیمم را بسته است، در صورتی که باز کردن آن ضرر داشته یا دشوار باشد، باید با دست بسته یا بر روی عضو بسته، مسح کند.

#### ۴۵. پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند.

#### ۵۵. ترتیب

تیمم را باید به ترتیبی که (در بحث کیفیت تیمم) گفته شد انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند باطل است.

#### ۶۵. موالات

کارهای تیمم را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند، باطل است.

#### ۷۵. مباشرت

کارهای تیمم را باید خودش در حال اختیار انجام دهد و از دیگری کمک نگیرد و اگر به خاطر بیماری یا فلج بودن و غیره نمی تواند تیمم کند باید نایب بگیرد، و نایب باید او را با دست خود او تیمم دهد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد.

#### یک نکته در ارتباط با شرایط تیمم

اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) لازم نیست پاک باشند، گر چه موافق احتیاط است.

## احکام تیمم

۱. اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گِل تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچیک از اینها دسترسی نباشد -مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است- بنا بر احتیاط (واجب) باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.
۲. کسی که وظیفه اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.
۳. کسی که می داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می شود نمی تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از تمکن، با وضو یا غسل، نماز به جا آورد.
۴. کسی که تیمم بدل از غسل کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند، مثلاً بول کند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم بر طرف نشده است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، بار دیگر تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.
۵. اگر به واسطه ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر، تیمم باطل می شود.
۶. چیزهایی که وضو را باطل می کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می سازد.
۷. همه ی آثار شرعی غسل، بر تیمم بدل از غسل نیز مترتب و جاری می شود مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشتن قرآن کریم و بقیه ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد.

---

در این مجموعه ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله ی «اجوبه الاستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه های دروس خارج فقه معظم له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای این رساله ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR ، دروس این رساله ی آموزشی را برای استفاده مقلدان، به مرور منتشر می کند.

## رساله‌ی آموزشی | مجموعه احکام نماز

آنچه در زیر می‌آید، مجموعه درس‌های احکام نماز (دروس ۲۷ تا ۵۷) از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی تهیه، تنظیم و منتشر شده است.

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است.

### اقسام نمازها

#### نمازهای واجب و مستحب

#### نمازهای واجب:

##### نمازهای یومیه

نماز طواف خانه‌ی خدا که پس از طواف خانه‌ی کعبه گزارده می‌شود.

نماز آیات که در هنگام پدید آمدن خورشید و ماه گرفتگی و زلزله و امثال آنها خوانده می‌شود.

نماز میت که بر مرده خوانده می‌شود.

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است.

نمازی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم یا به واسطه‌ی اجاره واجب شده است.

نمازهای مستحب، مثل نافله‌های شبانه روزی.

#### توجه:

نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را «نافله» گویند و از میان نمازهای نافله، نافله‌های شبانه‌روزی بیشتر سفارش شده است.

#### نوافل یومیه

۱. با هر یک از نمازهای پنجگانه‌ی شبانه‌روزی یک نماز مستحبی هست که آن را نافله‌ی آن نماز گویند. خواندن این نافله‌ها بسیار مهم است و ثواب و اجر زیاد برای آن ذکر شده است. علاوه بر اینها مستحب است در ثلث آخر شب، نافله‌ی شب بخواند. این نماز هم دارای خواص معنوی بسیار است و شایسته است بر آن مواظبت شود.

#### ۲. نافله‌های شبانه‌روزی

۱. نافله‌ی ظهر: هشت رکعت قبل از نماز ظهر.

۲. نافله‌ی عصر: هشت رکعت قبل از نماز عصر.

۳. نافله‌ی مغرب: چهار رکعت بعد از نماز مغرب.

۴. نافله‌ی عشا: دو رکعت بعد از نماز عشا که نشسته خوانده می‌شود.

۵. نافله صبح: دو رکعت قبل از نماز صبح.

۶. نافله شب: یازده رکعت از نصف شب تا اذان صبح و بهتر در ثلث آخر شب.

#### توجه:

چون دو رکعت نافله‌ی عشا، یک رکعت حساب می‌شود، مجموع نافله‌های شبانه‌روزی سی و چهار رکعت (دو برابر تعداد رکعت‌های نمازهای واجب) خواهد بود .

۳. خواندن نافله‌ی ظهر و عصر پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله بنا بر احتیاط (واجب) باید به قصد قربۀ الی الله، بدون قصد ادا و قضا به جا آورده شود.

۴. نماز شب یازده رکعت است. هشت رکعت آن که به صورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می‌شود نماز شب نام دارد، و دو رکعت آن نماز شفع است که مانند نماز صبح خوانده می‌شود، و یک رکعت هم نماز وتر نام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مؤمنین و طلب حاجات از خداوند منان به ترتیبی که در کتاب‌های ادعیه ذکر شده، مستحب است.

۵. در نماز شب، سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیات شرط نیست، بلکه کافی است که در هر رکعت بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، سوره‌ی حمد قرائت شود و اگر خواست بعد از قرائت حمد، یک سوره از سوره‌های قرآنی را هم قرائت کند و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام به جا آورد.

۶. در نماز شب، در تاریکی خواندن و مخفی کردن از دیگران شرط نیست، اما ریا هم در آن جایز نیست.

#### توجه:

نافله‌ها را باید دو رکعت دو رکعت خواند، مگر نماز وتر را که یک رکعت است، بنابراین خواندن نماز شب به صورت دو نماز چهار رکعتی و یک رکعتی و یک نماز وتر صحیح نیست.

نافله‌ها را می‌تواند نشسته بخواند، ولی ایستاده بهتر است.

در سفر، نافله‌های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

هر یک از نافله‌های شبانه‌روزی، دارای وقت معینی است که در رساله‌های مفصل ذکر شده است

#### مقدار پوشش در نماز

۱. مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی‌بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.

۲. زن باید در موقع نماز تمام بدن و موی خود را با پوششی که کاملاً بدن را می‌پوشاند بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دستها تا مچ و پاها تا مفصل ساق لازم نیست.

#### توجه:

از آنجا که چانه، جزئی از صورت است، لذا لازم نیست در نماز آن را بپوشاند، ولی پوشاندن قسمت پایین چانه واجب است.

پوشاندن پاها تا مفصل ساق در صورتی که نامحرم حاضر باشد واجب است.

✨ هرگاه در بین نماز متوجه شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را بپوشاند نمازش صحیح است مگر زمانی که ظاهر شدن مو عمدی باشد.  
✨ اگر نمازگزار بعد از نماز بفهمد که در نماز پوشش واجب را نداشته، نمازش درست است.

### ✨ شرایط لباس نمازگزار

(الف) پاک باشد.

(ب) غصبی نباشد (مباح باشد).

(ج) از اجزای مردار نباشد.

(د) از حیوان حرام گوشت نباشد.

(ه) طلا بافت نباشد.

(و) از ابریشم خالص نباشد.

### توجه:

شرط پنجم و ششم اختصاص به لباس مردان دارد.

### (الف) پاک باشد

۱. لباس نمازگزار باید پاک باشد.

کسی که نمی‌داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل می‌باشد.

۳. اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده است، نماز او صحیح است، ولی اگر قبلاً نجاست آن را می‌دانسته و فراموش کرده و با آن نماز خوانده، نمازش باطل است.

۴. اگر در بین نماز متوجه شود که لباس یا بدنش نجس است، اگر بداند نجاست از قبل از نماز بوده یا مقداری از نماز را با نجاست انجام داده است و وقت هم وسعت داشته باشد نماز باطل است، ولی اگر وقت تنگ باشد چنانچه برای وی، ازاله‌ی نجاست از بدن یا درآوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد ممکن باشد باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید، و چنانچه برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و در صورتی که نتواند، به حالت عریان نماز بخواند با همان وضعیت نماز را تمام کند.

۵. اگر لباس نجس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند، و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید لباس را تطهیر کند.

۶. لباسی که نجس بودن آن مشکوک است محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است، بنابراین نماز در لباسهای معطر به عطرهایی که حاوی الکل است و نمی‌دانیم آن عطرها نجس است اشکال ندارد. همچنین شخصی که به علت اضطرار، مجبور به تطهیر مخرج بول با سنگ یا چوب و یا هر چیز دیگری می‌شود و هنگامی که به منزل مراجعت می‌کند آن را با آب تطهیر می‌نماید، اگر نداند لباسش با رطوبت بول نجس شده است لازم نیست موقع نماز آن را عوض کرده یا تطهیر نماید.

### ب) غصبی نباشد

۱. لباس نمازگزار باید مباح باشد (غصبی نباشد).
۲. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است، همچنین اگر نداند پوشیدن لباس غصبی حرام است.
۳. اگر با عین مالی که خمس یا زکات آن را نداده است، لباس بخرد نماز خواندن در آن لباس باطل است.

### ج) از اجزای مردار نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌یی که دارای خون جهنده است نباشد، و احتیاط واجب آن است که از اجزای مرداری که دارای خون جهنده نیست نیز نباشد.
۲. هرگاه قطعه‌یی از مردار همراه نمازگزار باشد، بنا بر احتیاط (واجب) نمازش باطل است، ولی در صورتی که از چیزهایی که دارای روح نیست، مانند مو و پشم و شاخ و استخوان باشد و حیوان هم در اصل حلال گوشت باشد، نماز باطل نیست.
۳. حیوانی که تذکیه‌ی آن مشکوک است، از این نظر که نمی‌توان گوشت آنرا خورد و در پوست آن نماز خواند در حکم میته است، ولی از نظر طهارت و نجاست، حکم میته را ندارد و پاک است، و نمازهای گذشته اگر با جهل به این حکم، انجام گرفته است، محکوم به صحت است، بنابراین چرم طبیعی که نمی‌دانیم از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر نجس نیست ولی نماز با آن باطل است.

### د) از حیوان حرام گوشت نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر مویی از آن هم به لباس یا بدن نمازگزار چسبیده باشد نماز او باطل است.
۲. اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گریه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز باطل است، مگر این که خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، بنابراین اگر فضله‌ی پرندگان حرام گوشت بر روی بدن یا لباس باشد، نماز با آن باطل است، ولی اگر خشک شده و از لباس یا بدن زدوده شده باشد نماز صحیح است.
۳. مو و عرق و آب دهان انسان و موم عسل و مروارید و صدف اگر بر لباس و بدن نمازگزار باشد، نمازش اشکال ندارد.
۴. اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز خواندن با آن بی اشکال است.

### ه) طلا بافت نباشد

۱. پوشیدن لباس زربفت برای مردان حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زنان در همه حال بی اشکال است.
۲. آویختن زنجیر طلا و به دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.

### توجه:

✳ ملاک حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان، صدق زینت نیست، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است، هر چند انگشتر، حلقه، گردنبند و مانند آن باشد و از نظر عموم علامت آغاز زندگی زناشویی فرد به حساب آید نه زینت، و هر چند از دید دیگران مخفی باشد، ولی استفاده از آن برای جراحی استخوان و دندانسازی اشکال ندارد.

✳ در حرمت پوشیدن طلا برای مردان، فرقی نیست بین آن که مدت کم باشد، مثل لحظه‌ی عقد یا زیاد.

✳ اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ی، رنگ آن سفید شده حکم طلای زرد را دارد، ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد.

✳ پلاتین، طلا نیست و حکم آن را ندارد، از این رو استفاده از آن اشکال ندارد.

### ز) از ابریشم خالص نباشد

لباس مرد نمازگزار حتی چیزهایی مانند عرقچین و جوراب و آستر لباس و امثال آن باید از ابریشم خالص نباشد. در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، ولی دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند.

### مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد

الف) آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد.

ب) آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد.

ج) آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی‌توان عورت را پوشاند نجس باشد.

د) آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

### الف) آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد

۱. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا

لباس یا عوض کردن لباس معمولاً یا برای این شخص، سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل

خوب نشده است می‌تواند با آن خون نماز بخواند. همینطور است چرکی که با خون بیرون می‌آید یا دوابی

که روی زخم می‌گذارند و نجس می‌شود.

۲. خون بریدگی‌ها و زخم‌هایی که به زودی خوب می‌شود و شستن آنها آسان است، این حکم را ندارد (یعنی

اگر در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است).

### ب) آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد

۱. اگر بدن یا لباس نمازگزار به خون - غیر از آنچه در مورد قبل ذکر شد - آلوده باشد، در صورتی که مقدار

آن کمتر از بند انگشت سبابه باشد نماز با آن اشکال ندارد، ولی با بیش از آن اشکال دارد.

۲. شرایط خون کمتر از درهم:

■ خون حیض نباشد که اگر اندکی هم از آن بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است، و بنا بر

احتیاط واجب خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.

■ خون حیوانهای نجس العین (سگ و خوک و کافر) و حرام گوشت و مردار نباشد.

■ رطوبتی از خارج به آن نرسیده باشد مگر در صورتی که رطوبت با خون مخلوط و در آن مستهلک شود و مجموع آنها هم بیش از اندازه‌ی مُجاز (بند انگشت) نشود که در این صورت، نماز با آن صحیح است و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

۳. اگر بدن یا لباس خونی نشود، ولی به واسطه‌ی رسیدن به خون، نجس شود، نمی‌شود با آن نماز خواند.

**ج) آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی‌توان عورت را پوشاند نجس باشد**

۱. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار، مانند جوراب و دستکش و عرقچین که با آنها نمی‌توان عورت را پوشانید، و نیز انگشتر و دستبند و امثال آن با نجاستی تماس پیدا کند و نجس شود نماز خواندن با آن اشکال ندارد.  
۲. اشیایی از قبیل دستمال و کلید و کیف و چاقو که همراه انسان است اگر نجس باشد، در صورتی که نتوان عورت را با آن پوشاند، نماز اشکال ندارد.

**د) آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند**

کسی که به خاطر سرما یا نداشتن آب و امثال اینها ناچار شود که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نماز او درست است.

**شرایط مکان نمازگزار:**

۱. مباح باشد. (یعنی غصبی نباشد).
۲. بی حرکت باشد.
۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است.
۴. جلوتر از قبر پیغمبر(ص) و امام(ع) نباشد.
۵. محل سجده‌ی نمازگزار پاک باشد.
۶. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود.
۷. میان‌زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد.
۸. مسطح باشد.

**۱۰. مباح باشد**

الف) مکان نماز باید غصبی نباشد. نماز در جای غصبی هر چند که بر روی فرش و تخت غیر غصبی باشد، باطل است.

ب) اگر در جایی که نمی‌داند یا فراموش کرده غصبی است نماز بخواند، نماز او صحیح است. همچنین اگر نداند تصرف در جای غصبی حرام است.

ج) کسی که با دیگری در ملکی شریک است در صورتی که سهم هر یک از دیگری جدا نباشد، نمی‌تواند بدون رضایت شریکش در آن ملک نماز بخواند.

**توجه:**



زمینی که قبلاً وقف بوده و دولت آن را تصرف نموده و در آن مدرسه ساخته است، اگر احتمال قابل توجهی داده شود که تصرف مذکور مجوز شرعی داشته است، نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد. همچنین زمین بعضی از مدارس که از صاحبان آن بدون رضایت آنها گرفته شده است، اگر احتمال قابل توجهی داده شود که مسؤول ذریبیط به استناد و مجوز قانونی و شرعی اقدام به احداث مدارس در آن اراضی نمود نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

شخصی که در یک خانه‌ی دولتی زندگی می‌کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است، اگر از طرف مسؤولین ذریبیط، مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او (و از جمله نماز خواندن) در آن حکم غصب را دارد.

نماز خواندن و تصرفات دیگر در اداره‌یی که در گذشته قبرستان بوده اشکال ندارد، مگر این که از طریق شرعی ثابت شود زمینی که ساختمان مذکور در آن ایجاد شده، وقف برای دفن اموات بوده و به طریق غیر شرعی تصرف گردیده و در آن ساختمان سازی شده است.

نماز خواندن در پارک‌های فعلی و غیر آن اشکال ندارد، و به صرف احتمال غصب و این که مالکیت زمین‌های پارکها مشخص نیست توجهی نمی‌شود.

زمینی که صاحب آن راضی به تملک آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه‌ی نماز و مانند آن در زمین مذکور اعلام نموده است، اگر گرفتن زمین از مالک شرعی آن طبق قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسیده است انجام شده باشد، نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان اشکال ندارد.

شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد و توسط دادگاه شرع از صاحبان آنها مصادره شده است، اگر احتمال داده می‌شود که قاضی صادرکننده‌ی حکم مصادره، با صلاحیت قانونی و بر اساس موازین شرعی و قانونی، اقدام به صدور حکم کرده است، عمل او شرعاً محکوم به صحت است، و بنابراین نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان جایز است و حکم غصب بر آن منطبق نیست.

مکان‌هایی که دولت ظالم آنها را تصرف می‌کند، در صورت علم به غصب، احکام و آثار مغضوب بر آنها مترتب است، (بنابراین نماز خواندن در آن جایز نیست).

## ۲۰. بی حرکت باشد

مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد یعنی طوری باشد که شخص نماز گزار بتواند با آرامش بدن و بدون تکان، نماز بخواند، بنابراین نماز در جاهایی که بی اختیار تکان می‌خورد، مانند خودرو و یا بعضی تخت‌های فنری و امثال آن صحیح نیست، مگر هنگامی که به خاطر تنگی وقت و غیر آن مجبور باشد در چنان مکانی نماز بخواند.

### توجه:

بر مسافرانی که با اتوبوس‌های بین شهری سفر می‌کنند واجب است که در صورت خوف از فوت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت، تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند، این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که

امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

✦ بر کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می‌شوند و وقت نماز آنها می‌رسد، به طوری که اگر در همان زمان، نماز نخوانند، بعد از آن نمی‌توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند واجب است که نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است، ولو در داخل همان قایق بخوانند.

### ✦ ۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است

مکان نمازگزار باید از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است، مانند جایی که جان انسان در خطر جدی است، و نیز جاهایی نباشد که ایستادن یا نشستن بر روی آن حرام است، مانند فرشی که نام خدا، یا آیات قرآنی بر همه جای آن نقش بسته است.

### ✦ ۴. جلوتر از قبر پیغمبر(ص) و امام(ع) نایستد

نمازگزار باید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر(ص) و امام(ع) نایستد، ولی مساوی قبر اشکال ندارد.

### ✦ ۵. محل سجده‌ی نمازگزار پاک باشد

محل سجده‌ی نمازگزار باید پاک باشد، ولی اگر مکان نمازگزار به غیر از جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد، نجس باشد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

### ✦ ۶. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود

مکان نمازگزار، اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس او سرایت کند، بنابراین اگر مکان نمازگزار نجس باشد، ولی نجاست آن به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد.

### ✦ ۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد

بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک وجب فاصله باشد، و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است.

### ✦ ۸. مسطح باشد

لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته بلندتر و یا پست‌تر نباشد.

### ✦ دو نکته در ارتباط با مکان نمازگزار

■ به جا آوردن نماز واجب در داخل خانه‌ی کعبه مکروه است، ولی احتیاط واجب آن است که بر بام کعبه نماز نخواند.

■ نماز خواندن بر سجاده‌یی که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به گونه‌یی باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می‌زنند، تولید آن و

نماز خواندن بر آن جایز نیست، و همچنین اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود کراهت دارد.

### ❖ احکام قبله

۱. مسلمان باید نماز را رو به سمت کعبه بگذارد که به این اعتبار به آن «قبله» می‌گویند. البته برای کسانی که از آن دورند محاذات حقیقی میسر نیست، و همین اندازه که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

#### توجه:

❖ ملاک رو به قبله بودن این است که انسان از سطح کره‌ی زمین به طرف بیت عتیق (کعبه) باشد یعنی از طرف سطح زمین رو به طرف کعبه که روی زمین در مکه‌ی مکرمه ساخته شده است بایستد، بنابراین اگر انسان در یک نقطه‌ی از کره‌ی زمین باشد که اگر خطوط مستقیمی از چهار جهت آن مکان بر سطح کره‌ی زمین به طرف مکه ترسیم شود از نظر مسافت با هم مساوی باشند مخیر است برای قبله به هر طرف که خواست بایستد و نماز بخواند، ولی اگر مسافت خطوط در بعضی از جهتها کمتر و کوتاهتر باشد به مقداری که با آن، صدق عرفی رو به قبله بودن اختلاف پیدا کند بر انسان واجب است جهت کوتاهتر را انتخاب کند. ❖ نمازهای مستحبی را می‌توان در حال راه رفتن یا سواری خواند، و در این صورت لازم نیست نماز را رو به قبله به جا آورد.

۲. نمازگزار باید به جهت قبله یقین و اطمینان پیدا کند، چه از راه قبله‌نمای صحیح و معتبر و چه از راه آفتاب و ستارگان (برای کسی که آشنا به استفاده از آنها است) و چه از راه‌های دیگر، و اگر نتوانست اطمینان پیدا کند به هر طرف که گمان بیشتر می‌یابد، نماز بخواند.

۳. کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود بنابر احتیاط (واجب) باید به چهار طرف نماز بخواند، و اگر برای چهار نماز وقت ندارد به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.

۴. کسی که یقین به قبله ندارد در بقیه‌ی کارهایی که باید رو به قبله انجام شود، مانند ذبح حیوانات و غیره، باید به گمان خود عمل کند و اگر به هیچ طرف گمان بیشتر ندارد، به هر طرف انجام دهد صحیح است.

#### توجه:

❖ اعتماد بر شاخص یا قبله نما در تعیین جهت قبله، در صورتی که موجب اطمینان برای مکلف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت می‌توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.

منظور از به کارگیری شاخص در تشخیص قبله این است که در روزهای چهارم خرداد و بیست و ششم تیر ماه (یعنی در روز بیست و پنجم ماه پنجم و هفدهم ماه هفتم از سال میلادی) چنانچه هنگام ظهر به افق مکه که آفتاب به طور عمودی بر کعبه می‌تابد (همان زمانی که صدای اذان مکه بلند می‌شود) شاخصی از قبیل قطعه چوب صاف یا میله و مانند آن در زمین هموار به طور عمودی فرو کنیم، جهتی که سایه‌ی شاخص نشان می‌دهد جهت قبله خواهد بود (یعنی جهت قبله در امتداد سایه در طرفی از شاخص است که سایه ندارد).

### اهمیت نمازهای یومیه

۱. نمازهای روزانه‌یی که در پنج نوبت خوانده می‌شود از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است، و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.
۲. نماز در هیچ حالی ترک نمی‌شود حتی در حال جنگ، بنابراین رزمنده‌یی که در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، باید به هر نحوی که برایش امکان دارد نماز بخواند، و اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست، ایما و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است.

### تعداد نمازهای یومیه

نمازهای واجب یومیه

۱. نماز صبح: دو رکعت.
۲. نماز ظهر: چهار رکعت.
۳. نماز عصر: چهار رکعت.
۴. نماز مغرب: سه رکعت.
۵. نماز عشا: چهار رکعت.

توجه:

در سفر، نمازهای چهار رکعتی (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت خوانده می‌شود، خصوصیات و احکام آن خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

### اوقات نمازهای یومیه

#### وقت نماز صبح

۱. وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب است.
۲. معیار شرعی در مورد وقت نماز صبح، فجر صادق است (نه کاذب)، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.
۳. فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر (وقت فریضه‌ی صبح) نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است.
۴. مقتضی است که مؤمنین محترم «ایدهم الله تعالی» جهت رعایت احتیاط در مورد وقت نماز صبح، حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان صبح از رسانه‌ها شروع به ادای فریضه‌ی صبح نمایند.
۵. ملاک طلوع خورشید (پایان وقت نماز صبح) دیدن آن در افق مکان نمازگزار است نه رسیدن نور آن بر زمین.

#### وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از اول ظهر (یعنی هنگامی که سایه‌ی هر چیزی پس از آن که بر اثر بالا آمدن آفتاب کاملاً کوتاه شد مجدداً به طرف مشرق شروع به زیاد شدن کند) است تا هنگامی که فقط به قدر نماز عصر تا غروب آفتاب وقت باقی مانده است.

### ■ وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از هنگامی است که به قدر خواندن نماز ظهر، از ظهر گذشته تا غروب آفتاب.

### ■ وقت نماز مغرب

وقت نماز مغرب از هنگامی است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می‌آید زائل شود تا هنگامی که فقط به قدر نماز عشا تا نیمه شب مانده است.

**توجه:**

✦فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و زوال حمزه‌ی مشرقیه (از بین رفتن سرخی طرف مشرق بعد از غروب آفتاب) با اختلاف فصل‌های سال تفاوت می‌کند.

### ■ وقت نماز عشا

وقت نماز عشا از هنگامی است که به قدر خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته است تا نیمه شب.

**توجه:**

✦احتیاط (واجب) آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند، بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

### ✦ احکام اوقات نماز

#### ■ راههای شناخت وقت نماز

۱. خود انسان یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است.
۲. دو مرد عادل خبر دهند که وقت داخل شده است.
۳. مؤذن مورد وثوق و وقت شناس اذان بگوید.

**توجه:**

✦تا یکی از راههای شناخت وقت نماز تحقق پیدا نکند ورود در نماز جایز نیست.  
✦اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

#### ■ معیار در احراز دخول وقت، حصول اطمینان برای مکلف است، بنابراین:

۱. رسانه‌های گروهی که اوقات شرعی هر روز را یک روز قبل از آن اعلام می‌کنند، اگر برای مکلف اطمینان به دخول وقت بیاورد می‌تواند بر آن اعتماد کند.
۲. هرگاه با شروع اذان، برای مکلف اطمینان حاصل شود که وقت نماز داخل شده است صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست، و می‌تواند نماز را شروع کند.
۳. مکلف باید در مورد اوقات نمازهای یومیه همان افق محل سکونت خود را رعایت کند.
۴. صرف یکی بودن مقدار تفاوت بین دو منطقه در طلوع فجر یا زوال آفتاب یا غروب خورشید، مستلزم

اتحاد در سایر اوقات نیست، بلکه غالباً مقدار اختلاف بین شهرها در اوقات سه‌گانه با هم تفاوت دارد، مثلاً اگر بین دو استان در وقت ظهر بیست و پنج دقیقه تفاوت است در وقت نماز صبح و مغرب این مقدار تفاوت می‌کند (ممکن است کمتر یا بیشتر از بیست و پنج دقیقه باشد).

۵. کسی که به اندازه‌ی خواندن یک رکعت از نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا آن وقت به تأخیر بیندازد، و در صورت شک در این که وقت، لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، باید نماز را به قصد مافی الذمه به جا آورد.

۶. بعد از داخل شدن وقت دو نماز (ظهر و عصر یا مغرب و عشا) مکلف در خواندن هر دو نماز پشت سر هم به صورت جمع و یا خواندن هر یک در وقت فضیلت خود مخیر است.

۷. مستحب است انسان، نماز را در اول وقت بخواند، و در دستوره‌های اسلامی در این مورد سفارش مؤکدی شده است، و اگر در اول وقت نتواند، هر چه نماز را نزدیکتر به اول وقت بخواند بهتر است، مگر آن که تأخیر نماز از جهتی بهتر باشد، مانند این که بخواهد نماز را به جماعت بخواند.

۸. اگر طلبکار طلب خود را مطالبه می‌کند، در صورتی که انسان توانایی دارد باید اول بدهی خود را بدهد و سپس نماز بخواند، و همچنین است در صورتی که کار واجب فوری دیگری پیش‌آمد کند. بلی در صورتی که وقت نماز تنگ شده باشد باید اول نماز بخواند.

### ترتیب در بین نمازها

۱. نماز ظهر و عصر باید به ترتیب خوانده شود یعنی اول نماز ظهر، بعد نماز عصر. همچنین باید در میان نماز مغرب و عشا نیز ترتیب رعایت شود، و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر یا عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

۲. هرگاه کسی بر اثر اشتباه یا غفلت، نماز دوم را بر اولی مقدم داشته، مثلاً نماز عشا را جلوتر از مغرب خوانده و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده نماز او صحیح است.

۳. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده است، باید این نماز را بشکند و بعد از آن نماز عصر را بخواند، و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

۴. اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد، و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر یعنی به قدر چهار رکعت از اول ظهر افتاده باشد احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جا آورد، و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشا نیز هست.

### اذان و اقامه

۱. مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز، اذان و اقامه بگویند، و این استحباب در مورد نمازهای صبح و مغرب مخصوصاً نماز جماعت، مورد تأکید است، ولی در دیگر نمازهای واجب، مانند نماز آیات اذان و اقامه وارد نشده است.

۲. اذان ۱۸ جمله است به این ترتیب :

۱. « اللَّهُ أَكْبَرُ » چهار مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید)
۲. « أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم غیر از خداوند یکتا معبود دیگری نیست)
۳. « أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ » دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم که محمد(ص) فرستاده‌ی خدا است)
۴. « حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ » دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی نماز)
۵. « حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ » دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی رستگاری)
۶. « حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ » دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی بهترین کارها)
۷. « اللَّهُ أَكْبَرُ » دو مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید)
۸. « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » دو مرتبه (یعنی هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست)

۳. اقامه ۱۷ جمله است به این ترتیب که همه چیزش، مانند اذان است جز این که در اول آن فقط دو مرتبه « اللَّهُ أَكْبَرُ » می‌گویند و در آخر آن یک مرتبه « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ »، و بعد از گفتن « حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ » دو مرتبه « قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ » (یعنی نماز بر پا شد) اضافه می‌شود.

#### چند نکته در ارتباط با اذان و اقامه

- گفتن « أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » (یعنی گواهی می‌دهم علی(ع) ولی خدا بر همه‌ی خلق است) جزو اذان و اقامه نیست، ولی به عنوان شعار تشیع خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود.
- اذان اعلامی (که برای اعلام دخول وقت گفته می‌شود) در اول وقت نمازهای واجب یومیه، و تکرار آن با صدای بلند از طرف شنوندگان از مستحبات شرعی مؤکد است.
- اذان گفتن به صورت دسته جمعی در معابر عمومی، اگر موجب سد معبر و یا اذیت دیگران نشود اشکال ندارد.
- اذان گفتن بر بالای بام به نحو متعارف به خصوص برای نماز صبح اشکال ندارد، هر چند بعضی از همسایگان اعتراض کنند.
- پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله‌ی بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است.
- اذان زن برای مردان نامحرم کفایت نمیکند و برای مردان محرم محل اشکال است (یعنی اگر مردی که محرم اوست، اذان زن را بشنود به احتیاط واجب اذان از او ساقط نمی‌شود).

#### کارهای واجب که نماز از آنها تشکیل شده یا زده چیز است

۱. نیت

۲. تکبیره الاحرام

۳. قیام

۴. قرائت

۵. رکوع

۶. سجده

۷. ذکر

۸. تشهد

۹. سلام

۱۰. ترتیب

۱۱. موالات

**توجه:**

بعضی از واجبات نماز «رکن» است یعنی اگر در نماز به جا آورده نشود یا بیش از مقدار واجب آورده شود، حتی اگر از روی سهو و فراموشی هم باشد، نماز باطل می‌شود، (ولی واجبات غیر رکنی اگر عمداً کم و زیاد شود نماز باطل می‌شود، اما اگر سهواً باشد نماز صحیح است، مانند قرائت).

### ❖ ارکان نماز

۱. نیت.

۲. تکبیره الاحرام

۳. قیام (در هنگام تکبیره الاحرام و هنگام رفتن به رکوع).

۴. رکوع.

۵. دو سجده.

### ❖ ۱. نیت

۱. معنای نیت و حکم آن: نیت در نماز واجب است و منظور از آن، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است.

**توجه:**

نیت که در نماز واجب است همان قصد انجام نماز برای خداست و لازم نیست در دل خود یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربۀ الی الله.

لازم است نماز گزار بداند که چه نمازی می‌خواند، بنابراین اگر مثلاً نیت چهار رکعت نماز بکند، اما معین نکند که نماز ظهر یا عصر است، نماز او باطل است.

انسان باید نماز را به قصد اطاعت از فرمان خداوند عالم به جا آورد، بنابراین اگر برای ریا یعنی تظاهر به دینداری و امثال آن نماز بخواند نماز باطل است، و به طور کلی اگر همه‌ی نماز یا بخشی از آن را به خاطر غیر خدا به جا آورد نماز او باطل است.

### ۲. عدول از نیت:

■ مواردی که عدول واجب است

الف) از نماز عصر به نماز ظهر، قبل از وقت مخصوص عصر در صورتی که در بین نماز متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است.



ب) از نماز عشا به نماز مغرب، قبل از وقت مخصوص عشا اگر در بین نماز عشا متوجه شود که نماز مغرب را نخوانده است و از محل عدول هم تجاوز نکرده باشد.

ج) اگر دو نماز قضایی که در ادای آنها ترتیب معتبر است (مثل نماز قضای ظهر و عصر) بر عهده‌ی او باشد و بر اثر فراموشی قبل از ادای نماز اول به خواندن نماز دوم مشغول شود.

■ مواردی که عدول مستحب است

الف) از نماز ادا به نماز قضای واجب، در صورتی که بر اثر آن وقت فضیلت ادا فوت نشود.

ب) از نماز واجب به مستحب برای درک ثواب نماز جماعت.

ج) از نماز واجب به نافله در ظهر روز جمعه برای کسی که قرائت سوره‌ی جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره‌ی دیگری را خوانده و به نصف رسیده و یا از آن گذشته است. مستحب است این شخص، از نماز واجب به نافله عدول کند تا بتواند نماز فریضه را با سوره‌ی جمعه به جا آورد.

## ۲۰. تکبیره الاحرام

### ۱. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن

تکبیره الاحرام در نماز واجب است و منظور از آن گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» در آغاز نماز است.

توجه:

■ نگفتن تکبیره الاحرام در اول نماز چه عمدتاً و چه سهواً موجب باطل بودن نماز است. همچنین اگر پس از آن که آن را در اول نماز به طور صحیح ادا کرد بار دیگر با فاصله یا بدون فاصله با همان نیت «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید نماز باطل است، و فرقی نیست میان این که زیاد گویی عمدی باشد یا سهوی.

### ۲. واجبات تکبیره الاحرام:

۱. تکبیره الاحرام را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

۲. تکبیره الاحرام را باید به عربی صحیح بگوید، و اگر ترجمه‌ی فارسی آن را بگوید یا آن را به عربی غلط بگوید - مثلاً های الله را با فتحه بگوید و یا امثال آن - صحیح نیست.

توجه:

■ اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ تکبیره الاحرام را نمی‌داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست و نمیتواند آن را با تلقین دیری به صورت حرف حرف با مراعات موالات عرفی بگوید باید ترجمه آن را بگوید.

۳. هنگام تکبیره الاحرام باید بدن آرام و مستقر باشد، پس اگر عمدتاً و از روی اختیار، تکبیره الاحرام را در حالی بگوید که بدنش حرکت دارد، باطل است.

### ۳. شک در تکبیره الاحرام:

■ صل تکبیر (یعنی شک دارد که تکبیره الاحرام گفته یا نه):

الف) به اذکار قرائت مشغول شده: به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد.  
ب) به اذکار قرائت مشغول نشده: باید تکبیر را بگوید.  
■ صحت تکبیر (یعنی پس از گفتن تکبیره الاحرام شک دارد صحیح گفته یا نه) : باید به شک خود اعتنا نکند .

### ۳. قیام (ایستاده بودن )

#### ۱. اقسام قیام واجب :

##### ■ رکن

الف) قیام هنگام تکبیره الاحرام.

ب) قیام هنگام رفتن به رکوع (متصل به رکوع).

##### ■ غیر رکن

الف) قیام هنگام قرائت.

ب) قیام بعد از رکوع.

۱. کسی که قادر است نماز را ایستاده بخواند و عذری ندارد باید از شروع نماز تا رفتن به رکوع، در حال ایستاده باشد، و نیز واجب است پس از رکوع و پیش از رفتن به سجده بایستد. ترک قیام عمداً در این حالات، موجب باطل شدن نماز است.

۲. ایستاده بودن در حال تکبیره الاحرام و نیز پس از اتمام قرائت و پیش از رفتن به رکوع، رکن است یعنی اگر سهواً و از روی فراموشی هم آن را ترک کند نماز باطل می شود.

#### توجه:

✳ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و در این هنگام یادش بیاید که رکوع نکرده، باید برخیزد و بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، پس اگر بدون برخاستن و ایستادن از همان حال نشسته خود را به حالت خمیدگی رکوع برساند نمازش باطل است.

۲. **واجبات قیام:** نمازگزار در حال قیام باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی به طور آشکار خم نشود و به جایی تکیه نکند، مگر این که از روی ناچاری یا سهو و فراموشی باشد .

#### توجه:

✳ موقعی که انسان در نماز بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

### ۳. بعضی از مستحبات قیام:

۱. بدن را راست نگهدارد.

۲. شانه‌ها را پایین بیندازد.

۳. دستها را روی رانها بگذارد.

۴. انگشتها را به هم بچسباند.

۵. جای سجده را نگاه کند.
۶. سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد.
۷. با خضوع و خشوع باشد.
۸. پاهای او را پس و پیش نگذارد.

#### ۴. احکام قیام:

۱. کسی که در حال نماز قادر بر ایستادن نیست، باید نشسته نماز بخواند ولی اگر می‌تواند به چیزی تکیه دهد و بایستد وظیفه‌ی او نماز ایستاده است.
۲. کسی که قادر بر نماز نشسته نیست، باید خوابیده نماز بخواند، و بنابر احتیاط واجب باید اگر می‌تواند به پهلو راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد، و گرنه به پهلو چپ بخوابد، و اگر این گونه هم نمی‌تواند، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.
۳. کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را به جا آورد باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود.
۴. کسی که خوابیده نماز می‌خواند اگر بدون حرج و زحمت بتواند در بین نماز بنشیند یا بایستد، باید هر مقداری را که می‌تواند نشسته یا ایستاده بخواند. همچنین کسی که نشسته نماز می‌خواند باید هر مقدار که بدون حرج و زحمت برای او ممکن است ایستاده نماز بخواند.
۵. کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند اگر برسد که به واسطه‌ی ایستادن، بیماری یا ضرر دیگری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند، و اگر در نماز نشسته نیز همین ترس باشد می‌تواند خوابیده نماز بخواند.
۶. کسی که احتمال می‌دهد در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند، بنابر احتیاط (واجب) باید تا آن هنگام صبر کند، ولی اگر در اول وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواند و سپس تا آخر وقت عذر او بر طرف نشد نمازی که خوانده صحیح است و اعاده لازم نیست.
۷. اگر در اول وقت، قادر بر نماز ایستاده نبود و یقین داشت که ناتوانی او از نماز ایستاده، تا آخر وقت ادامه خواهد یافت، ولی قبل از آخر وقت توانست ایستاده نماز بخواند باید نماز را به طور ایستاده اعاده کند.

#### ۴. قرائت

##### ۱. اجزای قرائت:

- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه: حمد و بنابر احتیاط واجب یک سوره‌ی کامل.
  - در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب یومیه: حمد تنها یا یک مرتبه تسبیحات اربعه و بنابر احتیاط مستحب سه مرتبه.
۱. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، باید بعد از تکبیر الاحرام سوره‌ی حمد و بعد از آن بنابر احتیاط واجب یک سوره‌ی کامل از قرآن مجید را قرائت کند، و خواندن یک یا چند آیه کافی نیست.
  ۲. در رکعت سوم و چهارم نمازها، مخیر است که حمد تنها (بدون سوره) بخواند یا تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

## ۲. احکام قرائت در رکعت اول و دوم:

۱. سوره‌ی «فیل» و «ایلاف» در حکم یک سوره‌اند، و خواندن یکی از آن دو بعد از حمد کافی نیست. همچنین سوره‌ی «والضحی» و «الم نشرح.»

### توجه:

❗ اگر کسی بر اثر جهل به مسأله، در نمازهای خود سوره‌ی فیل یا انشراح را به تنهایی خوانده است، در صورتی که در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد نمازهای گذشته‌ی او محکوم به صحت است.

۲. در نمازهای واجب یومیه بعد از قرائت حمد و یک سوره‌ی کامل، قرائت بعضی از آیات به قصد قرآن اشکال ندارد.

۳. اگر وقت نماز تنگ باشد یا بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگر به او صدمه می‌زند نباید سوره بخواند.

۴. اگر اشتبهاً سوره را پیش از حمد بخواند و قبل از رفتن به رکوع متوجه اشتباه خود شود، باید بعد از حمد دوباره سوره را بخواند، و اگر در اثنای خواندن سوره متوجه شود باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

۵. اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

۶. اگر پیش از رفتن به رکوع بفهمد که حمد و سوره یا فقط سوره را نخوانده باید آن را بخواند و به رکوع رود، و اگر بفهمد فقط حمد را نخوانده باید آن را و پس از آن دوباره سوره را بخواند، و نیز اگر خم شده و پیش از رسیدن به حد رکوع بفهمد که حمد یا سوره یا هر دو را نخوانده باید بایستد و به همین دستور عمل کند.

۷. در نماز واجب، خواندن سوره‌های سجده جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از آن سوره‌ها را بخواند تا به آیه‌ی سجده برسد باید بنا بر احتیاط واجب سجده‌ی تلاوت را به جا آورد و بر خیزد و اگر سوره، تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند، و اگر قبل از رسیدن به آیه‌ی سجده ملتفت شد احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید.

۸. اگر در اثنای نماز، آیه‌ی سجده را بشنود، نمازش صحیح است و باید پس از شنیدن آیه‌ی سجده، به جای سجده کردن، اشاره به سجده کند.

۹. اگر بعد از حمد شروع به خواندن سوره‌ی «قل هو الله احد» یا سوره‌ی «قل یا ایها الکافرون» کند،

نمی‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره‌ی جمعه و منافقین یکی از آن دو سوره را بخواند می‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی جمعه و منافقین را بخواند.

۱۰. اگر در نماز غیر از سوره‌ی «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سوره‌ی دیگر را بخواند تا وقتی بیش از نصف سوره را نخوانده است می‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی دیگر بخواند.

۱۱. اگر مقداری از سوره‌ی را که مشغول خواندن آن است فراموشی کند یا به خاطر تنگی وقت یا جهت دیگری به ناچار نتواند آن را تمام کند باید آن سوره را رها کند و سوره‌ی دیگری بخواند، و در این صورت فرق نیست میان آن که از نصف گذشته یا نگذشته باشد، و یا سوره‌ی که به خواندن آن مشغول است «قل

هو الله» و «قل یا ایها الکافرون» یا غیر از آنها باشد.

۱۲. در نمازهای مستحبی، خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه‌ی نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی نمازهای مستحبی که سوره‌ی مخصوص در آن وارد شده، مثل نماز برای والدین، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد باید همان سوره را بخواند.

### ۳. احکام قرائت در رکعت سوم و چهارم:

۱. یکبار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است، هر چند احتیاط (مستحب) این است که سه مرتبه گفته شود.
۲. کسی که نمی‌داند تسبیحات اربعه را سه مرتبه گفته یا بیشتر و یا کمتر، چیزی بر او واجب نیست، ولی تا به رکوع نرفته می‌تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند آن را سه مرتبه گفته است.
۳. کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند، اگر تصمیم گرفت حمد بخواند، ولی به خاطر غافل شدن از این تصمیم، بر طبق عادت خود به خواندن تسبیحات مشغول شود نمازش صحیح است، و همینطور اگر عادت به خواندن حمد دارد و تصمیم می‌گیرد تسبیحات بخواند.
۴. اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود نمازش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد.
۵. اگر نمازگزار در حالی که ایستاده است شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده، باید حمد یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر در هنگام گفتن استغفار مستحب، شک کند آیا تسبیحات خوانده یا نه لازم نیست آن را بخواند.
۶. اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شک کند که حمد یا تسبیحات خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع در حالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است شک کند، بنابر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات بخواند.

### ۴. جهر و اخفات (بلند و آهسته خواندن) در قرائت:

الف (حمد و سوره در رکعت اول و دوم)

نماز صبح و مغرب و عشا

نمازگزار مرد است: باید بلند بخواند.

نمازگزار زن است: می‌تواند بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را می‌شنود بهتر است آهسته بخواند.

نماز ظهر و عصر: باید آهسته بخواند غیر از «بسم الله»، چه نمازگزار مرد باشد و چه زن.

ب (تسبیحات اربعه یا حمد تنها در رکعت سوم و چهارم: باید آهسته بخواند، چه نمازگزار مرد باشد و چه زن، ولی در صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز فرادی «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است که «بسم الله» را هم آهسته بگوید و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.

۱. واجب است مردان حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند، و حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر را

آهسته بخوانند و زنان نیز باید حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را می‌توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود بهتر است آهسته بخوانند.

۲. بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نمازها، تسبیحات یا حمد را آهسته بخواند، ولی در صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز فرادی «بسم الله الرحمن الرحيم» را در آن بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است که «بسم الله» را هم آهسته بگوید، و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.

#### توجه:

✦ وجوب بلند خواندن در نمازهای مغرب و عشا و صبح، و وجوب آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است، همانگونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشا، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم یا چهارم است، ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه، مکلف بین آهسته یا بلند خواندن مخیر است.

✦ در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب فرقی بین نماز ادا و قضا وجود ندارد، هر چند نماز قضا، احتیاطی باشد.

✦ ملاک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست، بلکه ملاک، آشکار نکردن آن است. در مقابل، ملاک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است.

✦ اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز صحیح است، و اگر در اثنای خواندن حمد و سوره ملتفت شود که اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که بر خلاف دستور، بلند یا آهسته خوانده دوباره بخواند.

✦ اگر کسی در خواندن حمد و سوره، بیشتر از معمول صدا را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.

#### ۵. واجبات قرائت:

**الف** (در قرائت ، واجب است که کلمات، تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند، از این رو قرائت قلبی یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها که عنوان قرائت بر آن صدق نمی‌کند کافی نیست. نشانه‌ی صدق قرائت این است که خودش بتواند آنچه رامی‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست- بشنود.

#### توجه:

✦ کسی که بر اثر ابتلا به بیماری لالی قادر به تکلم نیست، ولی حواس سالمی دارد، اگر نمازش را با اشاره بخواند صحیح و مجزی است.

**ب** (واجب است که قرائت، صحیح و بدون غلط باشد و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

#### توجه:

کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد، و اگر وقت تنگ است بنا بر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.

ملاک صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و ادای حرف از مخارج آن به طوری که اهل لسان (عرب زبانان) آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر. در قرائت، رعایت محسنات تجوید لازم نیست.

اگر یکی از کلمات حمد و سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید، یا عمداً به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض» «ز» بگوید، یا زیر و زبر کلمات را تغییر دهد یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است. کسی که در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات کلمات نماز اشتباه می‌کرده است، مثلاً کلمه‌ی «یُولَدُ» را به جای فتح لام به کسر لام می‌خوانده، اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) بوده بنا بر احتیاط واجب، نماز باطل است، و الا نماز صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت، به صورت مذکور خوانده باشد محکوم به صحت است و اعاده و قضا ندارد.

«مَالِكٍ» در آیه‌ی شریفه‌ی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «مَلِكٍ» هم قرائت شده، و قرائت به هر دو صورت در نماز از باب احتیاط اشکال ندارد.

در قرائت نماز لازم نیست که اگر آیه‌ی را به آیه‌ی بعدی وصل کرد، حرکت آخر آیه را ظاهر کند، مثلاً اگر بگوید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و نون آخر آیه را ساکن کند و بلافاصله بگوید: «إِذَاكَ نَعْبُدُ وَإِذَاكَ نَسْتَعِينُ» اشکال ندارد. این کار را «وصل به سکون» می‌نامند، و همینطور است در مورد کلماتی که آیه از آنها تشکیل شده است، اگر چه در مورد اخیر احتیاط (مستحب) آن است که وصل به سکون نکند.

هرگاه نمازگزار هنگام خواندن «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» آن را بدون عطف فوری، با وقف بخواند و سپس «وَلَا الضَّالِّينَ» را قرائت نماید، در صورتی که وقف و فاصله به مقداری باشد که به وحدت جمله ضرر نزند اشکال ندارد.

اگر پس از آن که آیه‌ی را تمام کرد شک کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، و همینطور است اگر جمله‌ی از آیه را تمام کرد و پس از آن شک در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِذَاكَ نَعْبُدُ» شک کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه‌ی این صورتها اگر آنچه را که در صحیح ادا کردن آن شک دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

ج (هنگام قرائت حمد و سوره یا تسبیحات، بدن باید آرام و مستقر باشد، و در صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

## ۶. آداب قرائت:

### الف (بخشی از مستحبات قرائت)

۱. در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.»
۲. در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.

۳. حمد و سوره را شمرده بخواند.
۴. در آخر هر آیه وقف کند یعنی آن را به آیه‌ی بعد متصل نکند.
۵. در حال خواندن حمد و سوره به معانی آیات توجه داشته باشد.
۶. پس از قرائت سوره‌ی حمد، چه در جماعت و چه در فرادی، و چه امام باشد یا ماموم بگوید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»
۷. پس از سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي.»
۸. پس از قرائت حمد و نیز بعد از سوره، لحظه‌ی مکث کند و سپس به ادامه‌ی نماز بپردازد.
۹. در رکعت سوم و چهارم بعد از تسبیحات، استغفار کند، مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي.»

#### ب) بخشی از مکروهات قرائت

۱. نخواندن سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در هیچیک از نمازهای یک شبانه روز، مکروه است.
۲. تکرار یک سوره در دو رکعت نماز، مکروه است، مگر سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.»

#### ✿ رکوع

الف) معنای رکوع و حکم آن: در هر رکعت، بعد از قرائت یک رکوع واجب است، و رکوع یعنی خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد.

#### توجه:

✿ اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، سر بر دارد و بار دیگر به قصد رکوع خم شود، نمازش باطل است؛ (چون رکوع، رکن است و زیاد شدن آن نماز را باطل می‌کند).

#### ب) واجبات رکوع:

۱. خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد
۲. ذکر
۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع
۴. ایستادن بعد از رکوع
۵. آرامش بدن بعد از رکوع

۱۵. خم شدن به اندازه‌یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد:

۱. در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌یی خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد، و اگر سر انگشتهای هم به زانو برسد کافی است.
۲. احتیاط (واجب) آن است که در حال رکوع دستها را بر زانو بگذارد.
۳. خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کاری دیگر مثلاً برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی خم شود نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه‌ی این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.



۴. کسی که در حال نشسته رکوع می‌کند، کافی است به قدری خم شود که صورتش محاذی زانوها برسد.  
۲۵. ذکر:

ذکر واجب در رکوع عبارت است از یکبار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

۳۰. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع:

۱. در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می‌گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که اذکاری را به قصد استحباب آن در رکوع می‌گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

۲. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه‌ی واجب را بر هم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

۳. کسی که می‌داند طمأنینه در حال ذکر رکوع واجب است

اگر پیش از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر رکوع را شروع کند عمدتاً باشد: نمازش باطل است.

سهواً باشد: باید پس از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب سر از رکوع بردارد عمدتاً باشد: نمازش باطل است.

سهواً باشد:

اگر پیش از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده:

باید در همان حال آرام بگیرد و ذکر رکوع را بگوید.

اگر پس از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده: نمازش صحیح است.

۴۰. کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند به اندازه‌ی گفتن سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» در حال رکوع بماند، کافی است که یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، و اگر فقط یک لحظه می‌تواند در حال رکوع باشد احتیاط واجب آن است که ذکر را در همان لحظه شروع کند و در حال سر برداشتن تمام کند.

۵۰. ایستادن و آرامش بعد از رکوع:

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و پس از آن که بدن آرام گرفت به سجده برود، و اگر عمدتاً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.

ح) کسی که رکوع را فراموش کرده است:

۱. پیش از رسیدن به سجده‌ی اول یادش بیاید: باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد کافی نیست، و اگر به این رکوع اکتفا کند نمازش باطل است.

۲. پس از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید: نمازش باطل است؛ (زیرا یک رکن را ترک کرده و وارد رکن بعدی شده است).

۳. پیش از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید (یعنی در سجده‌ی اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده‌ی دوم شود): باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن، دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند، و بعد از نماز به احتیاط (واجب) دو سجده سهو برای سجده‌ی زیادی بگذارد.

#### ❖ (د) برخی از مستحبات رکوع:

۱. پیش از رفتن به رکوع در حالی که ایستاده است تکبیر بگوید.
۲. اگر نمازگزار مرد است زانوها را به عقب بدهد و اگر زن است زانوها را به عقب ندهد.
۳. سر را پایین نیندازد و مساوی پشت خود نگه دارد.
۴. کف دست را به زانوها تکیه دهد.
۵. نگاه خود را به میان قدمهای خود بدوزد.
۶. پیش از رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
۷. پس از آن که از رکوع سر برداشت و ایستاد در حال آرامش بدن بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ.»
۸. اگر نمازگزار زن است، دست را از زانوها بالاتر بگذارد.

#### ❖ سجده

❖ (الف) معنای سجده و حکم آن: نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده کند، و سجده آن است که پیشانی را از روی خضوع بر زمین بگذارد.

#### توجه:

- ❖ دو سجده در یک رکعت، مجموعاً «رکن» است، بدین معنی که اگر عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند یا دو سجده‌ی دیگر به آن اضافه کند، نماز باطل می‌شود.
- ❖ اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل است، و اگر سهواً این کار را انجام دهد نماز باطل نیست، ولی دارای احکامی است که بعداً گفته خواهد شد.

#### ❖ (ب) واجبات سجده:

۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
۲. ذکر.
۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده.
۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته.
۷. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد.
۸. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند.
۹. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
۱۰. نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب.

## ۱۴. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین:

۱. در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد.  
۱. پیشانی.
- ۲ و ۳. دو کف دست.
- ۴ و ۵. دو سر زانو.
- ۶ و ۷. دو سر انگشت بزرگ پا.

### توجه:

گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزاییکی که دارای سوراخهای ریزی است اشکال ندارد.  
هرگاه هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر را نیز بر زمین قرار دهد اشکال ندارد.

۲. اگر پیشانی را عمداً یا سهواً بر زمین نگذارد، سجده نکرده است، اگر چه شش عضو دیگر (دو دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا) را بر زمین گذاشته باشد، ولی اگر پیشانی را بر زمین بگذارد و جاهای دیگر را سهواً به زمین نرساند یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است.

۳. کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را اگر ممکن است به طور معمول بر زمین بگذارد و اگر چیزی که مهر را روی آن بگذارد وجود ندارد، باید آن را با دست بلند کند و پیشانی بر آن بگذارد.  
۴. کسی که بر محل سجده‌ی بلند نیز نمی‌تواند سجده کند، باید در عوض سجده، با سر و اگر نمی‌تواند با چشم اشاره کند.

### توجه:

فردی که به خاطر وضعیت خاص جسمی که دارد قادر به گذاشتن هفت عضو از بدن خود بر زمین نیست و از صندلی چرخدار استفاده می‌کند، در صورتی که قادر به گذاشتن مهر روی دسته‌ی صندلی چرخدار یا چیز دیگر مانند بالشت یا چهارپایه و سجده بر آن است، باید سجده را بدین نحو انجام دهد و نمازش صحیح است و در غیر این صورت به هر نحوی که می‌تواند هر چند با ایما و اشاره، سجده و رکوع را انجام دهد و نمازش صحیح خواهد بود.

۵. هرگاه در زمین گل آلود نماز می‌خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، می‌تواند در حالی که ایستاده، برای سجده، با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

## ۲۵. ذکر

ذکر واجب در سجده عبارت است از یک‌بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و اگر به جای آن ذکرهای دیگر، مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن به همان مقدار بگوید کافی است.

### ۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده:

۱. در حال سجود هنگامی که ذکر واجب را می‌گویید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که ذکر را به قصد استحباب آن در سجود می‌گویید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

۲. کسی که می‌داند آرام بودن بدن در حال ذکر سجود واجب است:

✳ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد ذکر بگوید عمداً باشد: نمازش باطل است.  
سهواً باشد:

در حال سجده متوجه شود: باید دوباره در حال آرامش بدن، ذکر را بگوید.  
بعد از آن که سر از سجده برداشت متوجه شود: نمازش صحیح است.

✳ پیش از تمام شدن ذکر، سر از سجده بردارد عمداً باشد: نمازش باطل است.  
سهواً باشد: نمازش صحیح است.

۳. اگر بر روی تشک و امثال آن سجده کند که بدن در اول آرام نیست و بعد آرام می‌گیرد، اشکال ندارد.

### ۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر:

۱. اگر در هنگامی که ذکر سجده را می‌گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول ذکر گفتن نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

۲. اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، پیشانی را سهواً از زمین بردارد نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

۳. اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بی اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجود را بگوید، و یک سجده به حساب می‌آید.

### ۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده

بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

### ۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته

در حال سجده باید جای پیشانی از جای زانوها و سر انگشتان پا، بلندتر یا پایین‌تر از چهار انگشت بسته نباشد.

## ۷۵. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد

مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند باید پاک باشد، ولی اگر آن را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف آن نجس باشد و پیشانی را بر طرف دیگر بگذارد، اشکال ندارد.

## ۸۵. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند

باید میان پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، چیزی حایل نشود، بنابراین اگر حایلی در این وسط باشد، مانند موی سر یا گلاب یا چرک بودن مهر به حدی که پیشانی به خود مهر نرسد و غیره، سجده و نماز باطل است.

### توجه:

مهرگاه هنگام سجده متوجه شود که پیشانی وی به خاطر مانع از قبیل چادر، روسری و مانند آن با مهر تماس ندارد، واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی‌اش را حرکت دهد تا روی مهر قرار بگیرد و اگر سرش را از زمین بلند کند، چنانچه این کار بر اثر جهل یا فراموشی بوده و فقط در یکی از دو سجده‌ی یک رکعت آن را انجام داده نمازش صحیح است و اعاده واجب نیست، ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده‌ی یک رکعت آن را انجام داده نمازش باطل و اعاده‌ی آن واجب است.

## ۹۵. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است

پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است.

## ۱۰۵. نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب

در رکعت اول و نیز در رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده‌ی دوم بنشینند و سپس برای رکعت بعد برخیزد.

## ج (چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است):

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است: ۱. زمین ۲. آنچه از زمین می‌روید به سه شرط: ۱. خوردنی نباشد ۲. پوشیدنی نباشد ۳. معدنی نباشد.

۱. سجده‌ی نماز باید بر زمین یا گیاهان غیر خوراکی که از زمین می‌روید گزارده شود، مانند سنگ و خاک و چوب و برگ درختان و امثال آن، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، هر چند از زمین بروید، مانند پنبه و گندم، و چیزهای معدنی که از جنس زمین محسوب نمی‌شود، مانند فلزات و شیشه و امثال آن صحیح نیست.

۲. سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگهایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود صحیح است، و همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر این دسته‌ی آخری سجده نکنند.

۳. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و فقط خوراک حیوان است، مانند علف و کاه، صحیح است.

۴. سجده کردن بر برگ سبز چای بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست، ولی سجده بر برگ درخت قهوه که خود برگ، استفاده خوراکی ندارد صحیح است.

۵. سجده بر گلپایی که خوراکی نیستند و نیز داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای معالجه بیماریها به کار می‌آید، مانند گل ختمی و گل بنفشه صحیح است، ولی بر گیاهانی که در موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبی که در آن است به مصرف خوراکی می‌رسد، مانند خاکشیر و امثال آن، درست نیست.

۶. گیاهانی که در بعضی از مناطق یا میان بعضی از مردم، خوردنی شمرده می‌شود، ولی دیگران از آن استفاده‌ی خوردنی نمی‌کنند، جزو خوراکیهاست و سجده بر آن صحیح نیست.

۷. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است.

۸. سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته می‌شود، درست است.

۹. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، با به واسطه‌ی سرما یا گرما و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه و کتان دارد باید بر آن سجده کند، و احتیاط (واجب) آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان باشد ممکن است بر غیر آن یعنی غیر لباسی که از این جنس باشد سجده نکند، و اگر ندارد بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند.

۱۰. اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت داشته باشد باید نماز را بشکند، و اگر وقت تنگ است به ترتیبی که در مسأله‌ی قبل گفته شد، عمل کند.

۱۱. جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید، و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، باید بر این اشیا سجده نماید.

۱۲. اگر در سجده‌ی اول، مَهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده‌ی دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده‌ی دوم برود اشکال دارد.

#### توجه:

نیکوترین سجده، سجده بر خاک و روی زمین است که نشانه‌ی خضوع و خشوع در برابر حضرت باری تعالی است، و هیچ خاکی برای سجده در فضیلت به تربت مقدس سید الشهداء(ع) نمی‌رسد.

#### ۴. برخی از مستحبات سجده

۱. پیش از سجده و پس از آن در حالی که بدن آرام گرفته است، تکبیر بگوید.

۲. میان دو سجده در حالی که بدنش آرام است، بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.»

۳. سجده را طولانی کند و در آن ذکر و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت بخواند و صلوات بفرستد.

۴. بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

#### توجه:

قرآن خواندن در حال سجده مکروه است (یعنی ثواب کمتری دارد).

## دو نکته در ارتباط با سجده

✦ سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است، و بعضی از مردم که در آستانه‌ی در حرم امامان (ع) پیشانی بر زمین می‌گذارند، اگر به قصد سجده‌ی شکر خدای متعال باشد، اشکال ندارد و گرنه حرام است. ✦ در هر یک چهار سوره‌ی الم تنزیل (سوره‌ی سجده)، حم سجده (سوره‌ی فصلت)، النجم، اقرء (سوره‌ی علق)، یک آیه‌ی سجده هست که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، باید پس از پایان آیه فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

### توجه:

#### آیات سجده

۱. آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی ۳۲ (سجده)

۲. آیه‌ی ۳۷ از سوره‌ی ۴۱ (فصلت)

۳. آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی ۵۳ (النجم)

۴. آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۹۶ (علق)

✦ اگر به آیه‌ی سجده‌یی که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود، گوش دهد سجده واجب است.

✦ در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند، ولی دیگر شرایط سجده‌ی نماز، مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن و امثال آن در این سجده لازم نیست.

✦ در سجده‌ی واجب قرآن، گذاشتن پیشانی بر زمین کافی است و لازم نیست در آن ذکر گفته شود، ولی گفتن ذکر در آن مستحب است، و بهتر است این ذکر را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُْبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا، لَا مُسْتَكْبِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»

## ذکر

### ۱. معنای ذکر

هر عبارتی که متضمن یاد خداوند «عز وجل» باشد «ذکر» محسوب می‌شود (مانند الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله و...) و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) از بهترین ذکرهاست.

### ۲. واجبات ذکر:

۱. اذکار نماز را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که بتواند خودش آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.
۲. واجب است همه‌ی ذکرهای واجب نماز به طور عربی صحیح قرائت شود، و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی‌داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست معذور است.
۳. واجب است تمام ذکرهای واجب و مستحب در حال استقرار و آرامش بدن خوانده شود، و در صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکر را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند. بلی گفتن ذکر به قصد ذکر مطلق در حال حرکت اشکال ندارد.

### چند نکته در ارتباط به ذکر

- ✦ اگر ذکرهای رکوع و سجده را به جای یکدیگر بگویند در صورتی که سهواً باشد اشکال ندارد، ولی اگر عمداً باشد جایز نیست مگر این که به قصد مطلق ذکر خداوند «عزوجل» بگویند.
- ✦ اگر بعد از رکوع و سجود متوجه شود ذکر رکوع یا سجده را اشتباه گفته، چیزی بر او واجب نیست.
- ✦ در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، تکرار همان ذکر واجب، افضل است و بهتر است که به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر آنچه گفته شد صلوات و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت مستحب است.
- ✦ مستحب است پیش از رفتن به رکوع و قبل و بعد از هر سجده تکبیر بگویند. این تکبیر باید در حال رفتن به رکوع یا سجود یا سر برداشتن از آن نباشد، ولی به طور کلی می‌تواند در هر حال از جمله در حال رفتن به رکوع و سجود یا سر برداشتن از آن، تکبیر و دیگر ذکرها را به قصد ذکر مطلق بگویند.
- ✦ مستحب است ذکر «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَ أَقْعَدُ» (با حول و قوه الهی برمی‌خیزم و می‌نشینم) در حال قیام برای رکعت بعدی گفته شود.

### تشهد

۱. معنای تشهد و حکم آن: در رکعت دوم همه‌ی نمازها و نیز در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نمازهای ظهر و عصر و عشا، نماز گزار باید پس از سجده‌ی دوم بنشیند و پس از آرام گرفتن بدن، جملاتی را که در ذکر تشهد گفته خواهد شد، بر زبان جاری کند. این عمل «تشهد» نامیده می‌شود.
۲. ذکر تشهد: ذکر واجب در حال تشهد این است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

### توجه:

- ✦ مستحب است پیش از جملات فوق بگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، یا بگویند: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»، و نیز مستحب است پس از صلوات بگویند: «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ.»
- ✦ در تشهد، وقف بر محمد(ص) در جمله‌ی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و سپس قرائت عبارت «وَ آلِ مُحَمَّدٍ» به مقداری که به وحدت جمله ضرر نزنند اشکال ندارد.

### ۳. کسی که تشهد را فراموش کرده است:

۱. اگر برای رکعت سوم بایستد، ولی پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده است: باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند، و پس از نماز به خاطر ایستادن بی‌جا، بنا بر احتیاط مستحب، دو سجده‌ی سهو به جا آورد.
۲. اگر هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید: باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده‌ی سهو به جا آورد، و احتیاط (واجب) آن است که پیش از سجده‌ی سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.



۱. منظور از سلام و حکم آن: آخرین جزو نماز که با گفتن آن، نماز پایان می‌یابد «سلام» است. سلام (واجب) نماز به این است که بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» و بهتر است که اضافه کند «و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.»

توجه:

مستحب است پیش از دو سلام فوق بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ.»

۲. کسی که سلام نماز را فراموش کرده است: اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله، انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش درست است.

### ترتیب

۱. منظور از ترتیب و حکم آن: نمازگزار باید نماز را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد و هر یک از اجزای آن را در جای خود بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم زند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می‌شود.

### ۲. رعایت نکردن سهوی ترتیب:

مقدم شدن سهوی جزئی بر جزء دیگر:

۱. رکنی را بر رکن دیگر مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و پس از آن که به رکوع رکعت بعد رفت یادش بیاید: نماز باطل است.

۲. غیر رکنی را بر رکن مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و تشهد بخواند و آنگاه یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده است: باید رکن را به جا آورد، و آنچه را اشتبهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

۳. رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آنکه که حمد را فراموش کند و پس از آن وارد رکوع شد متوجه شود که حمد را نخوانده است: نمازش صحیح است.

۴. غیر رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آن که حمد را فراموش کند و به خواندن سوره مشغول شود، ولی پیش از آن که به رکوع برود متوجه شود که حمد را نخوانده است: در این صورت، باید آنچه را فراموش کرده (مثلاً حمد) بخواند و بعد از آن، چیزی را که اشتبهاً جلوتر خوانده (مثلاً سوره) دوباره بخواند.

### موالات

نمازگزار باید اجزای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد و غیره را با «موالات» یعنی پی در پی به جا آورد و میان آنها فاصله‌ی طولانی و غیر متعارف نیندازد، پس اگر میان اجزای نماز به قدری فاصله شود که در نظر بیننده از حالت نماز خواندن خارج شود، نمازش باطل است.

توجه:

اگر میان کلمه‌ها یا حروف یک کلمه سهواً فاصله‌ی غیر متعارف بیندازد، ولی به طوری نباشد که صورت نماز از بین برود، اگر در وقتی ملتفت شود که وارد رکن بعد از آن شده است، نماز صحیح است و تکرار آن

کلمات و جملات لازم نیست، ولی اگر پیش از وارد شدن در رکن بعدی ملتفت شود باید برگردد و آن‌ها را دوباره بخواند .

### ❖ قنوت

#### ۱. معنای قنوت و حکم آن

در همه‌ی نمازهای واجب و مستحب، مستحب است که در رکعت دوم پس از پایان حمد و سوره و پیش از رکوع، دستها را به دعا بردارد و دعا بخواند. این عمل را «قنوت» می‌نامند.

#### توجه:

❖ در نماز جمعه، قنوت را در رکعت اول، پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع به جا می‌آورد.

❖ در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت به جا می‌آورد.

#### ۲. ذکر قنوت

در قنوت می‌تواند هر ذکر یا دعا یا آیه‌ی از قرآن را بخواند و حتی می‌تواند به یک «صلوات» یا «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اکتفا کند، ولی بهتر است دعاهایی را بخواند که در قرآن آمده است، مانند «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، یا ذکرها و دعاهایی که از ایمه (ع) نقل شده است، مانند این ذکر: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

### ❖ تعقیب

تعقیب نماز لازم نیست به عربی باشد، ولی بهتر است دعاها و ذکرهایی را بخواند که از ائمه (ع) رسیده است، و از جمله‌ی بهترین آنها، ذکرى است که به تسبیح حضرت زهرا(س) معروف است، و آن عبارت است: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

#### توجه:

❖ در کتابهای دعا، تعقیباتی با مضامین عالی و عبارات زیبا از ائمه (ع) نقل شده است.

❖ مستحب است پس از نماز، سجده‌ی شکر کند یعنی به قصد شکر همه‌ی نعمتها و نعمت توفیق الهی بر نماز، پیشانی را بر زمین بگذارد و بهتر آن است که سه مرتبه یا بیشتر بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ.»

### ❖ ترجمه نماز

شایسته است که نمازگزار، الفاظ و اذکار نماز را با توجه به معنای آن و با خشوع و حضور قلب بر زبان بیاورد تا از فرصت نماز، برای پاکیزه شدن روح و نزدیک شدن دل به خدای بزرگ و مهربان بهره ببرد.

#### ۱. ترجمه‌ی سوره‌ی حمد

۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: «به نام خدا که رحمت و فیض بی دریغ او در دنیا همه‌ی انسانها را در

برمی‌گیرد و رحمت و بخشایش ابدی او به مؤمنان اختصاص دارد.»

۲. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «سپاس و ستایش، مخصوص خدا است که پروردگار همه‌ی جهانیان است.»
۳. اَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ: «آن که رحمان است (بخشنده‌گی و فضل او در دنیا شامل همه‌ی انسانها است) و رحیم است (بخشایش و فضل ابدی او ویژه‌ی مؤمنان است).»
۴. مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ: «آن که دارنده و صاحب اختیار روز جزا (قیامت) است.»
۵. اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: «فقط تو را بندگی می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌طلبیم.»
۶. اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: «ما را به راه راست هدایت کن.»
۷. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: «به راه آن کسانی که به آنان نعمت دادی (نور معرفت خود را بر دل آنان تاباندی).»
۸. غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ: «آنان که به غضب تو گرفتار نشدند و به گمراهی دچار نگشتند. (یعنی پس از نعمت بزرگی که به آنان بخشیدی، ناسپاسی و عصیان نکردند تا موجب غضب تو و گمراهی خود شوند).»

## ۲. ترجمه‌ی سوره‌ی توحید

۱. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «ترجمه‌ی آن قبلاً گذشت.»
۲. قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ: «بگو اوست خدای یکتا.»
۳. اللّٰهُ الصَّمَدُ: «خدا بی نیاز است و همگان روی نیاز به او دارند.»
۴. لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ: «فرزند ندارد و فرزند کسی نیست.»
۵. وَ لَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ: «و هیچکس همتای او نیست.»

## ۳. ترجمه‌ی ذکرهای رکوع و سجود و برخی مستحبات

۱. سُبْحَانَ اللّٰهِ: «پاک و منزّه است خدا.»
۲. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ: «پاک و منزّه است پروردگار من که بزرگ است، و او را ستایش می‌کنم.»
۳. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰی وَ بِحَمْدِهِ: «پاک و منزّه است پروردگار من که برترین است، و او را ستایش می‌کنم.»
۴. سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ: «عنایت خدا متوجه آن کسی باد که تو را ستایش می‌کند.»
۵. اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ: «از خدا که پروردگار من است آمرزش می‌خواهم و به او باز می‌گردم.»
۶. بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَ اَقْعُدْ: «با اراده و نیروی خدا است که بر می‌خیزم و می‌نشینم.»

## ۴. ترجمه‌ی ذکرهای قنوت

۱. رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً: «پروردگارا! به ما نیکی در دنیا و نیکی در آخرت را عطا کن.»
۲. وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ: «و ما از عذاب آتش دور نگاهدار.»
۳. لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ: «نیست معبودی به جز خدای بردبار و بخشنده.»
۴. لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ: «نیست معبودی به جز خدای والا و بزرگ.»
۵. سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ: «پاک و منزّه است خدا که پروردگار هفت آسمان است.»
۶. وَ رَبِّ الْاَرْضِيْنَ السَّبْعِ: «و پروردگار هفت زمین است.»

۷. وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ: «و پروردگار هر چیزی است که در آنها یا مابین آنها است.»
۸. وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: «و پروردگار عرش بزرگ است.»
۹. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «و ستایش و سپاس مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است.»

#### ۵. ترجمه‌ی تسبیحات اربعه

۱. سُبْحَانَ اللَّهِ: «پاک و منزّه است خدا.»
۲. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ: «و سپاس و ستایش مخصوص خداست.»
۳. وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «و هیچ معبودی به جز خدا نیست.»
۴. وَ اللَّهُ أَكْبَرُ: «و خدا بزرگتر است.»

#### ۶. ترجمه‌ی تشهد و سلام

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ: «سپاس و ستایش مخصوص خدا است.»
۲. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «گواهی می‌دهم که هیچ معبودی نیست به جز خدا.»
۳. وَ حُدَّةً لَا شَرِيكَ لَهُ: «یکتا و بی شریک.»
۴. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ: «و گواهی می‌دهم که محمد بنده‌ی او و فرستاده‌ی اوست.»
۵. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: «خداوندا! درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد.»
۶. وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ: «و شفاعت او را قبول و درجه‌ی او را بلند فرما.»
۷. أَسْأَلُكَ عَلَيْهِمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ: «درود بر تو باد ای پیامبر! و رحمت خدا و برکات او از آن تو باد.»
۸. أَسْأَلُكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ: «درود بر ما و بندگان شایسته خدا.»
۹. أَسْأَلُكَ عَلَيْهِمُ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ: «درود بر شما (مؤمنان - فرشتگان) و رحمت خدا و برکات او از آن شما باد.»

#### ◆ مبطلات نماز

۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، مثل پوشش واجب یا غصبی نبودن مکان.
۲. باطل شدن وضو.
۳. پشت به قبله نماز خواندن.
۴. حرف زدن.
۵. دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می‌دهند.
۶. آمین گفتن بعد از حمد.
۷. خندیدن.
۸. گریه کردن.
۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن.
۱۰. خوردن و آشامیدن.

۱۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، مانند شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی.  
۱۲. کم و زیاد کردن ارکان، مانند کم و زیاد کردن رکوع.

#### توجه:

☞ به چیزهایی که نماز را باطل می‌کند «مبطلات نماز» می‌گویند.

#### ۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود

اگر در بین نماز، یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، از بین برود، مثلاً در حال نماز بفهمد که مکانش غصبی است یا پوشش واجب را ندارد، نماز باطل است.

#### ۲. باطل شدن وضو

اگر یکی از چیزهایی که وضو یا غسل را باطل می‌کند در اثنای نماز پیش بیاید، مانند آن که در وسط نماز به خواب برود یا بول و امثال آن از او خارج شود، نماز باطل است.

#### ۳. پشت به قبله نماز خواندن

اگر عمداً صورت و بدن خود را با هم یا به تنهایی از قبله بگرداند، به طوری که بتواند طرف راست و چپ خود را به آسانی ببیند، نمازش باطل است، و اگر سهواً هم این کار را بکند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است، ولی اگر اندکی صورت را به دو طرف بگرداند، نماز باطل نمی‌شود.

#### ۴. حرف زدن

اگر در نماز عمداً حرف بزند، حتی اگر یک کلمه باشد، نماز باطل است.

#### توجه:

☞ بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، اگر موجب خروج از هیأت نماز نشود اشکال ندارد مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد.

☞ اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیعاً» و یکی از آنها مشغول نماز باشد، چنانچه کس دیگری جواب وی را بدهد نماز گزار نباید اقدام به جواب گفتن کند.

☞ جواب دادن تحیتی که به صیغه‌ی سلام نیست، در حال نماز جایز نیست، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می‌کند احتیاط (واجب) جواب گفتن آن است.

#### چند نکته در ارتباط با سلام

☞ جواب سلام کودکان ممیز، اعم از پسر و دختر، مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

☞ اگر کسی سلام را بشنود ولی به دلیل غفلت یا هر سبب دیگر، جواب سلام را ندهد به طوری که زمان کمی فاصله شود، چنانچه تأخیر به مقداری باشد که جواب سلام و رد تحیت محسوب نشود، جواب دادن واجب نیست.

☞ اگر هنگام سلام دادن به جای «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» از لفظ «سلام» استفاده شود چنانچه عرفاً بر آن تحیت و سلام صدق نماید، جواب دادن واجب است.

☞ اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند، یک جواب کافی است، و اگر چند نفر در یک زمان، سلام دهند یک جواب به صیغه‌ی که شامل همه‌ی آنها گردد (مثل سلام علیکم) و به قصد جواب سلام آنها باشد

کفایت می‌کند.

## ۵. تکتف

دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام دهند جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

## ۶. آمین گفتن بعد از حمد

گفتن آمین بعد از قرائت سوره‌ی حمد جایز نیست (و نماز را باطل می‌کند) مگر در حال تقیه.

## ۷. خندیدن

خنده با صدا و عمدی (یعنی قهقهه) نماز را باطل می‌کند.

## ۸. گریه کردن

گریه با صدا و عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می‌کند ولی اگر از ترس خداوند یا برای امور اخروی گریه کند، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

## ۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن

کاری که صورت نماز را به هم بزند نماز را باطل می‌کند، مثل کف زدن و به هوا پریدن.

### توجه:

هرگاه در اثنای نماز برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او، مختصری دست یا چشم و ابرو را حرکت دهد به گونه‌ی که با استقرار و آرامش و یا هیأت نماز منافات نداشته باشد، نماز باطل نمی‌شود.

## چند نکته در ارتباط با مبطلات نماز

- بستن چشمها در نماز مانع شرعی ندارد (و نماز را باطل نمی‌کند)، گرچه مکروه است.
- مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز کراهت دارد، ولی نماز را باطل نمی‌کند.
- برای مکلف، اظهار حسد و کینه و دشمنی با دیگران جایز نیست، ولی این امور باعث بطلان نماز نمی‌شود.

## شکایات نماز

شکایات نماز ۲۳ قسم است:

(الف) ۸ قسم شکهای باطل.

(ب) ۶ قسم شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد.

(ج) ۹ قسم شکهای صحیح.

## الف) شکهایی که نماز را باطل می‌کند:

۱. شک در رکعتهای نماز دو رکعتی، مانند نماز صبح و نماز مسافر.

۲. شک در رکعتهای نماز ۳ رکعتی (مغرب).

۳. شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل این که شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.

۴. شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده‌ی دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد، مانند شک دو و سه، قبل از اتمام دو سجده.

۵. شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.

۶. شک بین سه و شش یا بیشتر از شش.

۷. شک بین چهار و شش یا بیشتر از شش.

۸. شک در عدد رکعت‌های نماز که اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.

### ب) شک‌هایی که اعتبار ندارد:

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۱. شک بعد از محل، مثل این که بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند.

۲. شک بعد از سلام.

۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز.

۴. شک کثیر الشک یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

۵. شک امام و مأوم.

۶. شک در نمازهای مستحبی.

### توجه:

✳ اگر شخصی بعد از چند سال شک کند که نمازهایش صحیح بوده یا نه، به شک خود اعتنا نکند؛ (زیرا به شک بعد از عمل اعتنا نمی‌شود).

✳ کثیرالشک باید بنابر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است، مگر آن که موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنابر عدم انجام آن می‌گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعت‌ها و افعال و اقوال نماز باشد (مثلاً اگر شک کند سجده یا رکوع به جا آورده یا نه، بنا بگذارد که به جا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، اما اگر شک کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است).

✳ شک در اقوال و افعال نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است به آن اعتنا می‌شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است به آن اعتنا نمی‌شود (مثلاً اگر شک در حمد یا رکوع کند، چنانچه از محل آن نگذشته است باید به جا آورد و اگر از محل آن نگذشته است اعتنا نکند).

### ج) شک‌هایی صحیح

شک در عدد رکعت‌های نمازهای چهار رکعتی در ۹ صورت صحیح است:

۱. شک میان دو و سه بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.

۲. شک میان دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.

۳. شک میان دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۴. شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۵. شک میان سه و چهار در هر جای نماز.
۶. شک میان چهار و پنج در حال ایستاده.
۷. شک میان سه و پنج در حال ایستاده.
۸. شک میان سه و چهار و پنج در حال ایستاده.
۹. شک میان پنج و شش در حال ایستاده.

### ❑ دو نکته در ارتباط با شکیات نماز

❖ تعداد رکعت‌های نماز احتیاط (که برای شک در رکعت‌های نماز به جا آورده می‌شود) به تعداد کمبود احتمالی در نماز است، بنابراین در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته واجب است.

❖ اگر کلمه‌یی از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غلط خوانده شود سجده‌ی سهو واجب نیست.

### ❖ نماز قضا

۱. هر کس نماز واجب را در وقت آن ترک کند باید قضای آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده یا به واسطه‌ی بیماری یا مستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی‌هوش بوده و بی‌هوشی به اختیار او نبوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.
۲. هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید آن را قضا کند، مثل شخصی که بر اثر جهل به حکم شرعی، غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است، بر وی قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده واجب است.
۳. قضای نمازهایی واجب است که یقین به ترک یا باطل بودن آنها دارد، اما اگر شک یا گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته را ترک کرده یا باطل خوانده واجب نیست که قضای آن را به جا آورد.
۴. در نماز قضا ترتیب واجب نیست جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز، همچنین دوره کردن نماز به معنای تکرار نماز برای احراز ترتیب لزومی ندارد، بنابراین کسی که قصد دارد نماز قضای یک‌سال را بخواند می‌تواند آنها را به ترتیب زیر به جا آورد: ابتدا مثلاً بیست بار نماز صبح، بعد بیست بار هر یک از نماز ظهر و عصر و سپس بیست بار هر یک از نماز مغرب و عشا و تا یک‌سال به همین صورت ادامه دهد، همانطور که می‌تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه‌ی یومیه را می‌خواند آن را ادامه دهد.
۵. کسی که چند نماز او قضا شده و شماره‌ی آنها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند (یعنی همان مقداری که یقین به قضا شدن آن دارد).
۶. اگر شخصی سه بار غسل جنابت کند، مثلاً در روزهای بیستم، بیست و پنجم و بیست و هفتم ماه و بعد یقین کند که یکی از آن غسلها باطل بوده است بنابر احتیاط واجب باید نمازها را به طوری که یقین به



فراغت ذمه پیدا کند قضا نماید.

۷. نوافل و نمازهای مستحب به جای نماز قضا محسوب نمی‌شود و کسی که نماز قضا بر عهده‌ی او باشد، واجب است آن را به نیت نماز قضا بخواند.

۸. افرادی که در حال حاضر قادر به قضای همه نمازهای فوت شده نیستند واجب است به هر مقدار که قدرت دارند، قضا و هر مقداری که قادر نیستند وصیت نمایند.

### نماز استیجاری

۱. هیچ کس نمی‌تواند نماز قضای دیگری را که در حال حیات است به جا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، اما بعد از مردن مانعی ندارد، و شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش، به هر نحو که می‌تواند انجام دهد و نماز نایب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست.

۲. در نماز استیجاری ذکر خصوصیات میت لازم نیست، و رعایت ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا شرط است، و هرگاه در عقد اجاره، کیفیت خاصی بر اجیر شرط نشده باشد (مثلاً نگفته باشند نماز را باید در مسجد یا فلان ساعت بخواند) و کیفیت معهودی که اطلاق عقد اجاره به آن انصراف پیدا کند هم وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحباتی که انجام آن متعارف است بخواند، ولی واجب نیست که برای هر نمازی اذان بگوید.

### نماز قضای پدر و مادر

۱. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهایی که از پدر و مادرش فوت شده و از روی طغیان و نافرمانی نبوده، بعد از مرگ آنها به جا آورد، بلکه اگر از روی طغیان و نافرمانی هم ترک کرده باشد بنابر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند.

۲. اگر پدر یا مادری اصلاً نماز نخوانده باشد بنابر احتیاط واجب در این صورت هم قضای نمازها بر پسر بزرگتر واجب است.

۳. منظور از پسر بزرگتر، بزرگترین پسری که بعد از مرگ پدر و مادر در حال حیات است می‌باشد، بنابراین اگر پسر بزرگ - چه بالغ باشد یا غیر بالغ - قبل از پدر و مادر فوت کند تکلیف قضای نماز پدر و مادر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات آنها زنده باشد.

۴. ملاک واجب بودن قضای نماز پدر و مادر این است که فرزند مذکر از دیگر اولاد میت - اگر میت اولاد ذکور داشته باشد - بزرگتر باشد، بنابراین اگر فرزند بزرگ میت، دختر و فرزند دوم او پسر باشد قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر که فرزند دوم است واجب است.

۵. هرگاه شخص دیگری نمازهای پدر و مادر را قضا کند از پسر بزرگتر ساقط می‌شود.

۶. بر پسر بزرگتر واجب است آن مقدار از نمازهایی را که یقین دارد از پدر و مادرش فوت شده است قضا کند و اگر نمی‌داند که از پدر یا مادرش نماز قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی‌باشد.

۷. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهای پدر و مادرش را به هر صورتی که امکان دارد قضا کند و اگر از انجام آن حتی از اجیر گرفتن برای انجام آن هم عاجز باشد معذور است.

۸. کسی که خودش نماز قضا دارد و نماز پدر و مادر نیز بر او واجب شده، در انجام هر یک مخیر است و به عبارت دیگر هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.
۹. اگر پسر بزرگتر پس از فوت پدر و مادر از دنیا برود بر دیگران تکلیفی نیست، بنابراین قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر و یا برادر پسر بزرگتر واجب نمی‌شود.

### ● مشروعیت و اهمیت نماز جماعت

۱. نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعایر اسلامی است و دست کم با دو نفر (یک امام و یک مأموم) منعقد می‌شود.
۲. اگر امام جماعت بدون قصد امامت، مشغول نماز شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد، و به عبارت دیگر در تحقق جماعت، فقط کافی است که مأموم نیت اقتدا داشته باشد و نیت امامت برای امام، معتبر نیست، هر چند درک فضیلت نماز جماعت برای امام در صورتی است که قصد امامت و جماعت کند.
۳. امامت به نیت نماز قضای احتیاطی صحیح نیست، بنابراین فردی که می‌خواهد یک نماز را در مکان‌های به عنوان امام جماعت اقامه کند نمی‌تواند آنها را به نیت نماز قضای احتیاطی به جا آورد.
۴. رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، بنابراین اقتدا کردن به کسی که راضی به این کار نیست اشکال ندارد.
۵. اقتدا به مأموم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می‌دهد صحیح نیست، ولی زمانی که انسان نداند که او مأموم است و به وی اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه‌ی نماز گزار منفرد عمل کرده، بدین معنی که رکعی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است.
۶. تکرار نماز جماعت برای یک‌بار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه مستحب است، اما بیش از یک‌بار جایز نیست، بنابراین یک امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه‌ی جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.
۷. در نمازهای یومیه هر نمازی را می‌توان با هر نماز اقتدا کرد، مثلاً کسی که قصد خواندن نماز عشا دارد می‌تواند به کسی که نماز مغرب می‌خواند اقتدا کند.
۸. حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد و ثواب جماعت دارد.
۹. شرکت در نماز جماعتی که از نظر مأموم واجد شرایط اقتدا و جماعت است اشکال ندارد، هر چند نزدیک مسجدی باشد که در همان زمان در آن نماز جماعت برگزار می‌شود. بلی مناسب است که مؤمنین در یک مکان اجتماع کرده و همگی در یک نماز جماعت شرکت کنند تا بر عظمت مراسم دینی نماز جماعت افزوده شود و سزاوار است که اقامه‌ی نماز جماعت وسیله‌ی وحدت و انس باشد نه باعث ایجاد جو اختلاف و تفرقه، و اگر نماز جماعت نزدیک مسجد باعث اختلاف و پراکندگی شود جایز نیست.
۱۰. اگر موقعی به جماعت رسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواید به ثواب نماز جماعت برسد باید نیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و بعد بنشیند و تشهد نماز را با امام بخواند، ولی سلام نگوید و کمی صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید، بعد بایستد و نماز را ادامه بدهد یعنی حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. (این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درک ثواب جماعت است و نمی‌توان آن را در تشهد رکعت دوم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی انجام داد.)
۱۱. اختلاف در تقلید مانع از صحت اقتدا نیست، بنابراین کسی که در نماز مسافر مقلد مجتهدی است

می‌تواند به امام جماعتی که در آن مسأله مقلد مرجع دیگری است اقتدا نماید، ولی اقتدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلید مأموم، قصر است و طبق فتوای مرجع تقلید امام جماعت تمام است یا بالعکس صحیح نیست.

### توجه:

✳️ افرادی که هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فردی می‌کنند، اگر این عمل تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند محسوب شود جایز نیست. ✳️ شرکت ظاهری در نماز جماعت برای یک غرض عقلایی، مثل دفع تهمت اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن حمد و سوره در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، مثل نماز مغرب و عشا برای اظهار اقتدا به امام جماعت، صحیح و مجزی نیست.

✳️ انجام کارهای مستحبی، مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاهای طولانی که قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نمازخانه‌ی ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از جماعت طول می‌کشد اگر منجر به تضييع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود اشکال دارد.

✳️ جایز نیست امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد، مگر آن که برای مقدمات حضور در جماعت باشد.

✳️ در نماز جماعت بعد از سلام، قرائت آیه ۱ و ذکر صلوات بر پیامبر(ص) و آل او(ع) نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد. همچنین مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است هم مطلوب است.

✳️ بهتر است برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه‌ی تنظیم شود که کارکنان اماکن نظامی، ادارات و مانند آن بتوانند این فریضه‌ی الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

### ✳️ شرایط نماز جماعت

الف (نبودن حایل).

ب (بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأموم.

ج (نبودن فاصله میان امام و مأموم.

د (جلوتر نایستادن مأموم از امام.

الف (نبودن حایل

۱. اگر یکی از صفهای نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نمازشان قصر است و نماز همه‌ی افراد صف بعدی تمام باشد، اگر افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند، مانعی برای ادامه جماعت نخواهد بود.

۲. اگر تعدادی از افراد غیر بالغ بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشند و بعد از آنها تعدادی از افراد مکلف ایستاده باشند، نماز مکلفین صفهای بعدی اشکال ندارد.

### توجه:

✳️ زنان اگر پشت سر مردان ولو بدون فاصله بایستند احتیاجی به حایل و پرده نیست، ولی اگر در کنار مردان

بایستند سزاوار است که حایلی بین آنها باشد تا کراهت کنار هم ایستادن مردان و زنان در نماز بر طرف شود، و این که وجود حایل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می‌شود توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد .

**ب (بلندتر نبودن جای ایستادن امام و مأوم)**  
اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأومین بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است، موجب بطلان نماز جماعت می‌شود.

**ج (نبودن فاصله میان امام و مأوم)**  
اگر مأوم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، چنانچه مأومینی که بین او و امام ایستاده‌اند بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد به طور کامل آماده‌ی اقتدا کردن باشند می‌تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.

### ❖ احکام نماز جماعت

۱. قرائت حمد و سوره برای مأوم در نمازهای ظهر و عصر جایز نیست، حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.
۲. اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأوم در رکعت دوم، بر مأوم واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.
۳. اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت برسد و بر اثر جهل به مسأله، تشهد و قنوت را در رکعت بعد به‌جا نیاورد نمازش صحیح است ولی بنا بر احتیاط قضای تشهد بر او واجب است و نیز بر او واجب است دو سجده سهو به‌جا آورد.
۴. کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است چیزی نخواند، اگر قبل از رکوع متوجه شود واجب است حمد و سوره را قرائت کند، ولی اگر بعد از این که داخل رکوع شد متوجه شود نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده‌ی سهو برای ترک سهوی قرائت به‌جا آورد.
۵. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیره الاحرام به رکوع برود چنانچه مأوم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است که نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.
۶. اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شک کند و بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است نماز او و مأومین محکوم به صحت است.
۷. اقتدا به اهل سنت برای رعایت وحدت اسلامی جایز است و اگر حفظ وحدت، مقتضی انجام کارهایی باشد که آنها انجام می‌دهند نماز صحیح و مجزی است، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف (دست بسته نماز خواندن) در نماز جایز نیست، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

### ❖ شرایط امام جماعت

الف (بالغ بودن)

ب (عاقل بودن)

ج (عادل بودن).

د (حلال زاده بودن).

هـ (شیعه‌ی دوازده امامی بودن).

و (نماز را صحیح خواندن).

ز (مرد بودن) البته در صورتی که مأموم مرد باشد.

در مورد معنای «عدالت» و «عادل» به «شرایط مرجع تقلید» رجوع کنید.

### الف) عادل بودن

۱. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، در صورتی که مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی‌زند.

۲. صرف ترک امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عذر مقبولی نزد مکلف باشد، به عدالت وی ضرر نمی‌زند و مانع اقتدا به او نیست.

۳. شخصی که اعتقاد به عدالت امام جماعتی دارد و در عین حال معتقد است وی در مواردی به او ظلم کرده است تا برایش احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می‌شمارد با علم و اختیار و بدون مجوّز شرعی بوده مجاز نیست که حکم به فسق او نماید.

### توجه:

در اقتدا به امام جماعت، شناخت واقعی او شرط نیست بلکه همین که عدالت امام نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

### و) نماز را صحیح خواندن

۱. اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند.

۲. اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم، صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتدا، نماز او صحیح نیست و اعاده‌ی آن واجب است.

### ز) مرد بودن

امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

### چند نکته در ارتباط با شرایط امام جماعت

با دسترسی به روحانی، از اقتدا به غیر روحانی اجتناب شود.

اگر امام جماعت، استقرار و آرامش در قیام به صورت طبیعی داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در قطع کامل دست یا پا و یا فلج بودن آنها امامت محل اشکال است ولی در قطع انگشت ابهام (شست) پا، امامت

صحیح است.

فردی که شرعاً از انجام غسل معذور باشد می‌تواند با تیمم بدل از غسل، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد.

نماز مأمومینی که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به فردی اقتدا کرده‌اند که اقتدا به او صحیح نبوده، مثل فردی که دست راست نداشته است، محکوم به صحت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست.

### مسائل متفرقه‌ی نماز

۱. در رابطه با بیدار کردن افراد خانواده برای خواندن نماز صبح، کیفیت خاصی وجود ندارد.
۲. مستحب است ولیّ اطفال، احکام شرعی و عبادات را پس از رسیدن آنان به سن تمییز به ایشان یاد دهد.
۳. منظور از این که شارب خمر تا چهل روز نمازش، نماز نیست این است که شرب خمر، مانع از قبول نماز است نه این که با شرب خمر، وجوب ادای نماز ساقط شود و قضا واجب گردد یا جمع بین ادا و قضا لازم شود.
۴. مصافحه بعد از سلام و فراغت از نماز اشکال ندارد و به طور کلی مصافحه‌ی مؤمنین با هم مستحب است.
۵. اگر انسان مشاهده کند فردی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می‌دهد، در این مورد چیزی بر او واجب نیست، مگر این که اشتباه ناشی از جهل او به حکم آن باشد که در این صورت احتیاط (واجب) ارشاد و راهنمایی وی است.

### نماز جمعه

#### الف) حکم نماز جمعه

۱. نماز جمعه که در روزهای جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود در عصر حاضر (زمان غیبت امام(عج)) واجب تخییری است، ولی در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود.

#### توجه:

- معنای واجب تخییری این است که مکلف در ادای فریضه‌ی واجب ظهر روز جمعه، بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.
- هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به صرف عذرهای واهی محروم سازند.
- شرکت زنان در نماز جمعه اشکال ندارد و دارای ثواب جماعت است.
- خودداری از شرکت در نماز عبادی سیاسی جمعه به صورت دائم، وجه شرعی ندارد و اگر ترک حضور و شرکت نکردن در آن به خاطر اهمیت ندادن به آن باشد شرعاً مذموم است.
- کسی که در نماز جمعه شرکت نکرده است می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند و واجب نیست صبر کند تا نماز جمعه تمام شود.

❁ اقامه‌ی نماز جماعت ظهر، همزمان با اقامه‌ی نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه‌ی نماز فی نفسه اشکال ندارد و موجب براءت ذمه‌ی مکلف از فریضه‌ی ظهر جمعه می‌شود؛ زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به این که اقامه‌ی نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکان نزدیک محل اقامه‌ی نماز جمعه باعث تفرقه‌ی صفوف مؤمنین می‌شود و چه بسا در نظر مردم بی احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی‌اعتنایی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است که مؤمنین اقدام به انجام آن نکنند و بلکه در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد واجب است از اقامه‌ی آن اجتناب نمایند.

۲. نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است. (به عبارت دیگر نماز جمعه جانشین نماز ظهر جمعه می‌شود).

#### توجه:

❁ نماز جمعه هر چند مجزی از نماز ظهر است، ولی خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد، حتی اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد نماز جمعه نخواند، و اگر بخواهد با مراعات احتیاط در خواندن نماز ظهر پس از خواندن نماز جمعه، نماز عصر را به جماعت بخواند احتیاط کامل این است که به کسی اقتدا نماید که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه خوانده است.

❁ شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان شوراهای اسلامی در کشورهای اروپایی و غیر آنها برگزار می‌شود، و بیشتر شرکت‌کنندگان در آن و همچنین امام جمعه از برادران اهل سنت هستند برای حفظ وحدت و اتحاد مسلمانان اشکال ندارد و در این صورت خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه واجب نیست. ❁ نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.

❁ مجروحان جنگی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت نگهداری بول را ندارند جایز است در نماز جمعه شرکت کنند، ولی با توجه به این که بر آنان واجب است که بعد از وضو گرفتن بدون فاصله‌ی زمانی، شروع به خواندن نماز کنند، بنابراین وضوی قبل از خطبه‌های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدثی از آنان سر نزنند .

#### ب) (شرایط نماز جمعه

۱. به جماعت خواندن.

۲. حداقل پنج نفر بودن، یک نفر امام و چهار نفر مأموم.

۳. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف.

۴. بین دو نماز جمعه، حداقل یک فرسخ فاصله بودن.

۱. به جماعت خواندن: از شرایط صحت نماز جمعه، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه

به نحو فرادی، هر چند در کنار کسانی که آن را به صورت جماعت بر گزار می‌کنند، صحیح نیست.

۳. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف: تمام شرایطی که در

نماز جماعت باید رعایت شود در نماز جمعه هم معتبر است، مانند اتصال صفوف.

#### توجه:

❖ امام جمعه باید عادل باشد، از این رو اقتدا به کسی که او را عادل نمی‌داند و یا در عدالت وی شک دارد صحیح نیست و نماز جمعه‌ی او هم صحیح نمی‌باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جمعه برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت - چه در نماز جمعه شرکت کند یا نکند- حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه نماید.

❖ اگر شک در عدالت امام جمعه یا یقین به عدم عدالت وی بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده‌ی آنها واجب نیست.

❖ نصب امام جمعه به امامت جمعه اگر موجب وثوق و اطمینان مأموم به عدالت وی شود در صحت اقتدا به او کافی است.

❖ صرف کشف خلاف چیزی که امام جمعه گفته، دلیل بر دروغگویی او نیست؛ زیرا ممکن است گفته‌ی او از روی اشتباه یا خطا و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به صرف توهم خروج امام جمعه از عدالت، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.

❖ امام جمعه در هر نقطه از جهان اسلام را باید حاکم عادل اسلامی معین کند.

❖ امام جمعه‌ی منصوب در صورت نبود مانع یا معارض جایز است نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آنجا نصب شده اقامه نماید.

❖ جایز است امام جمعه‌ی منصوب، شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب نماید، ولی بر امامت فرد نایب، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی‌شود.

❖ اقامه‌ی نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه‌ی منصوب و اقتدای امام منصوب به نایب خود اشکال ندارد.

۴. بین دو نماز جمعه حداقل یک فرسخ فاصله بودن: فاصله‌ی دو نماز جمعه باید کمتر از یک فرسخ نباشد که اگر در کمتر از یک فرسخ، دو نماز جمعه خوانده شود نماز اولی صحیح و دومی باطل است و در صورتی که مقارن هم اقامه شوند هر دو باطل می‌باشند.

### ج (وقت نماز جمعه)

وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید (اول ظهر) شروع می‌شود و احتیاطاً (واجب) آن است که آن را از اوایل عرفی وقت نماز ظهر در حدود یکی دو ساعت به تأخیر نیندازند.

### د (کیفیت نماز جمعه)

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.

۲. مستحب است قرائت نماز جمعه بلند، و در رکعت اول سوره‌ی جمعه و در رکعت دوم، سوره‌ی منافقون خوانده شود، و همچنین مستحب است خواندن دو قنوت یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.



## توجه:

✦ هرگاه کسی به خطبه‌های نماز جمعه نرسد و در نماز شرکت کند نماز او صحیح است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک نماید.

✦ عنوان ائمه مسلمین (که در خطبه‌ی دوم نماز جمعه، امام جمعه بر آنها درود می‌فرستد) شامل حضرت زهرا (س) نمی‌شود و ذکر نام مبارک آن حضرت در خطبه‌ی نماز جمعه واجب نیست، ولی تبرک جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد بلکه امری پسندیده و موجب اجر و ثواب است.

✦ خطبه‌های نماز جمعه را می‌توانند قبل از ظهر ایراد کنند، گرچه احتیاط (مستحب) آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد و احوط (احتیاط بیشتر) آن است که تماماً بعد از دخول وقت ایراد شود.

## ■ چند نکته در ارتباط با نماز جمعه

✦ انجام هر گونه کاری که منجر به بروز اختلاف بین مؤمنین و پراکندگی صفوف آنان شود جایز نیست، چه رسد به مثل نماز جمعه که از شعایر اسلامی و از مظاهر وحدت صفوف مسلمانان است.

✦ اقتدا در نماز عصر روز جمعه به غیر امام جمعه اشکال ندارد.

✦ اقتدا به امام جمعه در نماز جمعه برای خواندن نماز واجب دیگر از نظر صحت، محل اشکال است.

## ✦ نماز آیات

### الف) اسباب شرعی وجوب نماز آیات

نماز آیات در چهار صورت واجب می‌شود:

۱. کسوف خورشید، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۲. خسوف ماه، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۳. زلزله.
۴. هر حادثه‌ی غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه و یا زرد که غیر عادی باشند، تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و ریختن کوه، صیحه‌ی آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می‌شود.

## توجه:

✦ در غیر از کسوف و خسوف و زلزله باید آن حادثه، موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه‌ی که ترس‌آور نباشد و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری گردد، اعتبار ندارد.

✦ وجوب نماز آیات مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه هستند و کسی هم که در شهر متصل به شهری که حادثه در آن رخ داده، به طوری که مانند یک شهر محسوب شوند، زندگی می‌کند حکم آنها را دارد.

✦ اگر مرکز زلزله نگاری، وقوع لرزشهای خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه‌ی اعلام نماید، ولی فردی که در آنجا زندگی می‌کند هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن اصلاً آنها را احساس نکند، نماز آیات بر او واجب نیست.

✨ هر زلزله‌یی چه شدید و چه خفیف - حتی پس لرزه - اگر زلزله‌ی مستقلی محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌یی دارد.

### ✨ (ب) کیفیت نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و به چند صورت می‌توان آن را به جا آورد:

۱. **صورت اول:** بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

۲. **صورت دوم:** بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک آیه یا کمتر از آن از سوره‌یی را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه‌ی دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه‌ی دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌یی که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود، سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه‌یی از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره‌یی اکتفا کند، نباید سوره‌ی حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

### توجه:

✨ بنا بر احتیاط واجب «بسم الله الرحمن الرحيم» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.

۳. **صورت سوم:** یکی از رکعتها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر به جا آورد.

۴. **صورت چهارم:** سوره‌یی را که آیه‌یی از آن در قیام پیش از رکوع اول خوانده، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع، سوره‌ی حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا آیه‌یی از آن را اگر پیش از رکوع سوم یا چهارم است، قرائت کند و در این صورت واجب است که آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

### ✨ نماز عید فطر و قربان

۱. نماز عید فطر و قربان در عصر حاضر (که زمان غیبت کبری است) واجب نیست، بلکه مستحب است.
۲. نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و

- بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده به جا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.
۳. کوتاه یا طولانی خواندن قنوت‌های نماز عید اشکالی ندارد و موجب بطلان نماز نمی‌شود، ولی کم یا زیاد کردن تعداد آنها جایز نیست.
۴. نماز عید اقامه ندارد و اگر امام جماعت برای نماز عید اقامه به جا آورد به صحت نماز او و مامومین ضرری نمی‌رساند.
۵. جایز است نمایندگان ولی فقیه که از طرف وی مجاز در اقامه‌ی نماز عید هستند و همچنین ائمه‌ی جمعه‌ی منصوب از طرف او نماز عید را در عصر حاضر (که امام(عج) غایب است) به صورت جماعت اقامه نمایند، ولی احوط (وجوبی) این است که غیر آنان نماز عید را فرادی بخوانند و به جماعت خواندن آن به قصد رجا نه به قصد ورود اشکال ندارد. بلی اگر مصلحت اقتضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود بهتر است که غیر از امام جمعه‌ی منصوب از طرف ولی فقیه کسی متصدی اقامه‌ی آن نشود.
۶. نماز عید قضا ندارد.
۷. تکرار نماز جماعت به خاطر مأمومین دیگر در نماز عید اشکال دارد .



1393/04/08

رساله آموزشی | احکام روزه

مجموعه احکام KHAMENEI.IR به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، پایگاه اطلاع‌رسانی

است، منتشر می‌نماید روزه را که برگرفته از کتاب رساله آموزشی

در این مجموعه‌ی آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله‌ی «اجوبه‌ی الإستفتائات»، استفتائات جدید نیز اضافه و از جزوه‌های دروس خارج فقه معظم‌له نیز بهره گرفته شده است، تا بر غنای آموزشی مجموعه، بر طبق اسلوب و بیان معظم‌له اضافه شود.

شایان ذکر است که دفتر استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این رساله‌ی آموزشی را تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام کرده است. آنچه در زیر می‌آید "دروس پنجاه و هشتم تا شصت و پنجم" جلد اول رساله‌ی آموزشی است.



## ۱. معنای روزه

«روزه» در شرع مقدس اسلام آن است که انسان در تمام روز (از طلوع فجر تا غروب آفتاب) با قصد اطاعت از فرمان خداوند از خوردن و آشامیدن و چیزهای دیگری که به تفصیل گفته خواهد شد خودداری کند.  
توجه:

- ✦ معیار شرعی در مورد وقت روزه، فجر صادق است نه کاذب، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.
- ✦ در طلوع فجر (وقت وجوب امساک برای روزه گرفتن) فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.
- ✦ مقتضی است که مؤمنین محترم «أَيَّدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى» جهت رعایت احتیاط در امساک روزه، همزمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند.
- ✦ هرگاه برای روزه‌دار اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده جایز است به صرف شروع اذان، افطار نماید و صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست.

## ۲. انواع روزه

روزه از یک نظر بر چهار نوع است:

۱. روزهی واجب، مثل روزهی ماه مبارک رمضان.
۲. روزهی مستحب، مثل روزهی ماه رجب و شعبان.
۳. روزهی مکروه، مثل روزهی روز عاشورا.
۴. روزهی حرام مثل روزهی عید فطر (اول ماه شوال) و قربان (دهم ماه ذی‌الحجه).

توجه:

- ✦ کسی که می‌داند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه‌ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته‌ی پزشک امین یا از منشأ عقلایی دیگر.
- ✦ ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه‌دار نسبت

به خودش است، بنابراین اگر پزشک بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه بگیرد، همچنین اگر پزشک بگوید روزه ضرر ندارد ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

✳️ هرگاه عقیده‌اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به جا آورد.

✳️ پزشکی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند گفته‌ی ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت اعتباری ندارد.

### ۳. روزه‌های واجب

۱. روزه‌ی ماه مبارک رمضان.

۲. روزه‌ی قضا.

۳. روزه‌ی کفاره.

۴. روزه‌ی قضای پدر و مادر.

۵. روزه‌ی مستحبی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم واجب شده است.

۶. روزه‌ی روز سوم از ایام اعتکاف.

۷. روزه‌ی بدل از قربانی در حج تمتع

### ۴. شرایط وجوب روزه

بلوغ

عقل

قدرت

بی هوش نبودن

مسافر نبودن

حایض و نفسا نبودن

ضرری نبودن روزه

حرجی نبودن روزه

**توجه:**

✳️ روزه بر افرادی واجب است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه بر کودک نابالغ، دیوانه، بیهوش، فردی که توانایی گرفتن روزه ندارد، مسافر، زن حایض و نفسا، کسی که روزه برای او ضرر یا حرج (مشقت زیاد) دارد واجب نیست. (توضیح بیشتر در درسهای بعدی خواهد آمد).

✳️ انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود می‌تواند روزه را بخورد، و همچنین اگر برای او ضرر یا خوف ضرر داشته باشد، بنابراین دخترانی که به

سن بلوغ - که بنا به نظر مشهور همان تکمیل نه سال قمری است - می‌رسند واجب است روزه بگیرند و ترک آن به صرف دشواری، ضعف جسمانی و مانند آن جایز نیست. بلی اگر برای آنها ضرر داشته و تحمل آن برای ایشان همراه مشقت زیاد باشد می‌توانند افطار کنند.

## ۵. شرایط صحت روزه

۱. اسلام
۲. ایمان
۳. عقل
۴. بی هوش نبودن
۵. مسافر نبودن
۶. حیض و نفسا نبودن
۷. ضرری نبودن
۸. داشتن نیت
۹. ترک مفطرات
۱۰. روزه‌ی قضا نداشتن (البته این شرط برای کسی است که می‌خواهد روزه‌ی مستحبی بگیرد).

### توجه:

روزه از افرادی صحیح است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه‌ی کافر، دیوانه، بی‌هوش، مسافر، حیض و نفسا، روزه‌ی که برای فرد ضرر دارد، یا در آن نیت روزه نکرده یا یکی از مفطرات را عمداً انجام داده باطل است، همچنین روزه‌ی مستحبی کسی که روزه‌ی قضا دارد صحیح نیست.

## ۶. نیت روزه

### الف) معنی و لزوم نیت

روزه مانند همه‌ی عبادت‌های دیگر باید با نیت همراه باشد، بدین معنی که خودداری انسان از خوردن و آشامیدن و سایر چیزهای باطل‌کننده‌ی روزه، به خاطر دستور خداوند باشد و همین که چنین عزمی در او باشد کافی است و لازم نیست آن را بر زبان بیاورد.

### ب) زمان نیت

روزه‌های مستحبی: از اول شب تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد.  
روزه‌های واجب:

۱. واجب معین، مثل روزه‌ی ماه رمضان

الف) تا قبل از طلوع فجر: صحیح است.

ب) تا قبل از زوال:

از روی عمد: صحیح نیست.

از روی فراموشی یا بی اطلاعی: بنا بر احتیاط واجب نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزهی آن روز را قضا نماید.

(ج) بعد از زوال: کافی نیست.

۲. واجب غیرمعین، مثل روزهی قضاى ماه رمضان

(الف) تا قبل از زوال: صحیح است.

(ب) بعد از زوال: صحیح نیست.

۱. از آن جا که شروع روزه از اول فجر است، نیت آن هم باید از آن لحظه به تأخیر نیفتد، و بهتر آن است پیش از فرا رسیدن فجر، نیت روزه کند.

۲. اگر اول شب نیت کرد که فردا روز بگیرد و پس از آن به خواب رفت و تا بعد از اذان صبح بیدار نشد یا سرگرم کاری بود و از فرا رسیدن صبح غافل بود، و پس از آن توجه یافت، روزهی او صحیح است.

۳. کسی که در ماه رمضان، هنگام فرا رسیدن اذان صبح، عمداً نیت روزه نمی کند، اگر در اثنای روز نیت روزه کند، روزه اش باطل است و در عین حال باید تا غروب آن روز از همه چیزهای باطل کنندهی روزه اجتناب کند و بعد از ماه رمضان هم قضاى آن روز را به جا آورد.

۴. کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بی اطلاعی، نیت روزه نکرده و در اثنای روز ملتفت شود، در صورتی که کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، روزهی آن روز باطل است ولی تا غروب از کارهای باطل کنندهی روزه خودداری کند، اما چنانچه تا هنگامی که ملتفت روزه می شود کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد اگر بعد از ظهر است روزه باطل است، و اگر پیش از ظهر است بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزهی آن روز را قضا کند.

۵. اگر برای روزهی واجب غیر ماه رمضان، مانند روزهی کفاره یا قضا تا نزدیک ظهر نیت نکند، چنانچه تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، می تواند نیت کند و روزهی او صحیح است.

۶. روزهی مستحبی را در هر وقت از روز که به فکر روزه بیفتد می تواند نیت کند و روزهی او صحیح است، مشروط بر این که تا آن لحظه کاری که موجب باطل شدن روزه است از او سر نزده باشد.

۷. کسی که روزهی قضاى ماه رمضان بر او واجب است نمی تواند روزهی مستحبی بگیرد حتی اگر زمانی که وقت نیت روزهی واجب تمام شده است (یعنی بعد از ظهر) هم نیت روزهی مستحبی کند صحیح نیست، و چنانچه فراموش کند و روزهی مستحبی بگیرد در صورتی که در اثنای روز (چه پیش از ظهر باشد یا بعد از ظهر) یادش بیاید روزهی مستحبی او باطل می شود، حال اگر پیش از ظهر باشد می تواند نیت روزهی قضاى ماه رمضان کند و روزه اش درست است.

### توجه:

❖ کسی که روزهی قضاى ماه رمضان بر ذمه دارد اگر به نیت استحباب روزه بگیرد، به جای روزهی قضایی که بر عهده اش هست محسوب نمی شود.

❖ کسی که نمی داند روزهی قضا بر عهده دارد یا نه، اگر به نیت آنچه که شرعاً مأمور به آن است اعم از روزهی

قضا یا مستحبی، روزه بگیرد و در واقع روزهی قضا بر عهده‌اش باشد به عنوان روزهی قضا محسوب می‌شود.

۸. اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست که نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل می‌کند از او سر نزده باشد احتیاطاً مستحب آن است که نیت روزه کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن روز را قضا کند.

### ج) نیت در یوم‌الشک

روزی که انسان شک دارد که آخر شعبان است یا اول ماه رمضان (یوم‌الشک) واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزهی رمضان کند، بلکه می‌تواند قصد روزهی مستحبی آخر شعبان یا روزهی قضا و مانند آن کند و اگر بعداً معلوم شود که رمضان بوده از رمضان حساب می‌شود و قضای آن روز لازم نیست، و اگر در اثنای روز بفهمد که ماه رمضان است باید از همان لحظه نیت روزهی رمضان کند.

### د) استمرار در نیت

۱. در روزه، واجب است نیت، استمرار داشته باشد.

۲. آنچه استمرار در نیت را به هم می‌زند :

الف) نیت قطع روزه (یعنی در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به طوری که قصد ادامه‌ی روزه نداشته باشد): روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره‌ی او برای ادامه‌ی روزه فایده ندارد. البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری کند.

ب) تردید در ادامه‌ی روزه (به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را هم باطل کند)

ج) نیت قاطع (یعنی تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده است)

در صورت (ب) و (ج)، احتیاطاً واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید.

### توجه:

آنچه گفتیم در ارتباط با روزهی واجب معین از قبیل روزهی ماه رمضان و نذر معین و مانند آن است، اما در روزه‌های مستحب و نیز روزه‌های واجب غیر معین که وجوب آن مخصوص به روز معینی نیست اگر تصمیم بر قطع روزه بگیرد ولی کاری که روزه را باطل می‌کند از او سر نزند و بعداً دوباره تا پیش از ظهر - و در مستحب تا غروب - نیت روزه کند روزهی او صحیح است.

### ۷. مفطرات روزه

۱. خوردن و آشامیدن.

۲. جماع (آمیزش جنسی).

۳. استمناء (خودارضایی جنسی).

۴. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) (بنابر احتیاط واجب).



۵. رساندن غبار غلیظ به حلق (بنابر احتیاط واجب).
۶. فرو بردن تمام سر در آب (بنابر احتیاط واجب).
۷. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.
۸. اماله (تنقیه) کردن با مایعات.
۹. قی کردن عمدی.

### توجه:

☞ به کارهایی که روزه را باطل می‌کند «مفطرات روزه» می‌گویند.

### خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه‌دار عمداً و آگاهانه چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌ی او باطل می‌شود، خواه آن چیز از خوراکیها و آشامیدنیهای معمول باشد و خواه از چیزهای غیر خوراکی مانند کاغذ یا پارچه و امثال آن، و خواه زیاد باشد یا کم، مانند قطره‌های بسیار کوچک آب یا خرده‌ی کوچکی از نان.
۲. اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر علم به وجود باقیمانده‌ی غذا در لای دندانها و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته و یا فرو رفتن آن عمدی و با التفات نبوده روزه باطل نمی‌شود.
۳. خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی‌کند و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب و مستحب نیست.
۴. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند.
۵. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولهای مقوی یا مغذی، یا آمپولهایی که به رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سیرم‌ها خودداری کند، ولی تزریق آمپول در عضله یا برای بی حس کردن و نیز دارو گذاشتن در زخمها و جراحتهای اشکال ندارد.
۶. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از مواد مخدری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.
۷. اگر موقعی که مشغول خوردن غذا است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون بیاورد، و اگر عمداً آن را فرو ببرد روزه‌اش باطل است. (وظیفه‌ی کسی که عمداً روزه را باطل کرده است بعداً گفته خواهد شد).
۸. فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.
۹. هرگاه خوردن قرص در حال روزه برای درمان فشار خون ضروری باشد اشکال ندارد، ولی با خوردن آن، روزه باطل می‌شود. (بر استفاده از قرص جهت درمان، عنوان خوردن صدق می‌کند).
۱۰. خونی که از لثه بیرون می‌آید تا آن را فرو نبرده است روزه باطل نمی‌شود و چنانچه در آب دهان مستهلک شود (و از بین برود) محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نخواهد بود، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر

نخواهد زد.

**توجه:**

☛ به صرف بیرون آمدن خون از دهان، روزه باطل نمی‌شود، ولی واجب است از رسیدن آن به حلق جلوگیری کند.

### جماع (آمیزش جنسی)

۱. آمیزش جنسی روزه را باطل می‌کند، هر چند منی بیرون نیاید.
۲. اگر فراموش کند که روزه است و آمیزش جنسی کند، روزه‌ی او باطل نمی‌شود، ولی هر لحظه که یادش آمد باید فوراً از حال آمیزش خارج شود و گرنه روزه‌اش باطل است.

### استمنا (خود ارضایی جنسی)

۱. اگر روزه‌دار عمداً کاری کند که منی از او بیرون بیاید روزه‌اش باطل می‌شود.
۲. محتلم شدن در روز (خروج منی در حال خواب) روزه را باطل نمی‌کند، و هرگاه روزه‌دار بداند که اگر در روز بخواهد محتلم می‌شود، لازم نیست از خواب خود جلوگیری کند.
۳. اگر روزه‌دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از آن جلوگیری کند.

### دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین

۱. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) بنا بر احتیاط (واجب) موجب باطل شدن روزه می‌شود، هر چند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.
۲. نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمی‌داند که دروغ باشد، اشکال ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که آنها را با نسبت به آن کتاب نقل کند (مثلاً بگوید: در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر(ص) فرمود...).

### رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را، مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می‌خیزد فرو ندهد، ولی صرف داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد روزه را باطل نمی‌کند، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.
۲. هرگاه روزه‌دار مبتلا به تنگی نفس شدید، ماده‌ی را به کار ببرد که از هوای فشرده همراه با دارویی هر چند به صورت گاز یا پودر تشکیل شده و وارد حلق می‌شود، روزه اشکال ندارد.

### فرو بردن سر در آب

۱. اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو ببرد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید روزه‌ی آن

روز را قضا کند.

۲. در حکم مسأله‌ی قبل فرقی نیست میان این که در هنگام فرو بردن سر در آب، بدن او نیز در آب باشد یا این که بدن او در بیرون باشد و فقط سر را در آب فرو ببرد.

۳. اگر نصف سر را در آب فرو ببرد و سپس بیرون بیاورد و نصف دیگر سر را در آب فرو کند روزه‌اش باطل نمی‌شود.

۴. اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می‌شود.

۵. اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه، روزه‌اش صحیح است.

۶. اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی باید فوراً سر را از زیر آب خارج کند، همچنین اگر فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو ببرد روزه‌ی او باطل نمی‌شود، ولی هرگاه یادش آمد باید فوراً سر را بیرون بیاورد.

۷. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرو رود، اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنابر احتیاط واجب قضای آن لازم است.

۸. آب ریختن روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

### باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

۱. کسی که در شب ماه رمضان دچار جنابت است باید تا پیش از اذان صبح غسل کند و اگر عمداً تا آن هنگام غسل نکند روزه‌اش باطل است. این حکم در مورد روزه‌ی قضای ماه رمضان نیز جاری است.

#### توجه:

✳ اگر در شب ماه رمضان جنب شود و بدون تعمد تا اذان صبح غسل نکند، مثل این که در خواب جنب شود و خواب او تا بعد از اذان صبح ادامه یابد روزه‌اش صحیح است.

✳ باطل شدن روزه به خاطر بقای بر جنابت، مخصوص روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن است و در روزه‌های دیگر به خصوص روزه‌ی مستحبی موجب بطلان نمی‌شود.

۲. اگر جنب در روزه‌ی ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید روزه‌اش باطل است و احتیاط (واجب) این است که قضای روزه‌ی ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود، ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

۳. اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، روزه‌هایی که در این چند روز گرفته باطل است و باید آنها را قضا نماید.

۴. اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از چند روز متوجه شود که آن آب نجس بوده است، روزه‌های او محکوم به صحت است.

۵. کسی که در شب ماه رمضان وظیفه دارد غسل کند، اگر به دلیل تنگی وقت یا مضر بودن آب و امثال آن

نتواند غسل کند، باید تیمم بدل از غسل به جا آورد.

#### توجه:

❖ کسی که وظیفه‌ی او تیمم است جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند به شرط این که بعد از جنب شدن، وقت کافی برای تیمم داشته باشد.

❖ هرگاه کسی قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن را انجام دهد روزه‌ی او صحیح است، هر چند بعد از اذان صبح بدون اختیار از او منی خارج شود.

۶. اگر در حال روزه در خواب جنب شود روزه باطل نمی‌شود، بنابراین اگر قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، جنابت به روزه‌ی آن روز او ضرر نمی‌زند. بلی واجب است که برای نماز غسل کند و می‌تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

#### توجه:

❖ اگر روزه‌دار در روز ماه رمضان و سایر ایام که روزه است در حال خواب جنب شده، پس از بیدار شدن واجب نیست فوراً غسل کند.

۷. کسی که در بیداری جنب شده یا پس از جنب شدن در حال خواب، بیدار شده و می‌داند که اگر به خواب رود، تا پیش از اذان صبح برای غسل بیدار نخواهد شد، جایز نیست قبل از غسل کردن بخوابد، و اگر خوابید و پیش از اذان، غسل نکرد روزه‌اش باطل است، ولی اگر احتمال می‌دهد که پیش از اذان صبح برای غسل بیدار خواهد شد و تصمیم بر غسل داشته باشد ولی بیدار نشود روزه‌اش صحیح است، ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را به جا آورد.

#### توجه:

❖ هرگاه در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چنانچه بعد از بیداری اول، اثری از احتلام در خود مشاهده نکند بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد روزه‌اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است، همچنین اگر قبل از اذان صبح متوجه احتلام خود نشود و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از اذان صبح محتلم شده است روزه‌اش صحیح است.

۸. زنی که از عادت ماهانه پاک شده و باید غسل کند، و همچنین زنی که از نفاس (خونریزی زایمان) پاک شده و غسل بر او واجب است، اگر غسل را تا اذان صبح روز ماه رمضان تأخیر اندازد روزه‌اش باطل است.

۹. زن روزه‌دار اگر در اثنای روز خون حیض یا نفاس ببیند روزه‌اش باطل می‌شود، اگر چه نزدیک مغرب باشد.

#### توجه:

✳ اگر زنی در حال روزه‌ی نذری معین حیض شود روزه‌اش باطل می‌شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است.

### اماله کردن با مایعات

۱. اماله کردن با چیز روان، اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.
۲. داروهای مخصوصی برای معالجه‌ی بعضی از بیماریهای زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، استفاده از این داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

### قی کردن عمدی

۱. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه‌ی بیماری و مانند آن ناچار به این کار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد.
۲. اگر در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد و اگر بی‌اختیار فرو رود روزه‌اش صحیح است.

### چند نکته در ارتباط با مفطرات روزه

هرگاه روزه‌دار عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه‌ی او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، مثل این که پایش بلغزد و در آب فرو رود، یا از روی فراموشی غذا بخورد، یا به زور چیزی در گلوئی او بریزند روزه‌اش، باطل نمی‌شود و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب، مستحب، ماه رمضان و غیره نیست.

### توجه:

✳ هرگاه روزه‌دار خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود (و به عبارت دیگر مجبورش کنند که خودش افطار کند، مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر جانی یا مالی به تو می‌زنیم و او خودش برای جلوگیری از ضرر، غذا بخورد (روزه‌اش باطل می‌شود).

✳ اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی را بکند که موجب باطل شدن روزه است و سپس به خیال این که روزه‌اش باطل شده، عمداً بار دیگر یکی از آن کارها را انجام دهد، روزه‌ی او باطل می‌شود.

✳ هرگاه کسی شک کند مفطری انجام داده است یا نه، مثلاً غبار غلیظی که وارد دهان شده آن را فروبرده است یا نه، یا آبی که داخل دهان کرده بیرون ریخته یا نه، روزه‌اش صحیح است.

### ۸. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان

#### ۱. وجوب کفاره و موارد آن

الف) هرگاه در ماه مبارک رمضان کارهایی که روزه را باطل می‌کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه‌ی او باطل می‌شود و قضا دارد کفاره نیز بر او واجب است اعم از این

که هنگام انجام مفطر، عالم به وجوب كفاره باشد یا نه .

### توجه:

✳ اگر فردی به خاطر عذری احتمال دهد که روزه‌ی ماه مبارک رمضان بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، علاوه بر قضا، كفاره هم بر او واجب است. (صرف احتمال عدم وجوب روزه‌ی ماه مبارک رمضان برای افطار کافی نیست). بلی اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد كفاره ندارد، ولی قضا بر او واجب است.

✳ اگر به سبب بی اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، مثل این که نمی‌دانست سر زیر آب کردن روزه را باطل می‌کند و سر زیر آب کرد، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی كفاره بر او واجب نیست.

✳ اگر به جهتی باطل کردن روزه برای او جایز یا واجب شود، مانند این که او را مجبور کنند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، یا برای نجات جان غریق خود را در آب بیندازد، در این صورت، كفاره بر او واجب نیست، ولی باید قضای آن روز را به جا آورد.

ب) اگر چیزی از اندرون روزه‌دار به دهان او برگردد، نباید آن را دوباره فرو برد، و اگر عمداً فرو ببرد قضا و كفاره بر او واجب است.

ج) اگر روزه‌دار به گفته‌ی کسی که می‌گوید مغرب شده و اعتماد به گفته‌ی او نیست، افطار کند و سپس بفهمد که مغرب نبوده، قضا و كفاره بر او واجب می‌شود.

د) هرگاه روزه‌دار در ماه رمضان با همسر خود که روزه‌دار است جماع کند و زن نیز به آن راضی باشد بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، كفاره هم بر هر دو واجب است.

## ۲. مقدار كفاره و کیفیت آن

الف) كفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان در شرع اسلام یکی از سه چیز است:

۱. آزاد کردن یک برده.

۲. دو ماه (شصت روز) روزه گرفتن.

۳. شصت فقیر را غذا دادن.

### توجه:

✳ از آن جایی که در این دوران ظاهراً برده‌یی وجود ندارد که بتوان آزاد کرد مکلف باید یکی از آن دو کار دیگر را انجام دهد.

در مقدار كفاره تفاوتی نیست بین آن که روزه‌دار، به چیز حلال روزه‌ی خود را باطل کند یا به چیز حرام، مثل زنا یا استمنا یا خوردن و آشامیدن حرام، گر چه احتیاط مستحب در افطار به چیز حرام آن است که كفاره‌ی جمع بپردازد یعنی هم یک برده آزاد کند و هم دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر را غذا دهد. هرگاه هیچ یک از این سه کار ممکن نشود باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط (واجب)

آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان بگوید: «اَسْتَغْفِرُاللهَ» (از خداوند بخشایش می‌طلبم).

❖ کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر، وظیفه‌اش استغفار است، اگر بعدها تمکن کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، لازم نیست این کار را بکند، گر چه موافق احتیاط مستحبی است.

ب) کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان را بگیرد باید یک ماه تمام و حداقل یک روز از ماه دوم را پی‌درپی بگیرد و اگر بقیه‌ی ماه دوم پی‌درپی نباشد اشکال ندارد.

ج) زنی که می‌خواهد شصت روز روزه‌ی کفاره بگیرد و در اثنای روز به روزهای عادت ماهانه و امثال آن برسد پس از پایان آن روزها می‌تواند بقیه‌ی روزها را بگیرد و لازم نیست آنها را از سر بگیرد.

د) غذا دادن به شصت فقیر را می‌توان به دو صورت انجام داد

۱. این که با غذای آماده آنان را سیر کند.

۲. این که به هر نفر به اندازه‌ی ۷۵۰ گرم (یک مد) گندم یا آرد یا نان یا برنج یا امثال آن بدهد.

ه) کسی که برای کفاره‌ی روزه می‌خواهد به شصت فقیر غذا دهد (به شرحی که در مسأله‌ی قبل گفتیم) اگر به شصت فقیر دسترسی دارد نمی‌تواند سهم دو نفر یا بیشتر را به یک نفر بدهد، بلکه لازم است به تمام شصت نفر به اندازه‌ی سهم هر یک غذا بدهد. البته می‌تواند به عدد افراد خانواده‌ی شخص فقیر مقدار سهم آنان را به او واگذار کند و او آن را مصرف آنان نماید.

### توجه:

❖ در فقیر، تفاوتی میان بچه و بزرگ و زن و مرد نیست.

### ۳. احکام کفاره

۱. اگر روزه‌دار در یک روز بیش از یک‌بار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد فقط یک کفاره بر او واجب می‌شود. بلی اگر این کار، آمیزش جنسی یا استمنای باشد احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمنای کفاره بدهد.

۲. کسی که عمداً روزه‌ی خود را باطل کرده، اگر پس از آن به سفر برود کفاره از او ساقط نمی‌شود، بنابراین اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند و برای فرار از روزه تصمیم بگیرد بعد از طلوع فجر مسافرت کند و این کار را نیز انجام دهد، صرف تصمیم و قصد سفر در شب و رفتن به مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

۳. کسی که کفاره بر او واجب شده، لازم نیست که آن را فوراً بدهد، ولی نباید آن را به قدری تأخیر بیندازد که کوتاهی در ادای واجب شمرده شود.

۴. کفاره‌ی واجب را اگر چند سال بگذرد و ندهد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

۵. در کفاره‌ی روزه، بین قضا و کفاره، ترتیب واجب نیست.

## ۹. کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان

### ۱. وجوب کفاره و موارد آن

کسی که قضای روزه‌ی ماه رمضان را گرفته جایز نیست بعد از ظهر روزه را باطل کند و اگر عمداً چنین کاری را انجام دهد باید کفاره بپردازد.

#### توجه:

❖ کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان را به جا می‌آورد می‌تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند، به شرط این که وقت برای قضای روزه تنگ نباشد، اما اگر وقت، تنگ باشد مثلاً پنج روز قضا به ذمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده افطار پیش از ظهر (همچون افطار بعد از ظهر) برای او به احتیاط (واجب) جایز نیست، هر چند اگر افطار کند کفاره ندارد.

❖ اگر کسی برای گرفتن روزه‌ی قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند کفاره بر او واجب نیست.

### ۲. مقدار کفاره

کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان عبارت است از غذا دادن به ده فقیر و اگر نمی‌تواند واجب است سه روز روزه بنابر اتیاط واجب پی در پی بگیرد.

## ۱۰. کفاره‌ی تأخیر

### ۱. وجوب کفاره و مورد آن

کسی که روزه‌ی ماه رمضان را به واسطه‌ی عذری نگیرد و تا رمضان آینده هم به خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر قضای آن را به جا نیاورد باید بعداً روزه را قضا کند و برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد، اما اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، مانند مسافرت تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر اندازد قضای روزه‌هایی که از او فوت شده کافی است و واجب نیست کفاره بدهد، هر چند احتیاط (مستحب) در جمع بین قضا و کفاره است. ناگفته نماند در خصوص بیماری، توضیحی وجود دارد که خواهد آمد.

#### توجه:

❖ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود، بنابراین اگر شخصی به خاطر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد باید برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد.

❖ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه‌ی ماه رمضان - هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد - یکبار واجب است و با گذشت سالها متعدد نمی‌شود، بنابراین اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال به تأخیر اندازد باید قضا را به جا آورد و برای هر روز یک کفاره‌ی تأخیر بدهد.

### ۲. مقدار کفاره



کفاره‌ی تأخیر عبارت است از یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

### توجه:

کسی که باید برای هر روز یک مد طعام بدهد می‌تواند کفاره‌ی چند روز را به یک فقیر بدهد.

## ۱۱. موارد فدیة

### ۱. موارد فدیة

۱. مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشقت دارد.
۲. کسی که مبتلا به بیماری استسقا است یعنی زیاد تشنه می‌شود و روزه برای او مشقت دارد.
۳. زن باردار که وضع حمل او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد.
۴. زن شیرده که شیر او کم است و روزه برای بچه‌ی که شیر می‌دهد ضرر دارد.
۵. فرد بیمار که روزه برای او ضرر دارد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند.

۱. زن بارداری که خوف از ضرر روزه بر جنین خود دارد و خوف وی هم دارای منشاء عقلایی باشد، باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.
۲. زن شیردهی که به دلیل کم یا خشک شدن شیرش بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود دارد باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.
۳. بیماری که به واسطه‌ی بیماری، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته و بیماریش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

### توجه:

زنی که به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و به جهت ادامه‌ی بیماری قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست فدیة بر خود او واجب است و چیزی بر عهده‌ی شوهرش نیست.

زنی که در دو سال متوالی به دلیل عذر شرعی، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته، اگر عذر او در خوردن روزه، خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده باید علاوه بر قضا، برای هر روزی فدیة هم بپردازد و چنانچه قضا را بعد از رمضان، تا ماه رمضان سال بعد بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته علاوه بر قضا و فدیة، کفاره‌ی تأخیر هم بر او واجب است و اگر روزه برای خودش ضرر داشته و به جهت ضرر داشتن قادر بر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد نبوده، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

## ۲. مقدار فدیة

مقدار فدیة همان مقدار کفاره‌ی تأخیر است یعنی یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

### یک نکته در ارتباط با کفاره

اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه نگیرد یا روزه‌اش را باطل کند باید کفاره بدهد.

## توجه:

✳ کفاره‌ی نذر همان کفاره‌ی قسم است که در جای خود گفته خواهد شد.

## ۱۲. جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست

۱. کسی که در روز ماه رمضان نیت روزه نمی‌کند، یا از روی ریا روزه می‌گیرد ولی هیچیک از کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام نمی‌دهد قضای آن روز بر او واجب است، ولی کفاره واجب نیست.
۲. کسی که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت یک یا چند روز، روزه بگیرد قضای آن روزها بر او واجب است.
۳. اگر در سحر ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، سپس معلوم شود که در آن هنگام صبح شده بوده است، باید قضای آن روز را بگیرد، ولی اگر تحقیق کند و بداند که صبح نشده و چیزی بخورد، و بعد معلوم شود که صبح بوده است قضای آن روز بر او واجب نیست.
۴. اگر در روز ماه رمضان به خاطر تاریکی هوا یقین کند که مغرب شده یا کسانی که خبر آنها شرعاً حجت است بگویند مغرب شده، و افطار کند سپس معلوم شود که هنوز در آن هنگام مغرب نبوده است باید قضای آن روز را به جا آورد.
۵. اگر بر اثر ابر گمان کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود که مغرب نبوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست.
۶. در سحر ماه رمضان تا وقتی یقین به طلوع فجر نکرده است می‌تواند کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام دهد، ولی اگر بعداً معلوم شد که در آن هنگام صبح شده بوده است حکم آن در مسأله‌ی «۳» گفته شد.
۷. در روز ماه رمضان تا وقتی یقین به فرارسیدن مغرب نکرده باشد نمی‌تواند افطار کند، و اگر با یقین به مغرب افطار کرد و بعد معلوم شد که مغرب نشده بوده است حکم آن در مسأله‌ی «۴ و ۵» گفته شد.
۸. اگر روزه دار در هنگام وضو که مستحب است قدری آب در دهان بگرداند و مضمضه کند، این کار را کرد و آب بی اختیار فرو داده شد روزه‌اش صحیح است و قضا بر او واجب نیست، ولی اگر این کار را نه برای وضو بلکه برای خنک شدن و امثال آن انجام داد و آب بی اختیار به حلق او فرو رفت، باید قضای آن روز را به جا آورد.

## ۱۳. احکام قضای روزه

۱. کسی که یک یا چند روز بی‌هوش و در حال اغما بوده و روزه‌ی واجب از او فوت شده، لازم نیست قضای روزه آن روزها را به جا آورد.
۲. کسی که به خاطر مستی، روزه از او فوت شده، مانند این که بر اثر مستی نیت روزه نکرده هر چند همه روز را امساک کرده باشد، قضای روزه‌ی بی‌هوشی که از او فوت شده واجب است.

۳. کسی که نیت روزه کرده ولی سپس مست شده و همه یا بخشی از روز را با حال مستی گذرانیده بنا به احتیاط (واجب) باید روزهی آن روز را قضا کند، مخصوصاً در مستی‌های شدید که موجب زایل شدن عقل است.

#### توجه:

در این مسأله و مسأله‌ی قبل فرقی نیست میان این که صرف ماده‌ی سکرآور برای او حرام باشد یا به خاطر بیماری یا بی‌اطلاعی از موضوع، حلال بوده باشد.

۴. زن باید ایامی را که به خاطر عادت ماهیانه و یا زایمان روزه نگرفته پس از ماه رمضان قضا کند.

۵. کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزه‌هایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد می‌تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می‌داند، مثلاً می‌داند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی‌داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

۶. اگر از چند ماه رمضان روزهی قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانع ندارد، ولی اگر وقت قضای آخرین ماه رمضان تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به ماه رمضان مانده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که قضای رمضان آخر را بگیرد.

۷. کسی که روزهی قضای ماه رمضان را به‌جا می‌آورد می‌تواند به پیش از ظهر روزه را افطار کند به شرط این که وقت برای قضای روزه، تنگ نباشد، ولی بعد از ظهر جایز نیست. ۸. هرگاه به واسطه‌ی بیماری، روزهی ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طولانی شود قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، ولی اگر به واسطه‌ی عذر دیگری (مثلاً به خاطر مسافرت) روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند واجب است روزه‌هایی را که نگرفته بعد از ماه رمضان قضا کند، همچنین اگر ترک روزه به خاطر بیماری بوده، بعد بیماری رفع شده و عذر دیگری مانند مسافرت پیش آمده است.

#### یک نکته در ارتباط با قضای روزه

ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به صرف ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بنابراین دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی، توانایی روزه گرفتن ندارد و تا ماه رمضان آینده هم نمی‌تواند قضای آن را به‌جا آورد واجب است روزه‌هایی که از او فوت شده را قضا کند، همچنین فردی که چند سال روزه نگرفته و فعلاً توبه کرده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها دارد، واجب است تمام روزه‌های فوت شده را قضا کند و چنانچه نتواند، قضای روزه‌ها از او ساقط نمی‌شود و بر عهده‌اش می‌ماند.

#### ۱۴. احکام روزهی قضای پدر و مادر

۱. اگر پدر و نیز بنا به احتیاط واجب، مادر روزه‌های خود را به خاطر عذری غیر از سفر به جا نیاورده و با این که می‌توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان، خودش یا به وسیله‌ی اجیر قضای آن روزه را به‌جا بیاورد، و اما آنچه به خاطر سفر به‌جا نیاورده‌اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته‌اند، آن را قضا کند.
۲. روزه‌هایی را که پدر یا مادر عمداً به جا نیاورده‌اند بنا بر احتیاط (واجب) باید به وسیله‌ی پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود.
۳. در نماز و روزه قضای پدر و مادر، ترجیحی بین نماز و روزه نیست و هر یک را می‌توان بر دیگری مقدم داشت.

### ۱۵. احکام روزه‌ی مسافر

۱. کسی که در ماه رمضان مسافرت می‌کند در هر مورد که نماز را باید شکسته بخواند نباید روزه بگیرد، و در هر مورد که باید نماز چهار رکعتی (تمام) بخواند، مانند مسافری که ده روز در یک محل قصد ماندن می‌کند یا این که مسافرت شغل اوست واجب است روزه را نیز به جا بیاورد. (مگر در مواردی که استثنا شده است).
۲. هرگاه روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه‌ی خود را تمام کند، اما اگر پیش از ظهر مسافرت نماید روزه‌اش باطل است، ولی قبل از آن که به حد ترخص برسد نمی‌تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند بنا بر احتیاط کفاره‌ی (افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان) بر او واجب است. البته اگر از حکم مسأله غافل بوده کفاره ندارد.
۳. هرگاه مسافر پیش از ظهر وارد وطن شود یا به جایی برسد که قصد ده روز توقف دارد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید روزه بگیرد و اگر انجام داده باشد بعداً قضا کند، ولی اگر بعد از ظهر وارد شود نمی‌تواند روزه بگیرد.
۴. مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر این که سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد. یک نکته در ارتباط با روزه‌ی مسافر مسافری که تصمیم به اعتکاف در مسجد الحرام دارد اگر قصد اقامت ده روز در مکه‌ی مکرمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد بر او واجب است بعد از این که دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه‌ی روز سوم کامل کند، ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه‌ی او در سفر صحیح نیست و با عدم صحت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.

### ۱۶. راههای ثابت شدن اول ماه

۱. رؤیت شخص مکلف.
۲. شهادت دو فرد عادل.

۳. شهرتی که مفید علم باشد.

۴. گذشت سی روز.

۵. حکم حاکم.

۱. رویت هلال برای اثبات حلول ماه قمری از شبی که پس از رویت است کفایت میکند.

#### توجه:

✦ رویت با وسیله، فرقی با رویت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رویت محفوظ باشد، پس رویت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. بلی رویت تصویر هلال از طریق انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رویت معلوم نیست محل اشکال است.

✦ استهلال (دیدن هلال) فی نفسه واجب شرعی نیست.

✦ صرف کوچکی و پایین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن و مانند آن، دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

✦ اول ماه به وسیله تقویمها و محاسبات علمی منجمین ثابت نمی‌شود مگر این که از گفته‌ی آنها یقین حاصل شود.

۲. اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای شهرهای دیگر در افق با هم متحد هستند کفایت میکند .

#### توجه:

✦ منظور از اتحاد افق، شهرهایی است که از جهت احتمال رویت و عدم احتمال رویت هلال یکسان باشند.

۳. تا حاکم حکم به رویت هلال نکند، صرف ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست، مگر آن که اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

#### توجه:

✦ اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رویت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، واجب نیست رویت هلال را به حاکم اطلاع دهد مگر آن که ترک آن مفسده داشته باشد.

✦ اگر حاکم حکم نماید که فردا عید است و این حکم، شامل همه‌ی کشور باشد حکم او شرعاً برای همه‌ی شهرها معتبر است.

✦ در تبعیت از اعلام رویت هلال توسط یک حکومت، اسلامی بودن آن حکومت شرط نیست، بلکه ملاک در این مورد، حصول اطمینان به رویت در منطقه‌ی است که نسبت به مکلف کافی محسوب می‌شود.

✦ اگر هلال ماه در شهری دیده نشود ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، در صورتی که مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

۴. اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاور که یک افق دارند و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود.
۵. اگر اول ماه رمضان ثابت نشود روزه واجب نیست، ولی اگر بعداً ثابت شود که آن روزی را که روزه نگرفته اول ماه بوده باید آن را قضا کند.
۶. روزی که انسان شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه بگیرد، اما اگر در اثنای روز ثابت شود که اول شوال است باید افطار کند، هر چند نزدیک مغرب باشد.

## ۱۷. مسایل متفرقه‌ی روزه

۱. در جایی که بیشتر مردم در شبهای ماه مبارک رمضان برای قرائت قرآن و خواندن دعا و شرکت در مراسم دینی و امثال آن بیدار هستند، پخش برنامه‌های خاص سحرهای این ماه از بلندگوی مسجد جهت شنیدن همگان اشکال ندارد، ولی اگر سبب اذیت همسایگان مسجد شود جایز نیست.
۲. قرائت دعاهای مخصوص ماه رمضان که به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، اگر به قصد ثواب و مطلوبیت باشد اشکال ندارد.
۳. هرگاه کسی روزه‌ی مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند و هر موقع بخواهد می‌تواند روزه‌ی خود را بخورد، بلکه اگر برادر مؤمنی او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول کرده در اثنای روز افطار نماید. خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.
۵. اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است روزه‌ی او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض این که در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده برای او جایز است.
۶. اگر شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم آن در وطن خود روزه بگیرد و در صبح روز بیست و هشتم به مکانی مسافرت کند و در روز بیست و نهم به آنجا برسد و متوجه شود که در آنجا عید اعلام شده است در صورتی که اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد قضای آن روز بر او واجب نیست، ولی این کشف می‌کند که یک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضای روزه‌ی او را که یقین به فوت آن دارد را به جا آورد.